



سید امیر معصومی

سید امیر معصومی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

صحیفہ ہندی

عجل اللہ تعالیٰ فرجہ الشریف

سید امیر معصومی

انتشارات حدیث مہر

۱۳۹۰

پدید آورنده : معصومی، امیر

عنوان : صحیفه مهدی عجل... تعالی فرجه الشریف

تکرار نام پدیدآورنده : سید امیر معصومی

مشخصات نشر: قم، حدیث مهر، ۱۳۹۰

مشخصات ظاهری : ۱۴۶ صفحه

ISBN : ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۳۴۷-۰-۷

بهاء : ۲۵۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی : فیبا

یادداشت : کتابخانه بصورت زیرنویس

یادداشت: فارسی - عربی

موضوع : محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. دعاها

موضوع : محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق- زیارتنامه ها

موضوع : دعاها

موضوع : زیارتنامه ها

رده کنگره : ۱۳۹۰، ۷م۹ / ۸ / ۲۶۷ PB

رده دیوبی : ۲۹۷ / ۷۷۲

کد کتابخانه ملی : ۱۸۹۳۴۷۹

صحیفه مهدی (عج)

مؤلف : سید امیر معصومی

ناشر : انتشارات حدیث مهر

نوبت چاپ : اول - ۱۳۹۰

تیراژ : ۵۰۰۰ نسخه

چاپ : سیمای کوثر

قیمت : ۲۵۰۰ تومان

ناظر چاپ : روح... گلستانی

مراکز پخش :

۱ - پخش کتاب باران : ۰۲۵۱ - ۷۸۳۹۰۸۱ / ۰۹۱۲۱۳۸۳۷۱۸

۲ - انتشارات حدیث مهر : ۰۹۱۲۶۹۹۹۹۲۱۱

۳ - تهران : ۰۹۱۲۱۰۰۳۶۶۶

۴ - شهر ری : ۰۲۱ - ۵۵۹۰۰۵۴۰

وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي
الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ

سوره قصص آیه ۵

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيِّكَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَى
آبَائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ. وَلِيًّا وَحَافِظًا.
وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَعَيْنًا. حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ
طَوْعًا. وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا

فہرست

- ۷..... با مہدی (عج) از تولد تا ظهور
- ۳۳..... ادعیہ و زیارات حضرت مہدی عجل اللہ تعالی فرجہ الشریف
- ۳۵..... نماز حضرت صاحب الزمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ
- ۳۷..... زیارت حضرت صاحب الزمان در روز جمعہ
- ۴۱..... دعای حضرت صاحب الامر علیہ السلام
- ۴۳..... دعای حضرت مہدی صلوات اللہ علیہ
- ۴۵..... دعای حضرت حجت علیہ السلام
- ۴۷..... استغاثہ بہ حضرت صاحب الزمان
- ۵۱..... اعمال شب نیمہ شعبان
- ۶۷..... زیارت امام حسین (ع) در شب نیمہ شعبان
- ۶۹..... دعای اللہم کن لولیک
- ۷۱..... آداب سرداب مطہر

صحیفہ مہدی

- زیارت آل یس ۷۲
- دعای ندبہ ۹۵
- زیارت حضرت بعد از نماز صبح ۱۰۹
- دعای عہد ۱۱۱
- دعای امام رضا (ع) برای حضرت صاحب الامر (ع) ۱۱۵
- ذکر صلوات بر ولی الأمر المنتظر علیہ السلام ۱۲۱
- دعا در غیبت امام زمان علیہ السلام ۱۲۳
- مسجد جمکران و نماز مخصوص آن ۱۳۳
- نماز حضرت در شب جمعہ ۱۴۳

بامدی (عج)

از تولد تا ظهور

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خدا بود و هیچ چیز غیر از او! نه معلومی بود نه مجهولی، نه آسمانی نه زمینی، نه زمانی، نه مکانی، نه شبی و نه روزی، نه خورشیدی و نه ماهی، نه ملک مقرب و نه ذی روحی. اولین مخلوقاتی که از نور عظمتش بوجود آورد محمد (ص) و اهل بیتش علیهم السلام بودند که آنها را در صورت «اظله خضراء»^۱ در مقابل خود نگاه داشت. نور آنها از نور الله جدا می گشت همچنان که نور خورشید از خورشید جدا می گردد. و آنها در روشنایی نورش عبادت او را به جا آورده و تسبیح و تقدیس می کردند.

چهارده نور، چهارده هزار سال پیش از آفرینش خلق شدند و آن نورها ارواح محمد (ص) و اهل بیتش علیهم السلام بودند. مخلوقات با آنها تسبیح خدا گفتند و چون تهلیل و تکبیر به جا آوردند ایشان نیز

سحیفه مهدی

همان کردند. محمد^(ص)، علی^(ع)، فاطمه^(س)، حسن و حسین^(ع)، و نه تن فرزندان حسین^(ع) که آخرین آنها قائم است. او آخرین نور از انوار چهارده گانه الهی است که قائم نامیده شد، ایستاده در میان آنها او کسی است که حلال خدا را حلال و حرام خدا را حرام خواهد نمود و دلهای شیعیان محمد^(ص) و آل محمد^(ص) را شفا خواهد داد.^۱

و خداوند چون اراده کرد مکان را بوجود آورد آن را آفرید و بر آن نوشت: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلِيُّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَصِيَّهُ وَ بِهِ أَيْدِيَهُ وَ نَصْرَتُهُ»^۲

سپس عرش را خلق کرد و بر سرادقات آن، همان «کلمات» را نوشت. آسمانها را آفرید و مثل آن را در اطراف آن نوشت، بهشت و جهنم را خلق کرد و مثل آن را بر آنها نوشت. ملائکه را آفرید و در آسمان جای داد. هوا را خلق کرد و آن کلمات را بر آن نوشت. جن را آفرید و در هوا ساکن کرد. زمین را هستی بخشید و آن کلمات را بر اطراف آن نوشت و با این کلمات آسمانها بدون ستون ایستادند و زمین برقرار گردید.^۳

و چون حسین^(ع) ولادت یافت جابر برای تبریک این مولود خجسته به نزد فاطمه^(س) رفت و چون داخل خانه گردید در دستان

۱- بحار: ۳۷۹/۵۲ ب ۲۷ ح ۱۸۵

۲- نیست الهی جز الله، محمد رسول او و علی وصی اوست، با علی او را تأیید کرده و یاری نمودم.

۳- سیمای جهان در عصر امام زمان (عج) ص ۲۹ تا ص ۳۲ به نقل از بحار

فاطمه لوح سبزی دید و گمان کرد که زمرد است. در آن لوح نوشته‌ای سفید بود که مانند خورشید می‌درخشید. به فاطمه^(س) عرض کرد: پدر و مادرم فدایت ای دختر رسول خدا! این لوح چیست؟

فاطمه^(س) فرمود: این لوح را خدای عزوجل به رسولش هدیه داده است و در آن نام پدر، شوهر، دو فرزند و اسامی اوصیاء از اولاد من هستند، پدرم آن را به من داد تا بادیدن آن خشنود شوم و این است نوشته‌ی لوح:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۱۱

این نوشته‌ای است از خدای عزیز و دانا به محمد^(ص) نور و سفیر و دربان و راهنمای خدا که روح‌الامین آن را از نزد پروردگار عالمیان فرود آورده است.

ای محمد^(ص)! نامهای مرا بزرگ بشمار و به نعمت‌هایم شکر گزار و نشانه‌های مرا انکار منما. منم خدای بی‌همتا و ریشه‌کن کننده ستمگران و ذلیل کننده ظالمان و مستقر کننده دین! منم خدایی که معبودی جز من نیست، هر کس جز فضل من امیدوار باشد و از غیر عدالت من بترسد او را عذابی نمایم که کسی از جهانیان را آن گونه عذاب نکرده باشم، پس تنها مرا پرستش کن و بر من توکل نما! هیچ پیامبری را مبعوث نکرده‌ام که روزهایش کامل و مدتش به پایان رسیده باشد مگر آنکه برای او جانشینی

صحیفه مهدی

قرار داده‌ام. همانا تو را بر انبیاء برتری بخشیدم و وصی تو را بر تمامی اوصیاء فضیلت دارم و تو را با دو فرزند بعد از او و دو سبط تو حسن و حسین گرامی داشتم.

حسن^(ع) را بعد از پایان مدت پدرش، معدن علم خود و حسین^(ع) را خزینه وحی خود قرار داده و با شهادت او را گرامی داشتم و با سعادت ختم نمودم. او بهترین شهدا و صاحب بالاترین درجات آنهاست. کلمات تامه خود را با او و حجت بالغه‌ام را نزد او قرار دادم و با عترت اوست که ثواب داده و عقاب نمایم!

«علی ابن الحسین^(ع)» سرور عبادت کنندگان و زینت اولیای گذشتگان است، و فرزند او «محمد» شکافنده علم و معدن حکمت من است. بزودی شک کنندگان در «جعفر^(ع)» به هلاکت می‌رسند! انکار کنندگان آنها انکار کنندگان من هستند، این گفتار حقی است از من که جایگاه جعفر^(ع) را گرامی داشته و البته او را با شیعیان و یاوران و دوستانش خوشحال می‌کنم.

بعد از او فرزندش «موسی^(ع)» را برگزیدم. که ریسمان واجب من منقطع نمی‌شود و حجت من پنهان نمی‌ماند و دوستان من شقی نمی‌شوند. آگاه باش اگر کسی یکی از آنان را منکر شود به یقین نعمت مرا منکر شده است و بدون آیه‌ای از کتابم قرآن، بر من افترا بسته است و وای بر افترازنندگان و منکران هنگامی که زمان بنده، دوست و برگزیده‌ام «موسی^(ع)» به پایان رسد!

همانا تکذیب کننده بر هشتمین آنها تکذیب کننده به همه

اولیای من است. علی ابن موسی ولی ویاور من است، او کسی است که بارهای نبوت را بر دوش او گذاشته و بر او منت می گذارم. او را عفریت متکبری به قتل می رساند و در شهری که آن را عبد صالح بنا کرده نزد بدترین خلق من دفن می گردد.

این گفتاری حق است از من که چشم او را با فرزند و جانشین بعد از او یعنی محمد^(ص) روشن سازم. پس او وارث علم من و معدن حکم و محل سر من و حجت من بر خلق است. بهشت را جایگاه او قرار داده و شفاعت او را درباره هفتاد هزار تن از دوزخیان می پذیرم و عمر او را نیز با سعادت فرزندش علی^(ع)، ولی و ناصر و شاهد بر خلقم و امین وحی ام به پایان برده و ختم می نمایم. و از اوست که دعوت کننده بر سیل و گنجینه علم خود «حسن^(ع)» را بیرون آورده و سپس با فرزند رحمة للعالمین او این وصایت را به کمال می رسانم.

با او کمال موسی و نور عیسی و صبر ایوب خواهد بود. در زمان او دوستانم ذلیل می شوند به گونه ای که سرهای آنان را مانند سرهای ترک و دیلم به همدیگر هدیه می دهند، پس کشته و سوزانده شده و همواره هراسان و ترسان و خائف اند. زمین از خون آنها رنگین می شود و گریه و ناله در زنان آنها رواج می یابد.

آنها به حق دوستان من اند که با ایشان تمام فتنه های کور و تاریک را دفع می کنم و به واسطه آنها زلزله ها را برداشته و گرفتاری و بدبختی را برطرف می سازم، *أولئك عليهم صلوات من*

رَبِّهِمْ وَرَحْمَةً وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ.^۱

و رسول خدا (ص) درباره آخرین امام از آنها فرمود:

همانا خداوند تبارک و تعالی در پشت حسن عسگری، نطفه‌ای مبارک، پاک، طاهر و مطهر به هم رسانید، مؤمنانی که خداوند برای ولایت او از آنها پیمان گرفته به آن راضیید و همه منکرها نافرمانی او را کرده‌اند.

اوست پیشوای پرهیزکار، پاک، شاد، خشنود، هدایت کننده و هدایت یافته، به عدل حکم می کند و به آن امر می نماید، خدا را تصدیق کرده و خداوند او را در گفتارش تصدیق می نماید و زمانی که دلایل و نشانه‌ها ظاهر شود از تهامه خروج می کند.

برای اوست گنجها، نه از زر و سیم بلکه اسبان زیبا و مردان نشاندار! خداوند از شهرهای دور برای او به تعداد اهل بدر، «سیصد و سیزده» تن گرد آورد و با اوست صحیفه‌ای مهر شده که در آن تعداد یارانش با نام، نشان و شهرها و طبیعت‌ها و زیورها و لقبهایشان آمده است. آنها زحمت کشان و کوشش کنندگان در راه اطاعت او هستند.

پرچمی دارد که با ظهورش برافراشته می شود و خداوند آن را به زبان درآورد تا او را ندا دهد که ای ولی خدا! خروج کن و دشمنان خدا را به قتل برسان و برای اوست دو پرچم، دو نشانه و

شمشیری در نیام.

پس چون زمان خروج فرا رسد شمشیر از نیام در آمده و او را صدا زند که ای ولیّ خدا دیگر نشستن از دشمنان خدا برای تو حلال نمی باشد. پس خروج کند در حالی که جبرئیل در راست او و میکائیل در چپ او باشد. خوشا به حال آنان که او را دوست دارند و ملاقاتش کنند و به حقیقت او قائل شوند. پس او خروج کرده و دشمنان خدا را در هر جا بیابد به قتل می رساند، حدود الهی را اقامه کرده و به حکم خدا حکم نماید.

۱۵

خداوند با او دوستدارانش را از هلاکت نجات می دهد و با اقرارشان به خدا و رسول خدا و امامان، بهشت را به روی آنها می گشاید. مَثَل آنها در زمین مانند مُشکی است که عطرش همه جا را فرا گیرد و هیچگاه رایحه اش تغییر نیابد. مَثَل آنها در آسمان همانند ماه تابان است که روشنائی اش به خاموشی نگراید.^۱ او همان است که رسول خدا در شب وفاتش به علی فرمود: ای ابوالحسن! کاغذ و دواتی حاضر کن. پس رسول خدا وصیتش را املا کرد تا رسید به این محل و گفت: یا علی! به زودی بعد از من دوازده امام و بعد از آنها دوازده مهدی خواهد بود! پس تو ای علی اول دوازده امامی... تا فرمود: و حسن (عسکری) هم (امامت) را به پسرش «م ح م د» نگهداری شده از آل محمد تسلیم می کند. این است دوازده امام.

صحیفه مهدی

سپس بعد از آنها دوازده «مهدی» می باشد. وقتی مرگ او را فرا رسید حکومت را به فرزندش نخستین نفر از مقربین تسلیم می کند و برای او سه نام است: عبدالله، احمد و اسم سومش مهدی خواهد بود و او اول مؤمن هاست.^۱

و مثل مهدی (عج) همچون مثل مادر موسی بود که تا هنگام ولادت هیچ تغییری بر او ظاهر نگشت و احدی بر حال او مطلع نگرددید چرا که فرعون برای یافتن موسی^(ع) شکم زنان حامله را می شکافت!

و چون شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری فرا رسید، «حکیمه» شب را در نزد ابا محمد حسن عسگری^(ع) ماند، افطارش را در همان جا به جای آورد و در کنار نرجس بیتوته کرد. آن شب را بیش از شبهای دیگر به نماز و تهجد سپری کرد و چون به نماز وتر رسید نرجس را دید که از خواب برخاسته و مشغول نماز شب است.

صبح کاذب طلوع کرده بود که ناگاه صدای ابا محمد حسن عسگری^(ع) از حجره خود برخاست که فرمود: ای عمّه! شک نکن که وقتش نزدیک است. در این هنگام بود که حکیمه در نرجس اضطرابی را مشاهده نمود. پس او را در آغوش گرفته و اسم الهی

را بر او خواند. ابا محمد صدا زد کہ عمہ جان سورۃ قدر را بر نرجس بخوان! حکیمہ از او پرسید خاتون! چہ حالی داری؟ نرجس گفت: ظاہر شدہ است اثر آنچه مولایم اباالحسن فرمود!

چون شروع کرد بہ خواندن سورۃ قدر، شنید کہ آن طفل در شکم مادر در قرائت با او ہمراہی می کرد و بر او سلام کرد. حکیمہ را ترس فرا گرفت کہ ناگاہ حضرت صدا زدند کہ تعجب مکن از قدرت حق تعالی کہ طفلان ما را بہ حکمت گویا می گرداند و ما را در بزرگی حجت زمین ساختہ است.

کلام امام تمام شد کہ نرجس از دیدۂ غایب گردید، گویا پردہ ای میان حکیمہ و او حائل شد. فریاد کنان بہ سوی امام دوید کہ فرمود: باز گرد ای عمہ! او را در جای خود خواہی یافت. چون برگشت و پردہ گشودہ شد در نرجس نوری دید کہ دیدہ اش را خیرہ کرد. کودکی رو بہ قبلہ، بر روی دو زانویش بہ سجدہ افتادہ و انگشتان سبابہ اش را بہ سوی آسمان بلند کردہ و می گوید:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ وَ
أَنَّ أَبِي أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَصِيِّ رَسُولِ اللَّهِ.

پس یک یک امامان را شمرد تا بہ خودش رسید، آنگاہ فرمود:
اللَّهُمَّ اجْزَلِي وَعَدِي وَاتِمِّمْ لِي أَمْرِي وَثَبِّتْ وَطَّائِي
وَامَلَأْ الْأَرْضَ بِي عَدْلًا وَقِسْطًا.

و نوری از او ساطع بود که به آفاق آسمان پهن شده بود. مرغان سفیدی از آسمان به زیر می آمدند و بالهای خود را بر سر و روی و بدن او می سائیدند و پرواز می کردند.

امام حسن (ع) حکیمه را آواز داد که: ای عمّه فرزندی مرا بر گیر به نزد من بیاور.

حکیمه گوید: او را بر گرفتم ختنه کرده، ناف بریده و پاک و پاکیزه اش یافتم که بر بازوی راستش نوشته بود:

و قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا

چون به نزد آن حضرت بردمش، همین که نظرش بر پدر افتاد سلام کرد. حضرت علیه السلام او را گرفت و زبان مبارکش را بر دو دیده اش کشیده و آنگاه در دهان و هر دو گوشش گردانید او را بر کف دست چپ نشانید و دست راست بر سرش کشید و فرمود: ای فرزندی! سخن بگو به قدرت الهی!

در این هنگام کودک به سخن آمده، استعاذه فرمود و گفت:

و نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً

وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَ نُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ نُرِي فِرْعَوْنَ

وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ

آنگاه پدر فرمود: بخوان ای فرزندی آنچه حق سبحانه بر پیامبران فرستاده و او ابتدا نمود از صُحُفِ آدَمَ به زبان سریانی آنگاه کتاب

صحیفاء مہدی

ادریس، نوح، ہود، صالح و صحف ابراہیم و تورات موسی و زبور داود و انجیل موسی و قرآن محمد (ص) را خواند و قصہ های قرآن را یاد کرد.

پس صلوات بر رسول خدا و امیر المؤمنین و جمیع امامان علیہم السلام فرستاد تا پدر بزرگوارش و در این حال مرغان بسیاری در کنار سر مبارکش جمع شده بودند کہ حضرت بہ یکی از مرغان صدا زدند کہ این طفل را بردار و نیکو محافظت کن و ہر چہل روز یک بار نزد ما بیاور. مرغ، آن جناب را برگرفت و بہ سوی آسمان پرواز کرد و سایر مرغان نیز از پی او درآمدند آنگاہ امام فرمود: سپردم تو را بہ آن کسی کہ مادر موسی، موسی را سپرد!

آنگاہ دو ملک او را تحویل گرفتند و بہ سراپردہ عرش رحمانی بردند. پس حق تعالی بہ او خطاب نمود: مرحبا بہ تو ای بندہ من کہ تو را خلق کردم برای یاری دین خود و اظہار امر شریعتم، پس تویی ہدایت یافتہ از بندگان من. قسم بہ ذاتم کہ مردم را بہ اطاعت تو ثواب می دهم و بہ نافرمانی تو عقاب می کنم. و بہ سبب شفاعت و ہدایت تو آنها را می آمرزم. ای دو ملک! برگردانید او را بہ سوی پدرش و از جانب من او را سلام رسانید و بگویید او در پناہ حفظ و حمایت من است او را از شر دشمنان حراست می کنم تا زمانی کہ ظاہرش سازم و حق را با او برپا می دارم و باطل را با او سرنگون می کنم و دین حق برای من خالص باشد.

در این حال نرجس گریان شد تا آنکه حضرت به او فرمود:
ساکت باش که او شیر از پستان غیر تو نخواهد خورد و بزودی او
را به سوی تو برمی گردانند که حق تعالی فرموده است: «و موسی
را به سوی مادرش برگردانیم تا دیده‌اش به او روشن گردد و از
حزن و اندوه به در آید.»

حکیمه خاتون پرسید: این مرغ، که بود؟ امام فرمودند: او
روح القدس است و موکل به ائمه می‌باشد تا آنها را به توفیق
رسانده و با علم، تربیتشان ساخته و از خطاها محفوظشان دارد.

پس چون چهل روز گذشت حکیمه خاتون نزد آن حضرت
رفت و طفلی را دید که در میان خانه راه می‌رود. گفت: ای سید
من این طفل دو ساله از کیست؟ حضرت تبسمی فرموده و گفتند:
اولاد پیامبران و اوصیای ایشان هر گاه امام باشند مانند اطفال دیگر
رشد نمی‌کنند بلکه یک ماهه ایشان مانند یک ساله دیگران است.
آنها در شکم مادر سخن می‌گویند، قرآن می‌خوانند و عبادت
پروردگار می‌نمایند. در هنگام شیر خوردن، ملائکه فرمان ایشان
می‌برند و هر صبح و شام بر آنها نازل می‌گردند.

آنگاه ابا محمد حسن عسگری^(ع) پدر محمد بن عثمان عمروی
را طلبید و فرمود: ده هزار رطل که قریب هزار من می‌باشد نان و ده
هزار رطل گوشت بر بنی‌هاشم و دیگران تصدق کنید و گوسفند

بسیاری جهت عقیقه ذبح نمایند.

حکیمه خاتون چهل روز یک بار به خدمت ابا محمد حسن عسگری^(ع) می‌رسید تا آنکه چند روز قبل از وفات آن حضرت به خدمتش رسید و مرد کاملی را که نزد ایشان بود شناخت. از امام سؤال کرد: این مرد کیست که می‌فرمایی نزد او بنشینم.

امام فرمود: او فرزند نرجس است و خلیفه بعد از من. من به زودی از میان شما می‌روم، باید سخن او را قبول کرده و امرش را اطاعت کنید.

پس طولی نکشید تا اینکه ابا محمد حسن عسگری^(ع) ارتحال نمود و حکیمه او را صبح و شام ملاقات می‌کرد. از هر چه سؤال می‌نمود او را خبر می‌داد و آنگاه که می‌خواست سؤالی پرسد، سؤال نکرده جوابش را می‌گفت!

او همان مهدی^(عج) بود که جوان، چهارشانه و کشیده قامت نه بلند بالا و نه به زمین چسبیده و چهره‌اش خوشرو و درخشنده که نور سیمایش بر سیاهی موهای صورت و سر غالب آید و همچون ستاره‌ای می‌درخشید. دو گونه‌اش صاف و بدون برآمدگی و بر گونه راستش خالی سیاه، پیشانی‌اش گشاده، صاف و روشن، ابروانش گشاده، باریک و نزدیک به هم اما ناپیوسته، چشمهایش

سیاه و درشت فرو رفته و پلک‌ها درخشنده با بینی کشیده و بالا آمده، برآمدگی کمی در وسط. دندانهایش به هم پیوسته و در جلو گشاده و چهره مبارکش سفید و درخشنده و سرخ‌گون، رنگ سایر بدنش گندم‌گون و سبزه‌مایل به سفیدی است. رنگ موهای سر و صورتش سیاه اما نور صورتش غالب بر سیاهی موها است و تا نرمه گوش آویزان و بر روی دوش ریخته و از وسط دارای فرق است. سرمبارکش گرد و مدور با استخوان سرشانه نرم و بزرگ و سردوش پایین افتاده و ما بین دوشانه‌اش پهن است. میان دو شانه‌اش از طرف چپ خالی است و برخلاف رنگ بدن و در زیر دو شانه برگی همچون برگ یاس خودنمایی می‌کند.

بر بازوی راستش این دو آیه نوشته شده است:

جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا * وَ تَمَّتْ

كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقًا وَ عَدْلًا لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.

کف دستهایش پهن و بزرگ و سینه‌اش فراخ و پاهایش پهن و پرگوشت که بر پای راست خالی است برخلاف رنگ بدن با زانوانی که از بزرگی رو به جلو آمده‌اند.

در قوت آنچنان است که اگر خواهد بزرگترین درختها را از جا بر کند می‌تواند و اگر در میان کوهها صحیه زند، از جا کنده

شده و از هم پاشند.^۱

پاک و مطهر و ختنه شده به دنیا آمده است. محتمل نشود، چشمش بخوابد و دلش بیدار باشد. او را نه سایه‌ای است و نه خمیازه، پشت سر را ببیند چنان که روبرو را.

از همه حلیم‌تر، عابدتر، حاکم‌تر، پرهیزگارتر، شجاع‌تر، سخی‌تر بوده و تواضعش در برابر خدا بیشتر است. به هر چه امر کند از همه عاملتر و از هر چه نهی کند از همه ترک کننده‌تر است. به مردم از خویشان‌شان مهربانتر و دارای معجزه می‌باشد. تا زمانی که از دنیا رود مُحَدَّث باشد که فرشتگان با او در ارتباطند و سخن می‌گویند. اگر بر سنگی دعا کند دو نیم شود و مستجاب الدعوه می‌باشد. ذوالفقار و سلاح جدش نزد اوست و زره پیامبر تنها بر قامت او تناسب دارد. مصحف فاطمه (س) نزد او باشد، صحیفه‌ای که طولش هفتاد ذراع و آنچه بنی آدم نیاز دارد در آن مضبوط است. جفر اکبر و اصغر نزد اوست و صحیفه‌ای به همراه دارد که اسامی شیعیانش تا قیامت در آن مضبوط است.^۲

بر اثر تهجد و شب زنده‌داری رنگش به زردی متمایل است، فدای او که شبها در حال سجده و رکوع؛ طلوع و غروب ستارگان

۱- معجم احادیث الامام المهدی ۲۸۳/۳ و ۱۵۴/۴

۲- بحار: ۲۰۰/۷

را پیگیر می شود، ملامت ملامتگران در راه خدا در او تأثیر نمی گذارد.^۱

همچون تواضع شتر مرغ در برابر بالهائش در برابر خداوند متواضع است^۲ و همچون شیشه خاشع.^۳

شتابنده به سوی نیکیها و بزرگواریها و مبارزی سخت کوش است. دارای کمال موسی، شکوه عیسی و شکیبایی ایوب است. علم به کتاب خدا و سنت پیامبر چنان در دل او ریشه دوانده که گیاه در دل مساعدترین سرزمینها ریشه می دواند. سراپا عدل و برکت و پاکی است. از کوچکترین حق کشی چشم نمی پوشد و فرمان خدا را پیروی می کند. با کسی حساب خویشاوندی ندارد و سنگی روی سنگ نگذارد.

با سکینه و وقار و شناختن حلال و حرام و نیاز همگان به او و بی نیازی او از همه شناخته می شود. دانا، حکیم، پرهیزکار، بردبار، بخشنده و عابدترین مردم است. با دو نشانه آشکار شناخته می شود یکی دانش بی کران و دومی استجابت دعا. دانشش از همه افزونتر و صله ارحام کننده تر از همه می باشد. لباسش جز پوشاکی درشت و غذای او جز غذای سخت و بی خورش نیست. تقوا را پیشه خود

۱- بحار ۶۱/۵۳ ب ۲۹ ح ۵۲

۲- عقدا الدرر ۱۵۸

۳- الملاحم و الفتن ۵۸

ساخته و از روی بصیرت و هدایت گام برمی دارد.^۱

نام مبارکش: «م ح م د»، کنیه اش ابوالقاسم که شیعیان او را اباصالح می نامند و القابش همچون وارث، مهدی، صاحب الامر، قائم، مسیح الزمان و ...^۲

پدرش به او وصیت نمود که منزل نگیرد از زمین مگر جایی که از همه مخفی تر و دورتر باشد به جهت پنهان نمودن امر و محکم کردن محل خود از مکاید اهل ضلال ... و فرمود: بر تو باد ای پسر! به ملازمت جاهای نهان از زمین و طلب کردن دورترین آن زیرا برای هر ولّی از اولیای خدا دشمنی است مغالب و ضدی است از منازع.^۳ هر کس او را تکذیب کند به یقین کافر شده است.^۴ بردن نام او برای شما حلال نخواهد بود اما او را حجّت از آل محمد (ص) صدا بزنید.^۵

صادق آل محمد^(ع) در باره اش فرمود: اگر او را درک می کردم روزهای عمرم را در خدمت او بودم و امام علی^(ع) او را بزرگترین پناهگاه برای پناهندگان و دارای بیشترین علم و بالاترین صلّه رحم برشمرد که خداوند بیعت او را سبب بیرون آمدن امت از غمها قرار داده و با او پراکندگی امت را گرد آورد. و فرمود: هر گاه دیدن او

۱- ج ۱-۱۵، ۱-۱۴-۵۱۳

۲- نجم الثاقب: ۱۷۷/۱-۸۵

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ۲۴۷

۴- عقدا الدرر: ۱۵۷

۵- منتخب الاثر ص ۱۲۷ و ۲۲۶

برایتان میسر شد بروید و سستی نکنید و هر گاه موفق شدید از او در نگذرید و اگر این هدایت برایتان رخ داد از او تجاوز نکنید. خدایا چه قدر به دیدار او مشتاقم!^۱

امام باقر^(ع) فرمود: هر کس او را در کک کند و تسلیم او شود مانند این است که تسلیم محمد(ص) و علی^(ع) شده است و به یقین بهشت برایش واجب می شود و اگر تسلیم نشود جایگاهش جهنم خواهد بود.^۲

و از گفته علی ابن موسی الرضا^(ع) است که: بر اوست لباسهای نور که با شعاع روشنی قدس روشن می گردد.^۳

همانا برای صاحب این امر دو غیبت خواهد بود یکی طولانی می شود به گونه ای که بعضی می گویند مرده و برخی گویند کشته شده و بعضی گویند رفته است. به او مطلع نشود از دوست و غیر دوست مگر خدمتکاری که به کارهایش رسیدگی می کند!^۴

بعد از شهادت پدر بزرگوارش منصب ولایت و امامت به او انتقال یافت و بر جنازه پدر نماز خواند و همان روز به سبب تعقیب

۱- بحار: ۱۱۵/۵۱ ب ۲ ح ۱۴

۲- بحار: ۱۳۹/۵۱ ب ۵ ح ۱۳

۳- بحار: ۱۵۲/۵۱ ب ۸ ح ۲

۴- عقد الدرر: ۱۳۴

شدید معتمد عباسی غیبت نمود و ۶۹ سال در غیبت صغری بوسیله چهار نائب خاص با مردم در ارتباط بود و اینها هستند آن نایبان:

۱- ابو عمرو عثمان بن سعید العُمَری الاسدی از ۲۶۰ تا ۲۸۰ هـ ق

۲- پسرش محمد بن عثمان العُمَری از ۲۸۰ تا ۳۰۵ هـ ق

۳- ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی از ۳۰۵ تا ۳۲۶ هـ ق

۴- ابوالحسن علی بن محمد سمّری از ۳۲۶ تا ۳۲۹ هـ ق

و آنگاه که غیب کبری آغاز شد فقهای جامع شرایط را به عنوان نائب عام خود تعیین نمود و نیابت آنها را این گونه امضاء کرد:

وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَأَرْجِعُوكُمْ إِلَى رُؤَاةِ أَحَادِيثِنَا. فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي
عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ.

شش روز پیش از وفات سمّری آخرین نائب خاص، توفیق شریف او بدین صورت صادر شد:

«چون وفات تو نزدیک است دیگر به کسی وصیت نکن و کسی را به نیابت تعیین منما که غیبت تامّه واقع گردید و ظهوری نخواهد بود مگر بعد از مدت طولانی و قساوت قلبها و پر شدن زمین از جور و ستم و هر کس پیش از سفیانی و صیحه آسمانی ادعای مشاهده نماید او دروغگو و افترا زننده است.»^۲

۱- کمال الدین: ۴۸۴/۲ ب ۴۵ ح ۴

۲- معجم احادیث الامام المهدی: ۳۱۷/۴ ح ۱۳۳۳

و در نامه‌ای به شیخ مفید (رضی الله عنه) چنین توفیق فرمود:
«اگر شیعیان ما که خداوند به اطاعت خود موفقشان بدارد قلبهایشان بر وفای به عهد خود پابرجا بود سعادت دیدار ما از آنها به تأخیر نمی افتاد. و البته سعادت مشاهده ما با حق معرفت و راستگویی آنها شتاب می گیرد. پس دور نمی کند ما را از آنها مگر به خاطر اعمالی که دوست نداریم اما از آنها به ما می رسد و انتظارش را نیز نداریم، و خداوند کمک کننده است و برای ما کافی و چه نیکو و کیلی است خداوند.»^۱

در توفیق مبارک دیگری به شیخ مفید فرمود:
«ما در رعایت احوال شما اهمال نکرده و یاد شما را از خاطر نبرده ایم، اگر جز این بود البته دشواری‌ها و مصیبت‌ها بر شما فرود می آمد و دشمنان، شما را ریشه کن می ساختند!»^۲

صاحب این امر را خانه‌ای است که خانه حمدش گویند و در آن چراغی است که از روزی که به دنیا پانهاده تا روزی که با شمشیر قیام می کند خاموش نمی شود.^۳ در بین آنها تردد می کند و در بازارهایشان راه می رود و روی فرش‌هایشان قدم می زند، اما او را نشناسند تا روزی که خداوند اذن دهد که خود را معرفی نماید، همان گونه که به یوسف اجازه داد خود را به برادرانش بشناساند آن گونه که برادرانش به او گفتند: تو یوسفی؟ گفت: من یوسفم.

۱- بحار ۱۷۷/۵۳

۲- احتجاج طبرسی: ۵۹۶/۲

۳- غیبت نعمانی: ۸۴

او در کوچه‌هایشان رفت و آمد می‌کند و به خانه‌ها و کاخ‌هایشان داخل می‌شود و در خاور و باختر در گردش است. سخن مردم را می‌شنود و بر جماعتشان سلام می‌کند، می‌بیند و دیده نمی‌شود تا وقت و وعده‌اش فرا رسد و منادی از آسمان خدا ندا دهد: «هان که امروز روز شادی فرزندان و شیعیان علی است.»^۱ و خداوند با خضر و حشمت قائم را در هنگام غیبتش برطرف می‌سازد و او را از تنهایی می‌رهاند. خضر در هر کجا که نامش برده شود حاضر می‌گردد و هر کس اسمی از او برد بر او سلام می‌کند. در موسم‌های حج حاضر می‌شود و جمیع مناسک را انجام می‌دهد، در عرفات ایستاده و به دعای مؤمنین آمین می‌گوید.^۲

قائم (عج) نیز در موسم حج حضور پیدا می‌کند، مردم را می‌بیند و مردم او را نمی‌بینند.^۳ مؤمنانی از جن با او همراه می‌شوند و او امر و دستوراتش را به موثقین، فرماندهان و وکیلانش ابلاغ می‌کنند.^۴ بر عقیده به امامت او ثابت نمی‌ماند مگر کسی که خداوند قلبش را با ایمان امتحان کرده باشد و این از مکنونات اسرار خدا و گنجینه علم اوست.^۵

غیبتش امری است از کارهای خداوند و سری است از اسرار

۱- غیبت نعمانی: باب ۱۰ ص ۱۶۲

۲- کمال الدین: ۶۱/۲

۳- بحار: ۱۵۷/۵۲ ب ۲۳ ح ۲۰

۴- بحار: ۶/۵۳ ب ۲۵ ح ۱ س ۱۶

۵- الزام الناصب ۱۹

خدا که از بندگانش پیچیده شده است، مبادا در آن شک نماید که شک در کارهای خدا، کفر است.^۱

بخشنده‌ای است که مال را به وفور می‌بخشد. بر کارگزاران و مسئولان دولت خویش بسیار سخت گیرد و بر بی‌نویان بسیار رئوف و مهربان خواهد بود. یارانش را در همه شهرها پراکنده می‌سازد و به آنان دستور می‌دهد عدل و احسان را شیوه خود سازند. آنان را فرمانروایان کشورهای جهان گرداند و به آنها فرمان می‌دهد تا شهرها را آباد سازند.

از خدا بر حذر باشد، به خاطر خویشاوندی حق را تغییر نمی‌دهد، سنگ روی سنگ نگذارد و خداوند بوسیله او درهای حق را گشوده و درهای باطل را ببندد. بدعتی را رها نمی‌سازد جز آنکه از بین می‌برد و سنتی را نمی‌گذارد مگر اینکه برپا می‌دارد. با یاران خویش مشورت می‌کند. وزیرانش از «عجم»ها هستند و در میان آنها عرب نیست اما به عربی سخن می‌گویند. آنها خالص‌ترین و برترین وزیران هستند. خواهشهای نفسانی را تابع هدایت کند و آراء و افکار را پیرو قرآن نماید.

سنت او از جدش مصطفی، کشیدن شمشیر و کشتن دشمنان خدا و رسول و ستمگران و طغیانگران است، با شمشیر یاری می‌شود و پرچمش برگشتی ندارد. برای مردم از خودشان سزاوارتر

و از پدران و مادرانشان مهربانتر و در برابر خداوند از همه متواضعتر است. آنچه به مردم فرمان می دهد خود بیش از دیگران به آن عمل می کند و از آنچه مردم را نهی کند خود بیش از همگان پرهیز می نماید.^۱

قسم به آن که محمد را به نبوت برانگیخت مردم در زمان غیبتش از نور ولایت او بهره مند می شوند آن گونه که مردم از وجود آفتاب، اگر چه ابر جلوی تابش مستقیم آن را بگیرد.^۲

۱- سیمای جهان در عصر امام زمان عج ص ۲۹، ۲۸ و ۲۷

۲- الزام الناصب ۴۲۹/۱

ادعہ و زیارات

حضرت مہدی عجل اللہ تعالیٰ فرجہ الشریف

نماز حضرت صاحب الزمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ

دو رکعت است می خوانی در هر رکعت سوره حمد را تا اِیَّاكَ نَعْبُدُ وَاِیَّاكَ نَسْتَعِينُ و چون به این آیه رسیدی آنرا صد مرتبه می گوئی و در مرتبه آخر سوره را تمام می کنی پس قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدًا را یکبار می خوانی و چون از نماز فارغ شدی این دعا را می خوانی:

اللَّهُمَّ عَظَمَ الْبَلَاءُ وَ بَرِحَ الْخَفَاءُ وَ انْكَشَفَ الْغَطَاءُ وَ ضَاقَتِ

خدا با بلا و گرفتاری بزرگ شد و درد پنهان آشکار گشت و پسرده از روی کار برداشته شد و

الأَرْضُ بِمَا وَسِعَتِ السَّمَاءُ وَ إِلَيْكَ يَا رَبِّ الْمُشْتَكِي وَ عَلَيْكَ

زمین با فراخیش تا آسمان بر مساتنگ شد و شکوه ما ای پروردگسار بسوی توست و

الْمُعْوَلُ فِي الشِّدَّةِ وَ الرَّخَاءِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

اعتماد در سختی و آسانی بر تو است خدا یا درود فرست بر محمد و آل محمد

الَّذِينَ أَمَرْتَنَا بِطَاعَتِهِمْ وَ عَجَّلِ اللَّهُمَّ فَرَجَهُمْ بِقَائِمِهِمْ وَ أَظْهِرِ

آنان که ما را به پیروی ایشان مأمور کردی و شتاب کن خدا یا در فرج ایشان بوسیله قائمشان

إِعْرَازَهُ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِي يَا عَلِي يَا مُحَمَّدُ اِكْفِيَانِي فَإِنَّكُمَا كَافِيَاي

و عزتت را آشکار کن ای محمد ای علی ای علی ای محمد مرا کفایت کنید که کفایت کننده ام شماست

صحیفہ مہدی

يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيَّ يَا عَلِيَّ يَا مُحَمَّدُ أَنْصُرَانِي فَإِنَّكُمَا نَاصِرَايَ يَا مُحَمَّدُ

ای محمد و ای علی، ای علی و ای محمد مرا یاری کنید کہ باور من شما نید ای محمد

يَا عَلِيَّ يَا عَلِيَّ يَا مُحَمَّدُ احْفَظَانِي فَإِنَّكُمَا حَافِظَايَ يَا مَوْلَايَ

و ای علی، ای علی و ای محمد نگہداریم کنید کہ نگہدارم شما نید ای مولای من

يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ يَا مَوْلَايَ

ای صاحب الزمان ای مولای من ای صاحب الزمان ای مولای من

يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ الْغَوَاثَ الْغَوَاثَ الْغَوَاثَ أَدْرِ كُنِّي أَدْرِ كُنِّي

ای صاحب زمان پناه خواهم پناه خواهم پناه خواهم دریابم دریابم دریابم

الْأَمَانَ الْأَمَانَ الْأَمَانَ.

امانم ده امانم ده امانم ده

زیارت حضرت صاحب الزمان در روز جمعه

روز جمعه روز حضرت صاحب الزمان علیه السلام و بنام آن جناب است و همان روزی است که در آن روز ظهور خواهد فرمود بگو در زیارت آن حضرت:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ اللَّهِ

سلام بر تو ای حجّت خدا در روی زمین سلام بر تو ای دیده بان (یا دیده) خدا

فِي خَلْقِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ الَّذِي يَهْتَدِي بِهِ الْمُهْتَدُونَ،

در میان خلق سلام بر تو ای نور خدا که راه جوینان بدان راهنمایی شوند

وَيُفْرَجُ بِهِ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُهَذَّبُ الْخَائِفُ،

و به وسیله او از کار مؤمنان گشایش شود سلام بر تو ای پاک پروریده ترسان (از دشمن)

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَلِيُّ النَّاصِحُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَفِينَةَ النَّجَاةِ،

سلام بر تو ای سرپرست خیرخواه سلام بر تو ای کشتی نجات

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ الْحَيَاةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى

سلام بر تو ای چشمه حیات سلام بر تو بسا درود خدا بر تو و بر

آلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ الظَّاهِرِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ عَجَّلَ اللَّهُ لَكَ مَا

خاندان پاک و پاکیزهات بساد سلام بر تو خدا شتاب کند

وَعَدَكَ مِنَ النَّصْرِ وَظُهُورِ الْأَمْرِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ، أَنَا

در وعده یساری تو و پیروزی کسارت سلام بر تو ای سرور من، و من

مَوْلَاكَ عَارِفٌ بِأَوْلِيكَ وَأُخْرِيكَ أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِكَ وَبِآلِ

دوست تو و بینای به آغاز و انجام کسارت هستم و به سوی خدای تعالی بوسیله تو و

بَيْتِكَ، وَأَنْتَظِرُ ظُهُورَكَ، وَظُهُورَ الْحَقِّ عَلَيَّ يَدَيْكَ، وَأَسْأَلُ اللَّهَ

خاندانت تقرب جویم و منتظر ظهور تو و پیروزی حق بدست و هستم و از خدای خواهم

أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ يُجْعَلَ لِي مِنَ الْمُنتَظِرِينَ لَكَ

که درود فرستد بر محمد و آل محمد و مرا در زمره منتظران و پیروان تو قرار دهد

وَالتَّابِعِينَ وَالنَّاصِرِينَ لَكَ عَلَيَّ أَعْدَائِكَ، وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ

و در زمره یاوران تو در برابر دشمنانت و کسانی که در پیش رویت در میان

يَدَيْكَ فِي جُمْلَةِ أَوْلِيَائِكَ، يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ

دوستانت شریک شهادت می نوشند ای مولای من ای صاحب الزمان درود خدا بر تو

اللَّهِ عَلَيْكَ وَعَلَى آلِ بَيْتِكَ، هَذَا يَوْمُ الْجُمُعَةِ وَهُوَ يَوْمُكَ، الْمَتَوَقَّعُ

و بر خاندانت، امروز روز جمعه است و آن روز تو است که انتظار ظهور تو

فِيهِ ظُهُورُكَ، وَالْفَرَجُ فِيهِ لِلْمُؤْمِنِينَ عَلَيَّ يَدَيْكَ، وَقَتْلُ الْكَافِرِينَ

در آن روز و انتظار فرج مؤمنان بدست تو و کشتار کافران

بِسَيْفِكَ، وَأَنَا يَا مَوْلَايَ فِيهِ ضَيْفُكَ وَجَارُكَ، وَأَنْتَ يَا مَوْلَايَ

بوسیله شمشیر تو در این روز می رود و من ای آقای من در این روز میهمان تو و پناهندهات هستم و تو ای سرور من

كَرِيمٌ مِنْ أَوْلَادِ الْكِرَامِ، وَمَأْمُورٌ بِالصِّيَافَةِ وَالْإِجَارَةِ، فَأَضِيفَنِي وَ

بزرگسواری از فرزندان بزرگواران هستی و به میهمان نوازی و پناه دادن مأموری پس مرا بنواز.

أَجْرِي، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّاهِرِينَ.

و پنہام ده درود خدا بر تو و بر خاندان طاهرینست بساد

سید بن طاووس گفته کہ من بعد از این زیارت مُتَمَثِّل می شوم به

این شعر و اشاره می کنم به آن حضرت و می گویم:

نَزِيلُكَ حَيْثُ مَا أَتَّجَهْتُ رِكَابِي

یعنی من بر تو نازل می شوم هر کجا کہ راحله ام روی آورد.

وَ ضَيْفُكَ حَيْثُ كُنْتُ مِنَ الْبِلَادِ

و مرا وارد نماید و میهمان تو هستم در هر کجا کہ باشم از شهرها

دعای حضرت صاحب الامر علیه السلام

این دعای حضرت صاحب الامر علیه السلام است که تعلیم فرمود
آنرا به شخصی که محبوس بود پس خلاص شد

إِلَهِي عَظُمَ الْبَلَاءُ، وَبَرِحَ الْخُفَاءُ، وَانْكَشَفَ الْغِطَاءُ، وَانْقَطَعَ

خدایا بلاء عظیم گشته و درون آشکار شد و پرده از کارها برداشته شد و امید قطع شد

الرَّجَاءُ، وَضَاقَتِ الْأَرْضُ وَ مُنِعَتِ السَّمَاءُ، وَأَنْتَ الْمُسْتَعَانُ

و زمین تنگ شد و از ریزش رحمت آسمان جلوگیری شد و تویی یاور و شکوه بسوی تو است

وَإِلَيْكَ الْمُسْتَكِي، وَعَلَيْكَ الْمَعْوَلُ فِي الشِّدَّةِ وَالرَّخَاءِ، اَللَّهُمَّ

و اعتماد و تکیه ما چسه در سختی و چسه در آسانی بر تو است خدایا

صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، أُولِي الْأَمْرِ الَّذِينَ فَرَضْتَ عَلَيْنَا

درود فرست بر محمد و آل محمد آن زمامدارانی که پیرویشان را بر ما واجب کردی

طَاعَتِهِمْ، وَعَرَّفْنَا بِذَلِكَ مَنْزِلَتَهُمْ، فَفَرِّجْ عَنَّا بِحَقِّهِمْ، فَرَجًا

و بدین سبب مقام و منزلتشان را به ما شناساندی به حق ایشان به ما گشایشی ده

عَاجِلًا قَرِيبًا كَلِمَاحِ الْبَصْرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ، يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِي، يَا عَلِي

فوری و نزدیک مانند چشم بر هم زدن یا نزدیکتر ای محمد ای علی ای علی

صحیفہ مہدی

يَا مُحَمَّدُ، اِكْفِيَانِي فَاِنَّكُمَا كَافِيَانِ، وَانصُرَانِي فَاِنَّكُمَا نَاصِرَانِ،

ای محمد مرا کفایت کنید کہ شماييد کفایت کنندہام و مرا ياری کنید کہ شماييد ياور من

يَا مَوْلَانَا يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ الْغَوْثَ الْغَوْثَ الْغَوْثَ، اَدْرِ كُنِّي

ای سرور من اي صاحب الزمان فریاد، فریاد، فریاد، درياب

اَدْرِ كُنِّي اَدْرِ كُنِّي، السَّاعَةَ السَّاعَةَ السَّاعَةَ الْعَجَلَ الْعَجَلَ الْعَجَلَ،

مرا درياب مرا درياب مرا همين ساعت همين ساعت هم اكنون زود زود زود

يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.

ای خدا ای مهربانترين مهربانان به حق محمد و آل پاکيزه اش

دعای حضرت مهدی صلوات الله علیه

کفعمی در مصباح فرموده این دعاء حضرت مهدی صلوات الله علیه است

اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ، وَبُعْدَ الْمَعْصِيَةِ وَصِدْقَ النِّيَّةِ،

خدایا روزی ما کن توفیق اطاعت و دوری از گناه و صدق و صفای در نیست

وَ عِرْفَانَ الْحَرَمَةِ، وَ اَكْرَمَنَا بِالْهُدَى وَالْاِسْتِقَامَةِ، وَ سَدِّدْ اَسْنَتَنَا

و شناختن آنچه حرامش لازم است و گرامی دار ما را بوسیله هدایت شدن و استقامت و استوار کن زبانهای ما را

بِالصَّوَابِ وَالْحِكْمَةِ، وَ اَمَلًا قُلُوبَنَا بِالْعِلْمِ وَالْمَعْرِفَةِ، وَ طَهِّرْ

به درستگویی و حکمت و لبریز کن دلهای ما را از دانش و معرفت و پاک کن

بُطُونَنَا مِنَ الْحَرَامِ وَالشُّبْهَةِ، وَ اَكْفِفْ اَيْدِيَنَا عَنِ الظُّلْمِ وَالسَّرِقَةِ،

اندرون ما را از غذاهای حرام و شبهه ناک و بازدار دستهای ما را از ستم و دزدی

وَ اَغْضُضْ اَبْصَارَنَا عَنِ الْفُجُورِ وَالْخِيَانَةِ، وَ اَسَدِّدْ اَسْمَاعَنَا

و ببوشان چشمان ما را از هرزگی و خیانت و بیند گوشهای ما را از شنیدن سخنان بیهوده

عَنِ اللَّغْوِ وَالْغَيْبَةِ، وَ تَفَضَّلْ عَلَيَّ عُلَمَائِنَا بِالزُّهْدِ وَالنَّصِيحَةِ،

و غیبت و تفضل فرما بر علمای ما به پارسایی و خیرخواهی کردن

وَعَلَى الْمُتَعَلِّمِينَ بِالْجُهْدِ وَالرَّغْبَةِ. وَعَلَى الْمُسْتَمِعِينَ بِالْإِتِّبَاعِ

و بر دانش آموزان به کوشش داشتن و شوق و بر شنوندگان به پیروی کردن

وَالْمَوْعِظَةَ. وَعَلَى مَرْضَى الْمُسْلِمِينَ بِالشِّفَاءِ وَالرَّاحَةِ. وَعَلَى

و پند گرفتن و بر بیماران مسلمان به بهبودی یافتن و آسودگی و بر

مَوْتَاهُمْ بِالرَّأْفَةِ وَالرَّحْمَةِ. وَعَلَى مَشَايخِنَا بِالْوَقَارِ وَالسَّكِينَةِ.

مردگان آنها به عطف و مهربانی کردن و بر پیرانمان به وقار و سنگینی

وَعَلَى الشَّبَابِ بِالْإِنَابَةِ وَالتَّوْبَةِ. وَعَلَى النِّسَاءِ بِالْحَيَاءِ وَالْعِفَّةِ

و بر جوانان به بازگشت و توبه و بر زنان به شرم و عفت

وَعَلَى الْأَغْنِيَاءِ بِالتَّوَّاضِعِ وَالسَّعَةِ. وَعَلَى الْفُقَرَاءِ بِالصَّبْرِ

و بر ثروتمندان به فروتنی و بخشش کردن و بر مستمندان به شکیبایی

وَالْقَنَاعَةِ. وَعَلَى الْعُزَاةِ بِالنَّصْرِ وَالغَلَبَةِ. وَعَلَى الْأَسْرَاءِ بِالْخُلَاصِ

و قناعت و بر پیکار کنندگان به یاری و پیروزی و بر اسیران به رهایی یافتن

وَالرَّاحَةِ. وَعَلَى الْأُمَرَاءِ بِالْعَدْلِ وَالشَّفَقَةِ. وَعَلَى الرَّعِيَّةِ

و آسودگی و بر زمامداران به عدالت داشتن و دلسوزی و بر ملت به انصاف

بِالْإِنصَافِ وَحُسْنِ السَّيْرِ. وَبَارِكْ لِلْحُجَّاجِ وَالزُّوَّارِ فِي الزَّادِ

و خسوش رفتاری و برکت ده برای حاجیان و زائران در توشه و خرجی

وَالنَّفَقَةِ. وَأَقْضِ مَا أَوْجَبْتَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ. بِفَضْلِكَ

و به انجام رسان آنچه را بر ایشان واجب کردی از اعمال حج و عمره بوسیله فضل

وَرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

و رحمت خودت ای مهربانترین مهربانان

دعای حضرت حجت علیہ السلام

ذکر شدہ کہ این دعاء حضرت حجت علیہ السلام است:

إِلٰهِي بِحَقِّ مَنْ نَاجَاكَ، وَ بِحَقِّ مَنْ دَعَاكَ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ، تَفَضَّلْ

خدایا به حق هر که با تو راز گوید و به حق هر که تو را در صحرا و دریا بخواند تفضل فرما

عَلِي فَقَرَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالْغِنَاءِ وَالثَّرْوَةِ وَعَلِي مَرْضِي

ببر فقیران مؤمنین و مؤمنات به نِسوانگری و ثروت و بسر بیمساران

الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالشِّفَاءِ وَالصِّحَّةِ، وَعَلِي أَحْيَاءِ الْمُؤْمِنِينَ

مؤمنین و مؤمنات به بهبودی یافتن و تندرستی و بسر زندگان مؤمنین

وَالْمُؤْمِنَاتِ بِاللُّطْفِ وَالْكَرَمِ، وَعَلِي أَمْوَاتِ الْمُؤْمِنِينَ

و مؤمنات به لطف و بزرگواری و بسر مردگان مؤمنین

وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالْمَغْفِرَةِ وَالرَّحْمَةِ، وَعَلِي غُرَبَاءِ الْمُؤْمِنِينَ

و مؤمنات به آمرزش و مهربانی و بسر غریبان مؤمنین

وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالرِّدِّ إِلَى أَوْطَانِهِمْ سَالِمِينَ غَانِمِينَ، بِمُحَمَّدٍ

و مؤمنات به بازگرداندن آنها به وطنشان بسلامتی و به سره نماندی به حق محمد

وَالِهِ أَجْمَعِينَ.

و آل او همگی

استغاثه به حضرت صاحب الزمان

سید علیخان در کلم طیب فرموده این استغاثه ایست به حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه هر جا که باشی دو رکعت نماز به حمد و هر سوره که خواهی بگذار پس رو به قبله زیر آسمان بایست و بگو:

سَلَامُ اللَّهِ الْكَامِلِ التَّامِّ الشَّامِلِ الْعَامِّ، وَصَلَوَاتُهُ الدَّائِمَةُ،

سلام خدا بطور کامل و تمام و همه جانبه و عمومی و درودهای ممتد و پیوسته

و بر کائنه القایمه التامة علی حجة الله و ولیه فی أرضه و بلادیه،

و بر کتهای پابرجا و تام و تمامش بر حجت خدا و ولی او در زمین و سایر کشورهايش

وَ خَلِيفَتِهِ عَلِيٍّ خَلْقِهِ وَ عِبَادِهِ، وَ سُلَالَةِ النَّبُوَّةِ، وَ بَقِيَّةِ الْعِرَّةِ

و جانشین او بر خلقت و بنسبگانش و نسل او و عباد او، و سلسله نبوت و باقیمانده عترت

وَ الصَّفْوَةِ، صَاحِبِ الزَّمَانِ، وَ مُظْهِرِ الْإِيمَانِ وَ مُلَقِّنِ أَحْكَامِ

و (آن سرور) برگزیده یعنی حضرت صاحب الزمان و آشکار کننده ایمان و یاد دهنده احکام

الْقُرْآنِ، وَ مُطَهِّرِ الْأَرْضِ، وَ نَاشِرِ الْعَدْلِ فِي الطُّولِ وَ الْعَرْضِ،

قرآن و پاک کننده زمین و گسترنده عدالت در درازا و پهناي زمین

وَ الْحُجَّةِ الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ الْإِمَامِ الْمُنْتَظَرِ الْمَرْضِيِّ. وَ ابْنِ الْأَيْمَةِ

و حجّت قائم مهدی آن امام منتظر پسندیده و فرزند امامان

الظَّاهِرِينَ، الْوَصِيِّ بْنِ الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ، الْهَادِي الْمَعْصُومِ

پساکیزه و وصی فرزند اوصیاء پسندیده آن راهنمای معصوم

ابْنِ الْأَيْمَةِ الْهُدَاةِ الْمَعْصُومِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُعِزَّ الْمُؤْمِنِينَ

فرزند امامان راهنمای معصوم سلام بر تو ای عزت بخش مردم معصوم فرزند

الْمُسْتَضْعَفِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُذِلَّ الْكَافِرِينَ الْمُتَكَبِّرِينَ

امامان راهنمای معصوم سلام بر تو ای عزت بخش مردم مؤمنی که ناتوان و خوارشان شمرند سلام بر تو ای خوار کننده کافران

الظَّالِمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، السَّلَامُ

سزکش و ستمکار سلام بر تو ای مولای من ای صاحب الزمان سلام

عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ،

بر تو ای فرزند رسول خدا سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ،

سلام بر تو ای فرزند فاطمه زهرا بانوی زنان جهانیان سلام

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْأَيْمَةِ الْحُجَّجِ الْمَعْصُومِينَ، وَ الْإِمَامِ عَلِيٍّ

بر تو ای فرزند پیروایان و حجتهای معصوم و پیشوای بر

الْمَخْلُوقِ أَجْمَعِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ، سَلَامٌ مُخْلِصٍ لَكَ فِي

خلق همگی سلام بر تو ای سرور من سلام مخلصانه من به تو در

الْوِلَايَةِ. أَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْمَهْدِيُّ قَوْلًا وَ فِعْلًا، وَأَنْتَ الَّذِي تَمَلَأُ

ولایت و پیرویت گواهی دهم که تویی آن پیشوای راه یافته چه در گفتار و چه در کردار و تویی آن بزرگواری که

الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا، بَعْدَ مَا مَلِئْتَ ظُلْمًا وَ جَوْرًا، فَعَجَّلَ اللَّهُ

زمین را پر از عدل و داد کنی پس آنکه پر از ستم و بیدادگری شده باشد پس از خدا خواهم که شتاب کند

فَرَجَكَ. وَسَهَّلَ مَخْرَجَكَ، وَقَرَّبَ زَمَانَكَ، وَكَثَّرَ انصَارَكَ

در فرج تو و راه آمدنت را هموار و زمان ظهورت را نزدیک و یار و یاورت را بسیار گرداند

وَاعْوَانَكَ، وَأَبْحَزَ لَكَ مَا وَعَدَكَ، فَهُوَ أَصْدَقُ الْقَائِلِينَ، وَنُرِيدُ أَنْ

و آنچه به تو وعده فرموده دربارهات وفا کند زیرا که او راستگوترین گویندگان است که فرموده «و ما خواستیم

نَمَنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ، وَنَجْعَلُهُمْ أَيْمَةً وَنَجْعَلَهُمْ

بسر کسانی که در زمین زیرین شمرده می شدند منت نهیم و ایشان را پیشوایانی کنیم و

الْوَارِثِينَ، يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ حَاجَتِي

وارثان گردانیم ای سرور من ای صاحب (و بجای کذا و کذا حاجات خود را ذکر کند) الزمان ای فرزند رسول خدا حاجتم

كَذَا وَكَذَا فَاشْفَعْ لِي فِي نَجَاحِهَا، فَقَدْ تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِحَاجَتِي،

این و این است پس شفاعت کن برایم در برآمدنش زیرا که من با حاجت خویش به تو متوجه شده‌ام

لِعَلَّمِي أَنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَفَاعَةً مَقْبُولَةً، وَمَقَامًا مَحْمُودًا، فَبِحَقِّ مَنْ

زیرا می دانم که شفاعت تو به درگاه خدا پذیرفته و مقام پسندیده است پس به حق همان خدایی که شما را در کار

اخْتَصَّكُمْ بِأَمْرِهِ وَارْتَضَاكُمْ لِسِرِّهِ، وَبِالشَّانِ الَّذِي لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ

خود مخصوص کرده و برای راز و سیرش پسندیده و بدان مقامی که شما در نزد خدا

بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ، سَلِ اللَّهَ تَعَالَى فِي نَجْحِ طَلِبَتِي، وَاجَابَةَ دَعْوَتِي،

میان خود و او دارید که از خدای تعالی بخواهی من به خواسته‌ام برسیم و دعایم اجابت شود

وَكَشْفِ كُرْبَتِي،

و اندوهم برطرف گردد

و بخواه، هر چه خواهی که برآورده می شود انشاء الله تعالی

بهرتر آن است که در رکعت اول نماز این استغاثه بعد از حمد سوره

أَنَا فَتَحْنَا بِخَوَانِدٍ وَدَرِ رَكْعَتِ دَوْمِ إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ.

اعمال شب نیمه شعبان

شب بسیار مبارک است از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایتست که از حضرت امام محمد باقر علیه السلام سؤال شد از فضل شب نیمه شعبان فرمود آن شب افضل شبها است بعد از لیلۃ القدر در آن شب عطا می فرماید خداوند به بندگان فضل خود را و می آمرزد ایشان را به مَنْ و کَرَم خویش پس سعی و کوشش کنید در تقرب جستن به سوی خدای تعالی در آن شب پس بدرستی که آن شبی است که خدا قسم یاد فرموده به ذات مقدس خود که دست خالی برنگرداند سائلی را از درگاه خود مادامی که سؤال نکند معصیت را و آن شبی است که قرار داده حَقّ تعالی آن را از برای ما به مقابل آنکه قرار داده شب قدر را برای پیغمبر ماصلی الله علیه و آله پس کوشش کنید در دُعا و ثنا بر خدای تعالی «الخبر» و از جمله برکات این شب مبارک آن است که ولادت با سعادت حضرت سلطان عصر امام زمان ارواحنا له الفداء در سحر

این شب سنه دویست و پنجاه و پنج در سُرَّ مَنْ رَأَى واقع شده و باعث مزید شرافت این لَیْلَه مبارک شده و از برای این شب چند عملست اوّل غسل است که باعث تخفیف گناهان می شود دوم احیاء این شب است به نماز و دعاء و استغفار چنانچه امام زین العابدین علیه السلام می کردند و در روایتست که هر که احیا دارد این شب را نمیرد دل او در روزی که دلها بمیرند سوّم زیارت حضرت امام حسین علیه السلام است که افضل اعمال این شب و باعث آمرزش گناهانست و هر که خواهد با او مصافحه کند روح صد و بیست و چهار هزار پیغمبر زیارت کند آن جناب را در این شب و اقلّ زیارت آن حضرت آن است که به بامی بر آید و به جانب راست و چپ نظر کند پس سر به جانب آسمان کند پس زیارت کند آن حضرت را به این کلمات «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا اَبَا عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ» و هر کس در هر کجا باشد در هر وقت که آن حضرت را به این کیفیت زیارت کند امید است که ثواب حجّ و عمره برای او نوشته شود و ماز زیارت مخصوصه این شب را در باب زیارات ذکر خواهیم نمود انشاء الله تعالی چهارم خواندن این دعا که شیخ و سیّد نقل کرده اند و به منزله زیارت امام زمان صلوات الله و سلامه علیه است:

اللَّهُمَّ بِحَقِّ لَيْلَتِنَا اِهْدِنَا وَمَوْلُودِهَا. وَ حُجَّتِكَ وَمَوْعُودِهَا الَّتِي

خدایا به حق این شبی که ما در آنیم و به حق آنکس که در آن به دنیا آمده و حجت و موعود آن که

قَرَنْتَ إِلَىٰ فَضْلِهَا فَضْلاً، فَتَمَّتْ كَلِمَتُكَ صِدْقاً وَعَدْلاً، لَا مُبَدِّلَ

همراه کردی به فضیلت این شب فضیلت دیگری و بدین سبب تمام شد کلمه تو براستی و عدالت تغییر دهنده‌ای

لِكَلِمَاتِكَ وَلَا مُعَقِّبَ لآيَاتِكَ، نُورُكَ الْمُتَالِقُ وَضِيَاؤُكَ الْمُشْرِقُ،

برای کلمات تو نیست و پس زنده‌ای برای آیات تو نیست آن نور درخشانست و آن روشنی فروزانت

وَالْعِلْمُ النُّورُ فِي ظَهْيَاءِ الدَّيْجُورِ، الْغَائِبُ الْمَسْتُورُ، جَلَّ مَوْلِدُهُ،

و آن نشانه نورانی در شب تاریک ظلمانی آن پنهان غایب از انظار کس و ولادتش بزرگ

وَ كَرَمٌ مَّحْتَدُهُ، وَ الْمَلَائِكَةُ شُهَدَاؤُهُ، وَاللَّهُ نَاصِرُهُ وَ مُؤَيِّدُهُ، إِذَا أَنْ

و کرم الاصل بود و فرشتگان گواهان اویند و خدا یاور و کمک‌کار او است در آن هنگام که

مِيعَادُهُ، وَ الْمَلَائِكَةُ أَمْدَادُهُ، سَيْفُ اللَّهِ الَّذِي لَا يَنْبُو وَ نُورُهُ

و عده‌اش برسد و فرشتگان مدد‌کارش باشند آن شمشیر برنده خدا که گند نشود و نور او که خاموش نگردد و بردباری

الَّذِي لَا يَخْبُو، وَ ذُو الْحِلْمِ الَّذِي لَا يَصْبُوا، مَدَارُ الدَّهْرِ، وَ

که کار بسی رویه انجام ندهد چرخ روزگار بخساطر او گردش کند و او و پسران معصومش

نَوَامِيسُ الْعَصْرِ، وَ وُلاةُ الْأَمْرِ، وَ الْمُنْزَلُ عَلَيْهِمْ مَا يَنْزِلُ فِي لَيْلَةِ

نوامیس عصر و والیان امر خدایند در شب قدر آنچه نازل شود بر ایشان نازل

الْقَدْرِ، وَ أَصْحَابُ الْحَشْرِ وَ النَّشْرِ، تَرَاجِمَةٌ وَ حَيِّهِ، وَ وُلاةُ أَمْرِهِ

گردند و آنهایند صاحبان حشر و نشر و مفسران وحی خدا و سرپرستان امر

وَ نَهْيِهِ اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ خَاتِمَتِهِمْ وَ قَائِمَتِهِمُ الْمَسْتُورِ عَنْ عَوَالِمِهِمْ

و نهی او خدایا پس درود فرست بر خاتم ایشان و قائمشان که در پس پرده است از عوالم آنها

اللَّهُمَّ وَ أَدْرِكْ بِنَا أَيَّامَهُ، وَ ظُهُورَهُ وَ قِيَامَهُ، وَ اجْعَلْنَا مِنْ أَنْصَارِهِ،

خدایا ما را به روزگار او و زمان ظهور و قیامش برسان و از جمله یارانش قرارمان ده و خونخواهی ما را

وَ اقْرِنْ ثَارَنَا بِثَارِهِ وَ اكْتُبْنَا فِي أَعْوَانِهِ وَ خُلَصَائِهِ، وَ أَحْيِنَا فِي

به خونخواهی او مقسرون گردان و نسام ما را در زمره یاران و مخصوصانش ثبت فرما و ما را

صحیفه مهدی علیه السلام

دَوْلَتِهِ نَاعِمِينَ وَبِصُحْبَتِهِ غَانِمِينَ، وَبِحَقِّهِ قَائِمِينَ، وَمِنَ السُّوءِ

در دولتش شاد کام و متنعم و به هم نشینش بهره مند و به گرفتن حقش با سر جا بدار و از بدیها

سَالِمِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلَوَاتُهُ

بر کنارمان کن ای مهربانترین مهربانان و ستایش خاص خدا پروردگار جهانیان است و درودهای او

عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ، وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ

بر آقای ما محمد خاتم پیامبران و مرسلین و بر خاندان راستگو و عسرت

الصَّادِقِينَ وَعِزَّتِهِ النَّاطِقِينَ، وَالْعَنْ جَمِيعَ الظَّالِمِينَ، وَاحْكُمُ

حقیقتگویش بساد و از رحمت خود دور ساز تمام ستمکاران را و

بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ يَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ.

میان ما و ایشان داوری کن ای محکمترین حکم کننده گان

۵۴

پنجم شیخ روایت کرده از اسماعیل بن فضل هاشمی که گفت

تعلیم کرد مرا حضرت صادق علیه السلام این دعا را که بخوانم آنرا

در شب نیمه شعبان:

اللَّهُمَّ أَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، الْخَالِقُ الرَّازِقُ، الْمُحْيِي

خدا یا تویی زنده پاینده والای بسزرگ آفریننده و روزی دهننده زنده کننده

الْمُمِيتُ الْبَدِيءُ الْبَدِيعُ، لَكَ الْجَلالُ وَلَكَ الْفَضْلُ، وَلَكَ الْحَمْدُ

و میراننده آغاز کننده و پدید آورنده، برای تو است بزرگی و از آن تو است فضیلت و ستایش و از آن تو است نعمت و جود

وَلَكَ الْمَنْ وَالْجُودُ، وَلَكَ الْكَرَمُ، وَلَكَ الْأَمْرُ، وَلَكَ الْمَجْدُ

و خاص تو است بزرگواری و از تو است فرمان و شوکت و خاص تو است سپاسگزاری که یگانه ای

وَلَكَ الشُّكْرُ، وَحَدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ يَا وَاحِدُ يَا أَحَدُ يَا صَمَدُ

و شکر یکی بر اینست نیست ای یگانه ای یکتا ای بی نیازی

يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ، صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

که فرزندی ندارد و فرزند کسی نباشد و نیست برایش همتایی هیچکس درود فرست بر محمد

وَأَلِ مُحَمَّدٍ، وَأَغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَارْحَمْنِي مَا أَهَمَّنِي، وَأَقْضِ دِينِي،

و آل محمد و پیامر مرا و به من رحم کن و کفایت کن از من آنچه فکر مرا به خود مشغول کرده و قرضم را ادا کن

وَوَسِّعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِي، فَإِنَّكَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ كُلَّ أَمْرٍ حَكِيمٍ تَفَرَّقُ،

و در روزیسم گشایش ده زیرا که تو در این شب هر کار محکمی را از هم جدا کنی

وَمَنْ تَشَاءُ مِنْ خَلْقِكَ تَرِزُقُ، فَأَرْزُقْنِي وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ، فَإِنَّكَ

و هر یک از مخلوقات خود را بخوامی روزی دهی پس روزیسم ده که تو بهترین روزی دهندگانی زیرا تو خود

قُلْتَ وَأَنْتَ خَيْرُ الْقَائِلِينَ النَّاطِقِينَ وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ، فَمِنْ

گفتی و تو بهترین گویندگان و ناطقان هستی که فرمودی از خدا بخواهید از فضل او پس من از

فَضْلِكَ أَسْأَلُ، وَإِيَّاكَ قَصَدْتُ، وَأَبْنِ نَبِيَّكَ اعْتَمَدْتُ، وَلَكَ

فضل تو می خواهم و تو را قصد کردم و به فرزند پیامبرت اعتماد کردم و از تو

رَجَوْتُ، فَأَرْحَمْنِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ،

امیدوارم پس به من رحمت کن ای مهربانترین مهربانان

ششم بخواند این دعا را که حضرت رسول صلی الله علیه و آله

در این شب می خواندند:

اللَّهُمَّ اقْسِمْنَا مِنْ خَشْيَتِكَ مَا يَحُولُ بَيْنَنَا وَبَيْنَ مَعْصِيَتِكَ، وَمِنْ

خدایا بهره ما کن از ترس خود بدان اندازه که حاصل شود میان ما و نافرمانیست و از

طَاعَتِكَ مَا تُبَلِّغُنَا بِهِ رِضْوَانَكَ وَمِنَ الْيَقِينِ مَا يُهَوِّنُ عَلَيْنَا بِهِ

اطاعت خویش بدان مقدار که ما را به خوشنودی و رضوان تو برساند و از یقین بدان حد که بوسیله آن

مُصِيبَاتُ الدُّنْيَا، اللَّهُمَّ أَمْتِعْنَا بِأَسْمَاعِنَا وَأَبْصَارِنَا وَقُوَّتِنَا مَا

ناگواربهای دنیا بر ما آسان گردد خدایا ما را به گوشه ایمان و دیده هامان و نیرویمان تا

أَحْيَيْتَنَا وَاجْعَلْهُ الْوَارِثَ مِنَّا، وَاجْعَلْ ثَارَنَا عَلِيٍّ مَن ظَلَمْنَا،

زنده‌ایم بهره‌مند ساز و آن را وارث ما گردان و خون ما را به گردن کسی انداز که بر ما ستم کرده

وَإِنَّا نُرَى عَلَى مَن عَادَانَا وَلَا تَجْعَلْ مُصِيبَتَنَا فِي دِينِنَا وَلَا تَجْعَلْ

و بسیاری ده ما را بر کسی که با ما دشمنی کند و مصیبت ما را در دین‌مقام قرار مده

الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمِّنَا، وَلَا مَبْلَغَ عَلَيْنَا وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيْنَا مَن لَا

و دنیا را بزرگترین اندوه ما قرار مده و نیز آخرین حد دانش ما قرارش مده و مسلط مکن بر ما کسی را که

يَرْحَمُنَا، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ،

بر ما رحم نکند به رحمتت ای مهربانترین مهربانان

و این دعای جامع کاملی است و خواندن آن در اوقات دیگر

نیز غنیمت است و از عوالی اللثالی نقل شده که حضرت

رسول صلی الله علیه و آله همیشه این دعا را می‌خواندند. هفتم

بخواند صلوات هر روز را که در وقت زوال می‌خواند. هشتم

بخواند دعای کمیل را که ورودش در این شبست و در باب اول

گذشت. نهم آنکه هر یک از سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ

وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ را صد مرتبه بگوید تا خداوند تعالی گناهان گذشته

او را بیامرزد و بر آورد حاجتهای دنیا و آخرت او را. دهم شیخ در

مصباح روایت کرده از ابویحیی در ضمن خبری در فضیلت شب

نیمه شعبان که گفت گفتم به مولای خودم حضرت صادق علیه

السلام که بهترین دعاها در این شب کدام است فرمود هر گاه به

جا آوردی نماز عشا را پس دو رکعت نماز گذار بخوان در رکعت

اول حمد و سوره جحد که قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ باشد و بخوان در

رکعت دوم حمد و سوره توحید که قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ است پس چون سلام دادی بگو سُبْحَانَ اللَّهِ سِی و سه مرتبه و الْحَمْدُ لِلَّهِ سِی و سه مرتبه و اللَّهُ أَكْبَرُ سِی و چهار مرتبه پس بگو:

يَا مَنْ إِلَيْهِ مَلَجًا الْعِبَادِ فِي الْمُهَمَّاتِ، وَإِلَيْهِ يَفْرَعُ الْخَلْقُ فِي

ای که به سوی او است پناه بشدگان در کارهای اندوه خیز و به سوی او پناه برند خلایق

الْمُلَمَّاتِ يَا عَالِمَ الْجَهْرِ وَالْخَفِيَّاتِ، وَيَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ

در پیش آمدهای ناگوار ای دانسای آشکار و نهان و ای که بر او پنهان نماند

خَوَاطِرُ الْأَوْهَامِ وَتَصَرُّفُ الْخَطَرَاتِ، يَا رَبَّ الْخَلَائِقِ وَالْبَرِيَّاتِ،

اندیشه‌هایی که در دلها افتد و تصرف کردن آن خطرات ای پروردگار خلایق و آفریدگان

يَا مَنْ بِيَدِهِ مَلَكُوتُ الْأَرْضِينَ وَالسَّمَوَاتِ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا

ای که ملکوت زمینها و آسمانها بدست او است تویی خدایی که معبودی جز تو نیست

أَنْتَ، أَمْتُ إِلَيْكَ بِلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، فَيَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، اجْعَلْنِي فِي

بسویت توسل جویم به کلمه «لا اله الا انت» پس ای خدایی که معبودی جز تو نیست بگردان مرا در

هَذِهِ اللَّيْلَةَ مِمَّنْ نَظَرْتَ إِلَيْهِ فَرَحِمَّتْهُ، وَسَمِعْتَ دُعَاءَهُ

این شب از کسانی که بسویش نگریسته و مورد رحم خویش قرارش داده و دعایش شنیده

فَأَجَبْتَهُ، وَعَلِمْتَ اسْتِقَالَتَهُ فَأَقَلَّتَهُ وَتَجَاوَزْتَ عَنِّي سَالِفِ

و اجابت کرده و پشیمانیش را دانسته پس او را پذیرفته‌ای و از خطاهای گذشته‌اش و

خَطِيئَتِهِ وَعَظِيمِ جُرَيْرَتِهِ فَقَدْ اسْتَجَرْتُ بِكَ مِنْ ذُنُوبِي، وَ لَجَأْتُ

گناه بزرگش در گذشته‌ای پس من از گناهانم به تو پناهنده شده و به تو ملتجی گشتم

إِلَيْكَ فِي سِتْرِ عِيُوبِي، اللَّهُمَّ فَجِدْ عَلَيَّ بِكَرَمِكَ وَفَضْلِكَ، وَ احْطُظْ

در اینکه عیوبم را پوشانی خدایا پس جود کن بر من به کرم خود و فضلت و بریز

خَطَايَايَ بِحِلْمِكَ وَعَفْوِكَ، وَتَعَمَّدَنِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ بِسَابِغِ

خطاهای مرا به بردباری و گذشت خویش و فراگیر مرا در این شب به فراوان

كَرَامَتِكَ، وَاجْعَلْنِي فِيهَا مِنْ أَوْلِيَاءِكَ، الَّذِينَ اجْتَبَيْتَهُمْ لَطَاعَتِكَ،

کرمت و بگردان مرا در این شب از آن دوستانت که انسان را برای طاعت خویش برگزیده

وَاخْتَرْتَهُمْ لِعِبَادَتِكَ، وَجَعَلْتَهُمْ خَالِصَتَكَ وَصِفْوَتَكَ، اَللّٰهُمَّ

و برای پرستش انتخاب فرمودی و ایشان را جزء خاصان در گناه و برگزیدگان فرادادی خدایا

اجْعَلْنِي مِمَّنْ سَعَدَ جَدُّهُ، وَتَوَفَّرَ مِنَ الْخَيْرَاتِ حَظُّهُ، وَاجْعَلْنِي

بدار مرا از آن کسانی که کوششش به جایی رسیده و از نیکیها بهره فراوان نصیبش گشته و به گردانم از

مِمَّنْ سَلِمَ فَنِعَمَ، وَفَازَ فَعْنَمَ، وَكَفِنِي شَرَّ مَا أَسْلَفْتُ، وَاعْصِمْنِي مِنَ

آنانکه تندرست شده و متنعم و رستگار و بهره مند گشته و کفایت کن مرا از شر آنچه کرده ام و نگاهم دار

الْإِزْدِيَادِ فِي مَعْصِيَتِكَ، وَحَبِّبْ إِلَيَّ طَاعَتَكَ، وَمَا يُقَرِّبُنِي مِنْكَ،

از افزودن در نافرمانیت و دوست گردان نزد من فرمانبرداریت را و آنچه مرا به تو نزدیک

وَيُرِّفْنِي عِنْدَكَ، سَيِّدِي إِلَيْكَ يَلْبَجَا الْهَارِبُ، وَمِنْكَ يَلْتَمِسُ

و مقرب در گاهت گرداند آقای من به سوی تو پناه آرد شخص گریز پای و از تو عاجزانه طلب کند

الظَّالِبُ، وَعَلِي كَرَمِكَ يُعْوَلُ الْمُسْتَقِيلُ التَّائِبُ آدَبَتْ عِبَادَكَ

جوینده و بر کرم تو تکیه کند شخص عذرخواه و توبه کننده ادب کردی بنسندگان را

بِالتَّكْرُمِ، وَأَنْتَ أَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ وَأَمَرْتَ بِالْعَفْوِ عِبَادَكَ وَأَنْتَ

به کرم ورزی به آنها و تو کریمترین کریمانی و تو خود به بنسندگان دستور گذشت دادی و خود

الْغَفُورُ الرَّحِيمُ، اَللّٰهُمَّ فَلَا تَحْرِمْنِي مَا رَجَوْتُ مِنْ كَرَمِكَ، وَلَا

آمرزنده و مهربانی خدایا پس مرا از آنچه از کرمت امید دارم محروم مکن و از نعمت های ریزانت

تُوَيْسِنِي مِنْ سَابِغِ نِعَمِكَ، وَلَا تُخَيِّبْنِي مِنْ جَزِيلِ قِسْمِكَ فِي هَذِهِ

مأیوسم من از بهر فراوانست کسسه در این

اللَّيْلَةَ لِأَهْلِ طَاعَتِكَ، وَاجْعَلْنِي فِي جُنَّةٍ مِنْ شَرِّ أَرْبِيتِكَ، رَبِّ إِنْ

شب برای فرمانبردارانت مقرر داشته‌ای بی‌بهره‌ام مساز و مرا در پناهگاه محکمی از آزار مخلوقات

لَمْ أَكُنْ مِنْ أَهْلِ ذَلِكَ، فَأَنْتَ أَهْلُ الْكَرَمِ وَالْعَفْوِ وَالْمَغْفِرَةِ، وَجُدْ

شوروت قسار ده پروردگارا اگر من چنین شایستگی ندارم ولسی تو شایسته کرم و گذشت و

عَلَيَّ بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ، لَا بِمَا اسْتَحِقُّهُ، فَقَدْ حَسُنَ ظَنِّي بِكَ، وَتَحَقَّقْ

آمرزشی و فرو ریز بر من بدانچه تو شایسته آنی نه بدانچه من سزاوار آنم زیرا براستی گمان من نیک است

رَجَائِي لَكَ، وَعَلَقْتُ نَفْسِي بِكَرَمِكَ، فَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ،

و امیدم درباره تو محکم شده و جانم به سر رشته کرم تو آویخته است پس تویی مهربانترین

وَ أَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ، اللَّهُمَّ وَ اخْصُصْنِي مِنْ كَرَمِكَ بِجَزِيلٍ قَسَمِكَ،

مهربانان و کریمترین کریمان خدایا مرا مخصوص بدار از کرم خویش به بهره‌های فراوان و تقسیمهای شایان

وَ أَعُوذُ بِعَفْوِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ، وَ اغْفِرْ لِي الذَّنْبَ الَّذِي يَحْبِسُ

و از کفر تو به عفو پناه می‌برم و بیمارز برایم آن گناهی را که عادت بد (مانند دروغ) را بر من حبس

عَلَيَّ الْخَلْقِ، وَيُضَيِّقُ عَلَيَّ الرِّزْقَ، حَتَّى أَقُومَ بِصَالِحِ رِضَاكَ، وَ أَنْعَمَ

کند و روزی را بر من تنگ سازد تا من به خوشنودی شایسته تو اقدام کنم و به عطای فراوانت

جَزِيلٍ عَطَائِكَ، وَ اسْعَدَ بِسَائِغِ نِعْمَائِكَ، فَقَدْ لَذْتُ بِحَرَمِكَ

منعم گردم و به نعمتهای بسیار خوشبخت شوم زیرا من به آستان تو پناه آوردم

وَ تَعَرَّضْتُ لِكَرَمِكَ، وَ اسْتَعَدْتُ بِعَفْوِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ، وَ بِحِلْمِكَ

و به کرم تو آویختم و به گذشت تو پناه جستم از ترس کفرت و به بردباریت پناه جستم از

مِنْ غَضَبِكَ فَجَدِّ بِمَا سَأَلْتُكَ، وَ أَنْزِلْ مَا التَّمَسْتُ مِنْكَ، أَسْأَلُكَ بِكَ

خشمت پس به من عطا کن آنچه را از تو خواستم و به من برسان آنچه را از تو خواهم کردم تو را به خودت

لَا بِشَيْءٍ هُوَ أَعْظَمُ مِنْكَ .

سوگند دهم چون چیزی از تو بزرگتر نیست

صحیفه مهدی

پس به سجده می روی و می گوئی یا رَبِّ بیست مرتبه یا اللَّهُ هفت مرتبه لا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ هفت مرتبه مَا شَاءَ اللَّهُ ده مرتبه لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ده مرتبه پس صلوات می فرستی بر پیغمبر و آل او علیهم السلام و می خواهی از خدا حاجت خود را پس قسم به خدا که اگر حاجت بخواهی بسبب این عمل به عدد قطرات باران هر آینه برساند به تو خداوند عَزَّوَجَلَّ آن حاجتها را بگرم عمیم و فضل جسیم خود. یازدهم شیخ طوسی و کفعمی فرموده اند که بخواند در این شب:

إِلَهِي تَعَرَّضْ لَكَ فِي هَذَا اللَّيْلِ الْمُتَعَرِّضُونَ وَقَصْدَكَ الْقَاصِدُونَ.

خدا یا خواهندگان در این شب به درگاه تو آمدند و قاصدان تو را مقصد

وَأَمَّلَ فَضْلَكَ وَمَعْرُوفَكَ الظَّالِمُونَ. وَلَكَ فِي هَذَا اللَّيْلِ

خویش قرار دادند و خواهشمندان فضل و نیکی تو را آرزو کردند و تو در این شب

نَفَحَاتٌ وَجَوَائِزٌ وَعَطَايَا وَمَوَاهِبٌ. تَمَنَّ بِهَا عَلِيٌّ مَنْ تَشَاءُ

بخششها و جوایز و عطایا و مواهب. تمنن بها علی من تشاء

مِنْ عِبَادِكَ. وَتَمَنَّعَهَا مَنْ لَمْ تَسْبِقْ لَهُ الْعِنَايَةَ مِنْكَ. وَهَا أَنَا ذَا

عطا خواهی کرد و از آن کس که عنایت تو نسبت به او سبقت نگرفته است آن را باز داری و من اینکه

عَبِيدُكَ الْفَقِيرُ إِلَيْكَ، الْمُؤَمِّلُ فَضْلَكَ وَمَعْرُوفَكَ، فَإِنْ كُنْتُ يَا

آن بنده کوچک و نیازمند درگاه تو و آرزومند فضل و نیکی تو هستم پس ای

مَوْلَايَ تَفَضَّلْتَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ عَلَيَّ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ، وَعُدَّتْ

مولای من اگر بنا داری در این شب بر کسی از خلق خویش تفضلی فرمایی و جایزه ای از روی مهر و عطف

عَلَيْهِ بِعَائِدَةٍ مِنْ عَطْفِكَ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ

بسه او بسدهی پس درود فرست بر محمد و آل محمد آن پاکان

الظَّاهِرِينَ، الْخَيْرِينَ الْفَاضِلِينَ، وَجُدْ عَلَيَّ بِطَوْلِكَ وَمَعْرُوفِكَ يَا

پساکیزه برگزیده برتر و از نعمت و نیکی خویش بر من نیز لطف فرمای

رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَآلِهِ

ا پروردگسار جهانیان و درود خدا بر محمد خاتم پیامبران

الظَّاهِرِينَ، وَسَلِّمْ تَسْلِيمًا، إِنَّ اللَّهَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ

و بر آل پاکش و تعیت فراوان که همانا خداوند ستوده و بزرگوار است خدایا من تو را میخوانم

كَمَا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي، إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ

چنانچه دستور فرمودی پس دعایم را مستجاب کن چنانکه وعده فرمودی که براسستی تو خلف وعده نمی کنی

و این دعائیست که در سحرها در عقب نماز شفع خوانده

می شود. دوازدهم بخواند بعد از هر دو رکعت از نماز شب و شفع

و بعد از دعاهای وثر دعاهائی را که شیخ و سید نقل کرده اند.

سیزدهم بجا آورد سجده ها و دعاهایی را که از رسول خدا صلی الله

علیه و آله روایت شده از جمله روایتی است که شیخ از حماد بن

عیسی از ابان بن تغلب روایت کرده که گفت حضرت صادق علیه

السلام فرمودند شب نیمه شعبانی داخل شد و بود رسول خدا صلی

الله علیه و آله در آن شب نزد عایشه همین که نصف شب شد

برخواست رسول خدا صلی الله علیه و آله از رختخواب خود برای

عبادت پس چون بیدار شد عایشه یافت که پیغمبر صلی الله علیه

و آله بیرون رفته از رختخواب او و داخل شد بر او آنچه که فرو

گیرد زنها را یعنی غیرت و گمان کرد که آن حضرت رفته پیش

بعض زنهای خود پس برخاست و پیچید بر خود شمله یعنی چادر

خود را و قسم به خدا که شمله او از ابریشم و کتان و پنبه نبود
ولکن تار آن مو و پود آن از گره های شتر بود و جستجو می کرد
رسول خدا صلی الله علیه و آله را در حجره های زنهای دیگرش
حجره به حجره پس در این بین که در جستجوی آن حضرت بود
به ناگاه نظرش افتاد بر رسول خدا صلی الله علیه و آله که در سجده
است مثل جامه ای که چسبیده شده بر روی زمین پس نزدیک آن
حضرت شد شنید که می گوید در سجده خود:

سَجَدَ لَكَ سَوَادِي وَ خِيَالِي، وَ آمَنَ بِكَ فَوَادِي. هَذِهِ يَدَايِ وَ مَا

به خاک افتاد برای تو سوادیم و اندیشه ام و ایمان آورد به تو دلم، این است هر دو دستم و آنچه

جَنَيْتُهُ عَلَي نَفْسِي، يَا عَظِيمُ اعْظِيمًا أَتُرْجِي لِكُلِّ عَظِيمٍ، اِغْفِرْ لِي

جنایتی که بر خویش کردم ای بزرگی که در هر کار بزرگی امید به او است بیامرزد گناه

الْعَظِيمِ، فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ إِلَّا الرَّبُّ الْعَظِيمُ

بزرگم را که بیامرزد گناه بزرگ را جز پروردگار بزرگ

پس بلند کرد سر خود را و دوباره برگشت به سجده و شنید

عایشه که می گوید:

أَعُوذُ بِتُورٍ وَ جِهَكَ الَّذِي أَضَاءَتْ لَهُ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُونَ

پناه ببرم به تورا که روشن شد به آسمانها و زمینها

وَ انْكَشَفَتْ لَهُ الظُّلُمَاتُ، وَ صَلَحَ عَلَيْهِ أَمْرُ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ مِنْ

و برچیده شد به تاریکیها و اصلاح شد به کار اولین و آخرین از

فَجَاءَ نَقِمَتِكَ، وَ مِنْ تَحْوِيلِ عَافِيَتِكَ، وَ مِنْ زَوَالِ نِعْمَتِكَ، اللَّهُمَّ

ناگهانی رسیدن عذابت و از پنا برجاست شدن تندرستی تو و از زائل شدن نعمتت خدایا

ارزُقْنِي قَلْبًا تَقِيًّا نَقِيًّا، وَمِنَ الشِّرْكِ بَرِيئًا لَا كَافِرًا وَلَا شَقِيًّا.

روزیم گسردان دلی پاک و پاکیزه و مبرای از شرک که نه کافر باشد و نه اهل شقاوت

پس بر خاک نهاد دو طرف روی خود را و گفت:

عَفَرْتُ وَجْهِي فِي التُّرَابِ وَحُقَّ لِي أَنْ أَسْجُدَ لَكَ

مالیدم به خاک رویم را و بر من سزا است که برایت سجده کنم.

پس همین که خواست برگردد رسول خدا صلی الله علیه و آله شتافت عایشه به سوی رختخواب خود پس رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد به رختخواب او و شنید که نفس بلند می زند فرمود چیست این نفس بلند آیا نداسته ای که چه شبی است امشب این شب نیمه شعبان است که در آن قسمت می شود روزیها و در آن نوشته می شود اجلها و در آن نوشته می شود روندگان به حج و بدرستی که خدای تعالی می آموزد در این شب از خلق خود بیشتر از عدد موهای بزهای قبیله کلب و می فرستد خدای تعالی ملائکه خود را از جانب آسمان به سوی زمین در مکه. چهاردهم نماز جناب جعفر را به جا آورد چنانکه شیخ از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده. پانزدهم بجا آورد نمازهای این شب را و آن بسیار است از جمله نمازیست که روایت کرده ابویحیی صنعانی از حضرت باقر و صادق علیهما السلام و هم روایت کرده اند از آن دو بزرگوار سی نفر از کسانی که وثوق و اعتماد است به ایشان که آن دو بزرگوار فرمودند که هر گاه شب نیمه شعبان شد پس بجا آور چهار رکعت نماز، بخوان در هر رکعت حمد و قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ

صد مرتبه پس چون فارغ شدی بگو

اللَّهُمَّ إِنِّي أَلَيْكَ فَقِيرٌ، وَمِنْ عَذَابِكَ خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ، اللَّهُمَّ لَا

خدایا من به درگاہت نیازمندم و از عذاب و شکنجهات ترسان و پناه خواهم خدایا

تُبَدِّلْ اسْمِي، وَلَا تُغَيِّرْ جِسْمِي وَلَا تُجْهِدْ بِلَائِي، وَلَا تُشْمِتْ بِي

نامم را (از زمره موحدان) عوض مکن و جسمم را دگرگون مکن و آزمایشم را سخت مکن

أَعْدَائِي أَعُوذُ بِعَفْوِكَ مِنْ عِقَابِكَ، وَأَعُوذُ بِرَحْمَتِكَ مِنْ عَذَابِكَ،

و دشمن شادم مفرما پناه می‌برم به عفو تو از کیفرت و پناه می‌برم به رحمت از عذابت

وَأَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْكَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ، أَنْتَ

و پناه می‌برم به خوشنودیت از خشمت و پناه می‌برم به خودت از خودت

كَمَا أَتْنَيْتَ عَلَيَّ نَفْسِكَ، وَفَوْقَ مَا يَقُولُ الْقَائِلُونَ

مدح تو والا است و تو چنانی که خود تنای خود کرده‌ای و بالاتر از آنی که مردم گویند

و بدان که فضیلت بسیار وارد شده برای خواندن صد رکعت

نماز در این شب در هر رکعتی یک مرتبه حمد و ده مرتبه توحید و

گذشت در ماه رجب دستور العمل شش رکعت نماز در این شب

بحمد و یس و تبارک و توحید. روز نیمه شعبان عید مولود شریف

امام دوازدهم مولانا و امامنا المهدی حضرت حجه بن الحسن

صاحب الزمان صلوات الله علیه و علی آباءه است:

و يُسْتَحَبُّ زِيَارَتُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي كُلِّ زَمَانٍ وَ مَكَانٍ، وَ الدُّعَاءُ

و مستحب است زیارت آن حضرت علیه السلام در هر زمان و مکان و در هر جا و دعا

بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ عِنْدَ زِيَارَتِهِ وَ تَتَاكُدُ زِيَارَتُهُ فِي السَّرْدَابِ بِسَرِّ مَنْ

برای تعجیل ظهور آن حضرت در هنگام زیارت و بخصوص تاکید شده به زیارت آن حضرت در سرداب سامراء، و

۶۴

رَايَ وَهُوَ الْمُتَيَقِّنُ ظُهُورَهُ وَتَمَلُّكُهُ، وَأَنَّهُ يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا

ظهور آن حضرت و فرمانروایش مسلم است و او است که زمین را پسر از عدل

وَعَدْلًا كَمَا مُلِئْتَ ظُلْمًا وَجَوْرًا

و داد کند چنانچه پسر شده باشد از ستم و بیادادگری

صلوات مرویه از حضرت امام زین العابدین علیه السلام که در

روزهای ماه شعبان نیز خوانده می شود:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، شَجَرَةَ النُّبُوَّةِ، وَمَوْضِعَ الرِّسَالَةِ،

خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد درخت نبوت و جایگاه رسالت

وَمُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ وَمَعْدِنِ الْعِلْمِ، وَأَهْلِ بَيْتِ الْوَحْيِ اللَّهُمَّ

و محل رفتن و آمد فرشتگان و معدن دانش و خاندان وحی خدایا

صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، الْفُلْكِ الْجَارِيَةِ، فِي الدُّجَجِ الْغَامِرَةِ،

درود فرست بر محمد و آل محمد کشتی جاری در اقیانوسهای بیکران ایمن شود

يَأْمَنُ مَنْ رَكِبَهَا، وَيَغْرُقُ مَنْ تَرَكَهَا، الْمُتَّقِدِمُ لَهُمْ مَارِقٌ، وَالْمُتَأَخِّرُ

هر که سوار آن کشتی گردد و غرق شود کسی که آن را واگذارد، هر که بر ایشان تقدم جوید از دین بیرون رفته و کسی که از ایشان عقب ماند

عَنْهُمْ زَاهِقٌ وَاللَّازِمُ لَهُمْ لَاحِقٌ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

به نابودی گراید و لسی ملازم ایشان به حق خواهد رسید خدایا درود فرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، الْكَهْفِ الْحَصِينِ، وَغِيَاثِ الْمُضْطَرِّ الْمُسْتَكِينِ، وَ

محمد آن پناه گناه محکوم و فریادرس بیچاره درماننده و پناه گریختگان و

مَلَجَا الْهَارِبِينَ، وَعِصْمَةِ الْمُعْتَصِمِينَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

دستاویز محکوم برای وسیله جویمان خدایا درود فرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، صَلَاةً كَثِيرَةً تَكُونُ لَهُمْ رِضًا، وَلِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ آدَاءً

محمد درود بسیاری که موجب خوشنودی ایشان گردد و حق محمد و آل محمد آداء گشته

وَقَضَاءً. بِمَحْوَلٍ مِنْكَ وَقُوَّةٍ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ

و انجام وظیفه ما شده باشد به جنبش و نیروی تو ای پروردگار جهانیان خدایا درود فرست بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ، الطَّيِّبِينَ الْأَبْرَارِ الْأَخْيَارِ، الَّذِينَ أَوْجَبْتَ حُقُوقَهُمْ،

و آل محمد آن پاکان نیکو کسار برگزیده آن کسانی که حقوقشان را واجب کردی

وَفَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ وَوَلَايَتَهُمْ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ.

و اطاعت و دوستیشان را فرض نمودی خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد

وَاعْمُرْ قَلْبِي بِطَاعَتِكَ، وَلَا تُخْزِنِي بِمَعْصِيَتِكَ، وَارْزُقْنِي مُوَاَسَاةَ مَنْ

و آباد کن دل مرا به اطاعت خود و به وسیله نافرمانیت رسوایم مکن و روزی من گردان که کمک مالی

قَتَّرْتَ عَلَيْهِ مِنْ رِزْقِكَ بِمَا وَسَّعْتَ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ، وَنَشَرْتَ عَلَيَّ

دهم بر کسی که روزیت را بر او تنگ کردی بوسیله آنچه بر من فراخ گرداندی از فضل خویش و گسردی

مِنْ عَدْلِكَ، وَأَحْيَيْتَنِي تَحْتَ ظِلِّكَ، وَهَذَا شَهْرُ نَبِيِّكَ سَيِّدِ

بر من از عدل خویش و مرا در زیر سایهات زنده داشتی و این ماه پیغمبرت و آقای

رُسُلِكَ، شَعْبَانَ الَّذِي حَفَفْتَهُ مِنْكَ بِالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ، الَّذِي

رسولانت ماه شعبان است که اطراف آن را به رحمت و خوشنودی خود پوشانندی

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، يَدَّأِبُ فِي صِيَامِهِ

آن ماهی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم کوشش بسیار داشت در روزه

وَقِيَامِهِ، فِي لَيَالِيهِ وَأَيَّامِهِ، بِخُوعٍ لَكَ فِي إِكْرَامِهِ وَإِعْظَامِهِ، إِلَى

و شب زنده داریش هم در شبها و هم در روزهایش بخاطر فروتنی در برابر تو در مورد گرامی داشتن و بزرگداشتش

مَحَلِّ حِمَامِهِ، اَللّٰهُمَّ فَأَعِنَّا عَلَيَّ الْأَسْتِنَانِ بِسُنَّتِهِ فِيهِ، وَنَيْلِ

هم چنان نا هنگام سرگش خدایا پس ما را کمک ده تا روش او را در این ماه پیروی کنیم و به

الشَّفَاعَةِ لَدَيْهِ اَللّٰهُمَّ وَاجْعَلْهُ لِي شَفِيعًا مُشَفَّعًا وَطَرِيقًا إِلَيْكَ

شفاعتی که نزد او است بر سیم خدایا قرار ده او را برای من شفیع پذیرفته و راهی بسویت که همواره باشد و مرا پیرو

مَهِيْعًا . وَاجْعَلْنِي لَهُ مُتَّبِعًا . حَتَّى الْفَلَاقِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ عَنِّي رَاضِيًا . وَ

او گردان تا به جایی که در روز قیامت تو را در حالی دیدار کنم که از من خوشنود باشی و

عَنْ ذُنُوبِي غَاضِيًا . قَدْ أَوْجَبْتَ لِي مِنْكَ الرَّحْمَةَ وَالرِّضْوَانَ

گناهانم را نادیده گیری و برای من واجب کرده باشی از جانب خود رحمت و خوشنودی را و مرا در خانه همیشگی

وَانزَلْتَنِي دَارَ الْقَرَارِ وَمَحَلَّ الْأَخْيَارِ .

(بهشت جاویدان) و منزلگاه نیکان فرود آری

زیارت امام حسین (ع) در شب نیمه شعبان

بدانکه احادیث بسیار در فضیلت زیارت آن حضرت در نیمه شعبان وارد شده است و بس است در این باب آنکه به چندین سند معتبر از حضرت امام زین العابدین و امام جعفر صادق علیهما السلام وارد شده که هر که خواهد مصافحه کند با او صدویست و چهار هزار پیغمبر پس باید که زیارت کند قبر ابی عبدالله الحسین علیه السلام را در نیمه شعبان بدرستی که [ملائکه و] ارواح پیغمبران رخصت می طلبند و به زیارت آن حضرت می آیند پس خوشا به حال آنکه مصافحه کند با ایشان و ایشان مصافحه کنند با او و با ایشانند پنج پیغمبر اولوالعزم نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد صلی الله علیه و آله و علیهم اجمعین راوی گفت پرسیدم که به چه سبب ایشان را اولوالعزم می نامند فرمود به جهت آنکه ایشان مبعوث شده اند به مشرق و مغرب و جن و انس و اما الفاظ زیارت پس دو نحو نقل شده یکی همان زیارتست که برای اوّل رجب نقل شد

دیگر زیارتی است که شیخ کفعمی در کتاب بلد الامین از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده و آن زیارت چنین است می ایستی نزد قبر آن حضرت و می گوئی:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ . وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ

ستایش خاص خدای والای بزرگ و سلام بر تو ای بنده شایسته پاکیزه خدا به تو

الزَّكِي . أُوَدِّعُكَ شَهَادَةً مِنِّي لَكَ تُقَرِّبُنِي إِلَيْكَ فِي يَوْمِ شَفَاعَتِكَ .

می سپارم گواهی خود را که برای تو دهم تا اینکه مرا به تو نزدیک کند در روز شفاعت کردنت (از گنهکاران)

أَشْهَدُ أَنَّكَ قُتِلْتَ وَلَمْ تَمُتْ . بَلْ بِرَجَاءِ حَيَاتِكَ حَيَّيْتَ قُلُوبُ

گواهی دهم که تو کشته شدی ولی نمردی بلکه به امید زنده بودنست زنده است دلهای

شيعتِكَ . وَبِضِيَاءِ نُورِكَ اهْتَدَى الطَّالِبُونَ إِلَيْكَ . وَأَشْهَدُ أَنَّكَ

شیعیانت و به پرتو نور تو ره یافتند طالبان و جویندگان درگاہت و گواهی دهم که براسنی تویی آن نور خدا که

نُورُ اللَّهِ الَّذِي لَمْ يُظْفَأْ وَلَا يُظْفَأُ أَبَدًا . وَأَنَّكَ وَجْهُ اللَّهِ الَّذِي لَمْ

خاموش نگشت و (ازاین پس نیز) هرگز خاموش نشود و تویی آن روی خدا که

يَهْلِكُ وَلَا يَهْلِكُ أَبَدًا . وَأَشْهَدُ أَنَّ هَذِهِ التُّرْبَةَ تُرْبَتُكَ . وَهَذَا الْحَرَمُ

نابود نگشت و هرگز نابود نشود و گواهی دهم که این خاک تربت شریف تو است و این حرم

حَرَمُكَ . وَهَذَا الْمَصْرَعُ مَصْرَعُ بَدَنِكَ . لَا ذَلِيلَ وَاللَّهِ مُعْرَكَ . وَلَا

حرم مطهر تو است و همین جا جای افتادن پیکر نساژین تو است،

مَغْلُوبَ وَاللَّهِ نَاصِرُكَ . هَذِهِ شَهَادَةٌ لِي عِنْدَكَ إِلَى يَوْمِ قَبْضِ

خوار نیست به خدا عزیز کنندهات و شکست خورده نیست به خدا یاری دهندهات این گواهی من است در پیش تو

رُوحِي بِحَضْرَتِكَ . وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ .

تا روز گرفتن جانم در حضور تو و سلام بر تو و رحمت خدا و برکاتش

دعای اللّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ

روایت کرده محمد بن عیسیٰ به سند خود از صالحین علیهم السلام که فرمودند مکرر می‌کنی در شب بیست و سوم از ماه رمضان این دعا را در حال سجود و قیام و قعود و بر هر حالی که هستی در تمام ماه و هر چه ممکنت شود و هر زمانی که حاضر شود تورا یعنی یادت آید این دعا در روزگار حیات می‌گوئی بعد از ستایش کردن حق تعالی به بزرگواری و فرستادن صلوات بر پیغمبر صلی الله علیه و آله:

اللّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ الْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ آبَائِهِ فِي

فلان بن فلان و بجای خدا یا باش برای ولی خود (فلان پسر فلان) حضرت حجت فرزند امام حسن عسکری درودهای تو بر او و بر پدرانش یاد در

هَذِهِ السَّاعَةِ. وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ. وَوَلِيًّا وَحَافِظًا. وَقَائِدًا وَنَاصِرًا.

این ساعت و در هر ساعت یسار و مددکار و نگهدار و رهبر و یاور و راهنما

وَدَلِيلًا وَعَيْنًا. حَتَّىٰ تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا. وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا

و دیده‌بان تا او را از روی میل و رغبت مردم در روی زمین سکونت دهی و بهره‌مندش سازی زمانی دراز

آداب سرداب مطهر

در آداب سرداب مطهر و کیفیت زیارت حجة الله علی العباد و بقیة الله فی البلاد الامام المهدی حضرت حجة بن الحسن صاحب الزمان صلوات الله علیه و علی آبائه و قبل از شروع تنبیه کنیم بر امری که در کتاب هدیه از کتاب تحیه نقل کردیم و آن امر اینست که این سرداب مطهر داخل در خانه آن بزرگواران بوده و راه دخول در آن سرداب در قدیم قبل از بناء جدید و ساختن صحن و قبه و حرم از پشت سر نزدیک به قبر نرجس خاتون بود و شاید حال در رواق باشد آنجا پایین می رفتند و دالان دراز تاریکی داشت چون از آنجا می گذشتند به در سرداب غیبت می رسیدند که حال آینه کاری شده و پنجره از طرف قبله به صحن عسکرین علیهما السلام باز می شود و آن در از وسط این سرداب باز می شد که حال کاشی دیوار بجای آن را به شکل محرابی ساخته اند و همه اعمال این سه امام علیهم السلام از یک حرم می شد

ولهذا شهید اول در مزار بعد از زیارت عسکرین علیهما السلام زیارت سرداب را ذکر کرده پس از آن زیارت نرجس خاتون را و در یکصد سال و چیزی قبل مؤید مُسَدَّد احمد خان دنبلی مبلغی خطیر اقدام کرد و صحن آن دو امام علیهما السلام را به نحوی که الآن موجود است جدا نمود و برای آن روضه و رواق و قبه عالیہ برپا نمود و برای سرداب مطہر صحنی علی حده و ایوانی و راهی و پلہای جدا و دہلیزی و سردابی مستقل برای زنان ساخت چنانچہ حال دیدہ می شود و آن راه اول و پلہا و در سرداب بالمرہ مسدود شد و نشانی از آنها نیست [مگر آن مقداری کہ فعلاً در خانہ معروف بہ خانہ اخباریہا مشاہدہ می شود «منہ»] و محلی برای بجا آوردن بعضی از آداب وارده نماند ولکن محلّ جملہای از زیارات کہ اصل سرداب شریف است تغییری نکرده و اما استیدان و خواندن اذن دخول پس بحسب استقراء در ہمہ زیارات و تصریح علماء بر ہر دری کہ از آنجا مرسوم شدہ دخول در آن حرم از ہر امامی کہ باشد بایست رعایت کرد و در آن حرم محترم بی اذن داخل نباید شد الحال شروع کنیم در کیفیت زیارت. بدانکہ اذن دخول خاصّ سرداب مطہر همان زیارتی است کہ بعد از این بیاید و اول آن «السَّلَامُ عَلَیْکَ یا خَلِیْفَہُ اللّٰہِ» است و در آن استیدان می شود و بایست آن را در درِ سرداب پیش از پایین رفتن از پلہا خواند و اذن دخولی دیگر سید بن طاوس نقل کردہ قریب بہ همان اذن دخول اول کہ در فصل دویم از باب زیارات نقل کردیم و اذن

دخولی دیگر علامه مجلسی از نسخه قدیمی نقل کرده که اول آن «اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ بُقْعَةٌ طَهَّرْتَهَا وَعَقْوَةٌ شَرَّفْتَهَا» است که مانیز آن را بعد از آن اذن دخول عمومی نقل کردیم پس به آنجا رجوع نما و به آن کلمات استیدان کن پس از آن برو و داخل سرداب مطهر شو و زیارت کن آن حضرت را به آنچه خود دستور العمل داده اند چنانچه شیخ جلیل احمد بن ابیطالب طبرسی رحمه الله در کتاب شریف احتجاج روایت کرده که از ناحیه مقدسه بیرون آمد بسوی محمد حمیری بعد از جواب از مسائلی که از آن حضرت سؤال کرده بود بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. لَا لِأَمْرِهِ تَعْقِلُونَ، وَلَا مِنْ أَوْلِيَائِهِ

به نام خدای بخشننده مهربان، نه خود دستورش را تعقل می کنند و نه از دوستانش

تَقْبَلُونَ، حِكْمَةٌ بِاللِّغَةِ فَمَا تُغْنِي النُّذْرُ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى

می پذیرند حکمتی است رسا و لسی بسیم دادنها سودشان ندهد سلام بر ما و بر

عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ.

بندگان شایسته خدا

هر گاه خواستید توجه کنید به وسیله ما بسوی خداوند تبارک و

تعالی و بسوی ما پس بگویید چنانکه خدای تعالی فرموده :

سَلَامٌ عَلَى آلِ يَسٍ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَ رَبَّائِي آيَاتِهِ، السَّلَامُ

سلام بر آل یسین سلام بر تو ای دعوت کننده به خدا و عارف به آیاتش سلام

عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ وَ دِيَانَ دِينِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ

بر تو ای واسطه خدا و سرپرست دین او سلام بر تو ای خلیفه خدا

و ناصِرِ حَقِّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَ دَلِيلَ ارَادَتِهِ. السَّلَامُ

و یساور حقیق او سلام بر تسو ای حجست خستدا و راهنمسنای اراده اش سلام

عَلَيْكَ يَا تَالِي كِتَابِ اللَّهِ وَ تَرْجُمَانَهُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي آنَاءِ لَيْلِكَ

بر تسو ای تلاوت کنندده کتاب خدا و تفسیر کنندده آیات او سلام بر تو در تمام آنات و دقایق شب

وَ اطْرَافِ نَهَارِكَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ. السَّلَامُ

و سرتاسر روز سلام بر تسو ای بجسای مانسده از طسرف خستدا در روی زمسین سلام

عَلَيْكَ يَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَ وَكَّدَهُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعْدَ

بر تسو ای پیمان محکم خدا که از مردم گرفت و سخت محکمش کرد سلام بر تسو ای وعده

اللَّهِ الَّذِي ضَمِنَهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ. وَالْعِلْمُ

خدا کسه تضمینش کرده سلام بر تسو ای پسرجم برافراشته و دانسن

الْمَصْبُوبُ وَالْفَوْثُ وَالرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ. وَ عِدًّا غَيْرَ مَكْذُوبٍ.

ریزان و فریسادرس خلق و رحمت وسیع حقیق، و آن وعده ای که دروغ نشود

السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقُومُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْعُدُ. السَّلَامُ

سلام بر تسو هنگامی که بیامی ایستی سلام بر تسو هنگامی که می نشینی سلام

عَلَيْكَ حِينَ تَقْرَأُ وَ تَبَيِّنُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصَلِّي وَ تَقْنُتُ.

بر تسو هنگامی که (فرامین حق را) می خوانی و تفسیر می کنی سلام بر تسو هنگامی که نماز می خوانی و قنوت کنی

السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَرُكِعُ وَ تَسْجُدُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُهَلِّلُ

سلام بر تسو هنگامی که رکوع و سجده بجسای آوری سلام بر تسو هنگامی که «لا اله الا الله»

وَ تَكْبِرُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَحْمَدُ وَ تَسْتَغْفِرُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ

و «الله اکبر» گوئی سلام بر تسو هنگامی که خدا را ستایش کنی و از او آمرزش خواهی سلام بر تسو

حِينَ تُصْبِحُ وَ تُمَسِي. السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى. وَ النَّهَارِ

هنگامی که بامداد کنی و شام کنی سلام بر تسو در شب هنگامی که تاریکیش فرا گیرد و در روز

إِذَا تَجَلَّى السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمَأْمُونُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا

هنگامی که برده برگردد سلام بر تو ای امام امین سلام بر تو ای

الْمُقَدَّمُ الْمَأْمُولُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ بِجَوَامِعِ السَّلَامِ، أَشْهَدُكَ يَا

مقدم (بر همه خلق و) مورد آرزو (ای انسان) سلام بر توبه همه سلامها گواه گیرم تو را

مَوْلَايَ أَنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا

ای مولا و سرور من که من گواهی دهم به اینکه معبودی نیست جز خدای یگانه که شریک ندارد و نیز (گواهی دهم که) محمد

عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ لَا حَبِيبَ إِلَّا هُوَ وَأَهْلَهُ، وَأَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ أَنَّ

بنده و رسول او است و محبوبی نیست جز او و خاندانش و گواه گیرم تو را

عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حُجَّتَهُ، وَالْحَسَنَ حُجَّتَهُ، وَالْحُسَيْنَ حُجَّتَهُ، وَ

ای مولا من که علی امیر مؤمنان حجت خدا است و حسن حجت او است و حسین حجت او است و

عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ حُجَّتَهُ، وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ، وَجَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ

علی بن الحسین حجت او است و محمد بن علی حجت او است و جعفر بن محمد

حُجَّتَهُ، وَمُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ حُجَّتَهُ، وَعَلِيَّ بْنَ مُوسَى حُجَّتَهُ، وَمُحَمَّدَ

حجت او است و موسی بن جعفر حجت او است و علی بن موسی حجت او است و محمد

بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ، وَعَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتَهُ، وَالْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ،

بن علی حجت او است و علی بن محمد حجت او است و حسن بن علی حجت او است

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ، أَنْتُمْ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ، وَأَنَّ رَجَعْتَكُمْ حَقٌّ

و گواهی دهم که تو حجت خدائی، شما ناید اول و آخر و مسلماً باز گشت شما حق است که

لَا رَيْبَ فِيهَا، يَوْمَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا، لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ

شکی در آن نیست، روزی که سود ندهد کسی را ایمانش که پیش از آن

أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا، وَأَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ، وَأَنَّ نَاكِرًا

ایمان نیاورده یا در (مدت) ایمان خویش کار خیری انجام نداده و همانا مرگ حق است و ناگر



وَنَكِيرًا حَقٌّ وَأَشْهَدُ أَنَّ النَّشْرَ حَقٌّ، وَالْبَعْثَ حَقٌّ، وَأَنَّ الصِّرَاطَ

و نکیر (دو فرشته سؤال قبر) حق است و گواهی دهم که زنده شدن پس از مرگ حق است و برانگیخته شده حق است و صراط

حَقٌّ، وَالْمِرْصَادَ حَقٌّ وَالْمِيزَانَ حَقٌّ، وَالْحِشْرَ حَقٌّ، وَالْحِسَابَ

حق است و مرصاد (کمینگاه) حق است و میزان حق است و حشر (در قیامت) حق است و حساب

حَقٌّ، وَالْجَنَّةَ وَالنَّارَ حَقٌّ وَالْوَعْدَ وَالْوَعِيدَ بِهِمَا حَقٌّ، يَا مَوْلَايَ

حق است و بهشت و دوزخ حق است و وعده و تهدید در باره آن دو حق است ای مولای

شَقِيٍّ مَنْ خَالَفَكَ، وَسَعِدَ مَنْ أَطَاعَكَ، فَاشْهَدْ عَلَيَّ مَا أَشْهَدْتُكَ

من بدبخت است کسی که مخالفت شما را کرد و سعادتمند است کسی که پیرویتان کرد پس گواهی ده بر آنچه تو را

عَلَيْهِ وَأَنَا وَوَلِيِّ لَكَ، بَرِيٌّ مِنْ عَدُوِّكَ، فَالْحَقُّ مَا رَضِيتُمُوهُ، وَ

بر آن گواه گرفتم و من دوست توام و بیزارم از دشمنت حق آنست که شما پسند کردید و

الْبَاطِلُ مَا اسْخَطْتُمُوهُ، وَالْمَعْرُوفُ مَا أَمَرْتُمْ بِهِ، وَالْمُنْكَرُ

باطل همانست که شما بدان خشم کردید و معروف (و کار نیک) همان بود که شما بدان دستور دادید و منکر (و کار زشت)

مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ، فَنَفْسِي مُؤْمِنَةٌ بِاللَّهِ وَحَدَهُ لِأَشْرِيكَ لَهُ، وَبِرَسُولِهِ

همان بود که شما از آن جلوگیری و نهی کردید، من ایمان دارم به خدای یگانه ای که شریک ندارد و به رسول او

وَبِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَبِكُمْ يَا مَوْلَايَ أَوْلَكُمْ وَآخِرِكُمْ، وَنُصْرَتِي

و به امیر مؤمنان و به شما - ای مولای من - از اول تا آخرتان و یساریم

مُعَدَّةً لَكُمْ، وَمَوَدَّتِي خَالِصَةً لَكُمْ، آمِينَ آمِينَ.

برای شما آماده است و دوستیم خالص و پاک برای شما است آمین آمین

و بعد از آن این دعا خوانده شود:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ رَحْمَتِكَ، وَكَلِمَةَ نُورِكَ،

خدایا از تسو خسواهم کسه درود فرستی بر محمد پیامبر رحمت و کلمه نورت

وَإِنْ تَمَلَّأَ قَلْبِي نُورَ الْيَقِينِ، وَصَدْرِي نُورَ الْإِيمَانِ، وَفِكْرِي نُورَ

و دیگر آنکه پر کنی دل مرا با نور یقین و سینه‌ام را با نور ایمان و اندیشه‌ام را با نور

النِّيَّاتِ وَعَزَمِي نُورَ الْعِلْمِ، وَقُوَّتِي نُورَ الْعَمَلِ وَ لِسَانِي نُورَ الصِّدْقِ

تصمیمها و اراده‌ام را با نور علم و نیرویم را با نور عمل و زبانه‌ام را با نور راستگویی

و دینی نُورَ الْبَصَائِرِ مِنْ عِنْدِكَ، وَبَصْرِي نُورَ الضِّيَاءِ، وَسَمْعِي

و دین و مدغمم را با نور بینایی‌هایی از نزد خودت و چشمم را با نور روشنائی و گوشم را با

نُورَ الْحِكْمَةِ، وَمَوَدَّتِي نُورَ الْمُوَالَاةِ لِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

نور فرزانهگی و حکمت و دوستیم را با نور موالات محمد و آلش علیهم السلام

حَتَّى الْفَلَاحِ وَقَدْ وَفَيْتُ بِعَهْدِكَ وَ مِيثَاقِكَ، فَتَغَشَّيْنِي رَحْمَتَكَ

تا تو را دیدار کنم و من به عهد و پیمان تو وفا کردم پس رحمت خود را بر من بپوشان

يَا وَكَيْ يَا حَمِيدُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ حُجَّتِكَ فِي أَرْضِكَ، وَ

ای سرپرست و ای ستوده خدا یا درود فرست بر محمد حجت تو در روی زمینت و

خَلِيفَتِكَ فِي بِلَادِكَ، وَالدَّاعِيَ إِلَى سَبِيلِكَ، وَالْقَائِمَ بِقِسْطِكَ،

جانشین تو در شهرهايت و دعوت کننده بسوی راهت و قیام کننده به عدل و دادت و انقلاب کننده

وَالثَّائِرَ بِأَمْرِكَ، وَإِلَى الْمُؤْمِنِينَ، وَبَوَارِ الْكَافِرِينَ، وَ مُجَلِّي الظُّلْمَةِ،

بسه دستور تو، دوست مؤمنان و نابودی کسافران و برطرف کننده تاریکی و

و مُنِيرِ الْحَقِّ، وَالنَّاطِقِ بِالْحِكْمَةِ وَالصِّدْقِ، وَكَلِمَتِكَ التَّامَّةِ فِي

روشن کننده حق و گویندای به حکمت و راستی و آن کلمه (دستور و فرمان) کاملت در

أَرْضِكَ، الْمُرْتَقِبِ الْخَائِفِ، وَالْوَلِيِّ النَّاصِحِ، سَفِينَةَ النَّجَاةِ،

روی زمین که در حال انتظار و هراس بسر برد و آن سرپرست خیر خسواه و کشتی نجات

وَعَلَمِ الْهُدَى، وَنُورِ أَبْصَارِ الْوَرَى، وَخَيْرِ مَنْ تَقَمَّصَ وَارْتَدَى،

و پرچم هدایت و روشنی دیدگان مردم و بهترین کسی که جامه ورداء بپوش کرد و زداینده

وَجَلِيَّ الْعَمَى الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا. كَمَا مَلِئْتَ

گمراهی آنکس که پر کند زمین را از عدل و داد چنانچه پر شده باشد از

ظُلْمًا وَجَوْرًا. إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ

ستم و بیدادگری که برستی تو بر هر چیز توانائی خدایا درود فرست بر بنده مقرب در گاهت

وَأَبْنِ أَوْلِيَاءِكَ الَّذِينَ فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ وَأَوْجَبْتَ حَقَّهُمْ.

و فرزند بنده گان مقربت آنانکه فرض کردی فرمانبرداریشان را و واجب گرداندی حقشان را

وَأَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيرًا. اللَّهُمَّ انصُرْهُ

و دور کردی از ایشان پلیدی را و بخوبی پاکیزه شان کردی خدایا بساریش کن

وَأَنْتَصِرْ بِهِ لِدِينِكَ. وَأَنْصُرْ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ وَأَوْلِيَاءَهُ. وَشِيعَتَهُ

و بدست او دینت را بساری کن و بساری کن بوسیله او دوستان خودت و دوستان او و شیعیان

وَأَنْصَارَهُ. وَاجْعَلْنَا مِنْهُمْ. اللَّهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ وَطَاغٍ.

و یاورانش را و ما را نیز از آنان قرار ده خدایا نگاهش دار از شر هر متجاوز و سرکشی

وَمِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ. وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ. وَعَنْ

و از شر همه مخلوق خودت و محافظتش کن از پیش رویش و از پشت سرش و از سمت راستش و از طرف

يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ. وَاحْرُسْهُ وَأَمْنَعَهُ مِنْ أَنْ يُوْصَلَ إِلَيْهِ بِسُوءٍ.

چپش و پاسداریش کن و نگاهش دار از اینکه گزند و آسیبی بدو رسد و (شوکت و عزت) رسول

وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَآلَ رَسُولِكَ. وَأَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ وَأَيِّدْهُ

و آل رسالت را در (وجود) او حفظ فرما و آشکار (با پیروز) گردان بدست او عدل و داد را و یاریت

بِالنَّصْرِ، وَأَنْصُرْ نَاصِرِيهِ، وَاخْذُلْ خَاذِلِيهِ. وَأَقْصِمِ قَاصِمِيهِ.

کمکش کن و یاورش را نیز یاری کن و هر که دست از یاریش بردارد خوار گردان و در هم شکن شکننده اش را

وَأَقْصِمِ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ. وَأَقْتُلْ بِهِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ. وَجَمِيعَ

و بشکن بدست او قدرت و شوکت کفران را و آنان را بدست آن حضرت به خاک هلاک افکن و هم چنین منافقان و همه

الْمَلْحِدِينَ حَيْثُ كَانُوا مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا بَرِّهَا

بسی دینان ستیزه جو را در هر جا هستند از خاورهای زمین و باخترهای آن چه در خشکی

و بحرِها. وَأَمْلَأْ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا، وَأَظْهِرْ بِهِ دِينَ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ

و چه در دریا، و پرکن بوسیله او زمین را از عدل و داد و آشکار (یا پیروز) کن بوسیله اش دین پیامبرت - صلی الله

عَلَيْهِ وَآلِهِ. وَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَاتَّبَاعِهِ وَ

علیه و آله - را و قرار ده خدا یا مرا نیز از یاران و کمک کاران و پیروان و

شيعته، وَأَرِنِي فِي آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مَا يَأْمَلُونَ، وَفِي

شیعیانش و به من به نما در مورد آل محمد علیهم السلام آنچه را آرزو داشتند و در مورد

عَدُوِّهِمْ مَا يُحَذِّرُونَ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، يَا

دشمنشان آنچه از آن می ترسند مستجاب گردان ای معبود حق و ای صاحب جلالت و بزرگواری ای

أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

مهربانترین مهربانان

زیارت دیگر منقول از کتب معتبره علماء، بایست بر در حرم آن

حضرت و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَخَلِيفَةَ آبَائِهِ الْمَهْدِيِّينَ، السَّلَامُ

سلام بر تو ای نماینده خدا و جانشین پدران راه یافتنه اش سلام

عَلَيْكَ يَا وَصِيَّ الْأَوْصِيَاءِ الْمَاضِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَافِظَ

بر تو ای وصی اوصیاء گذشته سلام بر تو ای نگهبان رازها و

أَسْرَارِ رَبِّ الْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ مِنَ الصَّفْوَةِ

اسرار پروردگار جهانیان سلام بر تو ای یادگزار خدا از زیسته

الْمُنْتَجَبِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْأَنْوَارِ الزَّاهِرَةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ

برگزیدگان سلام بر تو ای فرزندان نورهای تابان سلام بر تو

يَا بَنَ الْأَعْلَامِ الْبَاهِرَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْعِثْرَةِ الظَّاهِرَةِ.

ای فرزندان مشعلهای فروزان سلام بر تو ای فرزندان عنبرت بسا کیزه

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَعْدِنَ الْعُلُومِ النَّبَوِيَّةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ

سلام بر تو ای معدن علوم نبوی سلام بر تو ای درگاه خدا

الَّذِي لَا يُوتَى إِلَّا مِنْهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَبِيلَ اللَّهِ الَّذِي مَنْ سَلَكَ

که نرود (بسوی او) جز از آن (درگاه) سلام بر تو ای راه خدا که هر که جز آن راه

غَيْرُهُ هَلَكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَاطِرَ شَجَرَةِ طُوبَى وَسِدْرَةِ الْمُنْتَهَى.

را پیسود به هلاکت افتاد سلام بر تو ای بیننده درخت طوبی و سدره المنتهی

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ الَّذِي لَا يُطْفِئُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ

سلام بر تو ای نور خدا آن نوری که خاموش نگردد سلام بر تو ای حجت

اللَّهِ الَّتِي لَا تَخْفَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى مَنْ فِي الْأَرْضِ

خداوند آن حجتی که پوشیده نماند سلام بر تو ای حجت خدا بر هر که در زمین

وَالسَّمَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ سَلَامٌ مَنْ عَرَفَكَ بِمَا عَرَّفَكَ بِهِ اللَّهُ.

و آسمان است سلام بر تو سلام کسی که تو را شناخته است بدانسان که خدا تو را شناسانده است و توصیف کند

وَنَعْتِكَ بِبَعْضِ نِعْوَتِكَ الَّتِي أَنْتَ أَهْلُهَا وَفَوْقَهَا، أَشْهَدُ أَنَّكَ الْحُجَّةُ

به برخی از صفات تو که شایسته آنی و بالاتر از آن گواهی دهم که تویی حجت

عَلَى مَنْ مَضَى وَمَنْ بَقِيَ، وَأَنَّ حِزْبَكَ هُمُ الْغَالِبُونَ وَأَوْلِيَاءُكَ هُمُ

بر رفتگان و باقیمانندگان و حتماً گروه تو پیروز شوند و دوستان تو

الْفَائِزُونَ وَأَعْدَاؤُكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ، وَأَنَّكَ خَازِنُ كُلِّ عِلْمٍ وَفَاتِقُ

رستگاران و دشمنانت زیارنکارند و تویی خزینه دار هر دانشی و گشاینده هر گره بسته

كُلِّ رَتَقٍ وَمُحَقِّقُ كُلِّ حَقٍّ، وَمُبْطِلُ كُلِّ بَاطِلٍ، رَضِيْتُكَ يَا مَوْلَايَ

و پابرجا کننده هر حق، و باطل کننده هر باطل پسندیدم تو را ای سرور من به

إِمَامًا وَهَادِيًا وَوَلِيًّا وَمُرْشِدًا، لَا أَبْتَغِي بِكَ بَدَلًا، وَلَا أَتَّخِذُ مِنْ

امامت و راهنمایی و سرپرستی و رهبری و نجومیم بجای تو دیگری را و نگیرم

دُونِكَ وَوَلِيًّا، أَشْهَدُ أَنَّكَ الْحَقُّ الثَّابِتُ الَّذِي لَا عَيْبَ فِيهِ، وَأَنَّ

جز تو سرپرست دیگری را گواهی دهم که تویی آن حق مسلم و ثابتی که عیبی در آن نیست و برستی

وَعَدَ اللَّهُ فِيكَ حَقٌّ لَا أَرْتَابُ لِطُولِ الْغَيْبَةِ، وَبَعْدَ الْأَمَدِ، وَ

وعده خدا در تو مسلم است و شک به خود راه ندهم بخاطر طولانی شدن غیبت تو و دوری زمان و

لَا أَتَحِيرُ مَعَ مَنْ جَهِلَكَ وَجَهِلَ بِكَ، مُنْتَظِرٌ مُتَوَقِّعٌ لِأَيَّامِكَ، وَأَنْتَ

سرگردان نشوم به همراه آنانکه تو را شناختند و نسبت به تو دانائی ندارند، چشم به راه و منتظر روزهای حکومت و فرمانروایی هستم و تویی

السَّافِعُ الَّذِي لَا تُنَازِعُ وَالْوَلِيُّ الَّذِي لَا تُدَافِعُ، ذَخَرَكَ اللَّهُ لِنُصْرَةِ

آن واسطه و شفیع که نزاعی در آن نیست و آن سرپرستی که مزاحم ندادی ذخیره ات کرده است خداوند

الدِّينِ وَاعْرَازِ الْمُؤْمِنِينَ، وَالْإِنْتِقَامِ مِنَ الْجَاهِلِينَ الْمَارِقِينَ

برای یاری دین و شوکت مؤمنین و انتقام گرفتن از منکرین و بیرون رفتگان از دین

أَشْهَدُ أَنَّ بَوْلَايَتِكَ تُقْبَلُ الْأَعْمَالُ، وَتُرَكَّى الْأَفْعَالُ، وَتُضَاعَفُ

گواهی دهم که همانا بوسیله دوستی تو پذیرفته گردد اعمال و پاک شود کردار و چند برابر گردد

الْحَسَنَاتُ، وَتُمَحَّى السَّيِّئَاتُ، فَمَنْ جَاءَ بِوِلَايَتِكَ، وَاعْتَرَفَ

کارهای خوب و محو شود کارهای بسد پس هر که ولایت تو را داشت

بِإِمَامَتِكَ، قُبِلَتْ أَعْمَالُهُ، وَصُدِّقَتْ أَقْوَالُهُ، وَتُضَاعَفَتْ حَسَنَاتُهُ

و به امامت تو اعتراف کرد اعمالش پذیرفته و گفتارش مورد تصدیق و گواهی است و کارهای نیکش مضاعف

وَمُحِيَّتْ سَيِّئَاتُهُ، وَمَنْ عَدَلَ عَنْ وِلَايَتِكَ، وَجَهِلَ مَعْرِفَتَكَ،

و بسدیهایش محو گردد و هر که رو گرداند از ولایت و دوستی تو و تو را نشناخت

وَاسْتَبَدَلَ بِكَ غَيْرَكَ، أَكْبَهُ اللَّهُ عَلَى مَنْخَرِهِ فِي النَّارِ، وَلَمْ يَقْبَلِ

و بجای تو دیگری را برگزید خداوند او را سرنگونش کند بصورت در آتش دوزخ و هیچ کاری

اللَّهُ لَهُ عَمَلًا، وَلَمْ يُقَمِّ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا، أُشْهِدُ اللَّهَ وَأُشْهِدُ

و را از او نپذیرد میزانی برای او در قیامت برپا نکند (و حسابی برایش باز نکند) گواه گیرم خدا و

مَلَائِكَتَهُ، وَأُشْهِدُكَ يَا مَوْلَايَ بِهَذَا ظَاهِرُهُ كِبَاطِنِهِ، وَسِرُّهُ

فرشتگانش را و نیز گواه گیرم تو را ای سرور من بدانچه گفتم که ظاهر و باطنش یکسانست و نهان و

كَعَلَانِيَّتِهِ، وَأَنْتَ الشَّاهِدُ عَلَى ذَلِكَ وَهُوَ عَهْدِي إِلَيْكَ، وَ مِيثَاقِي

آشکارش یکسی است و تو گواهی بر این، و این عهد و پیمان من است

لَدَيْكَ، إِذْ أَنْتَ نِظَامُ الدِّينِ، وَيَعْسُوبُ الْمُتَّقِينَ، وَعِزُّ الْمُؤَحِّدِينَ.

در پیش تو چون تویی نظام بخش دین و بزرگ متقین و عزت بخش مردمان یکتاپرست

وَ بِذَلِكَ أَمَرَنِي رَبُّ الْعَالَمِينَ فَلَوْ تَطَاوَلَتِ الدُّهُورُ، وَ تَمَادَتِ

و به همین دستور داده است مرا پروردگار جهانیان و اگر طولانی گردد روزگارها و بدرازا کشد

الْأَعْمَارُ، لَمْ أَزِدْ فِيكَ إِلَّا يَقِينًا، وَ لَكَ إِلَّا حُبًّا، وَ عَلَيْكَ إِلَّا مُتَّكِلًا

عمرها نیزآید مرا دربار تو جز یقین و زیاد نگرداند برای تو در من بجز محبت و جز توکل

وَ مُعْتَمِدًا، وَ لُظْهُورِكَ إِلَّا مُتَوَقِّعًا وَ مُنْتَظِرًا، وَ لِجِهَادِي بَيْنَ يَدَيْكَ

و اعتماد بر تو و جز انتظار و توقع ظهور و پیروزیست و جز آنکه چشم براه آن باشم

مُتَرَقِّبًا، فَأَبْدُلْ نَفْسِي وَ مَالِي وَ وَلَدِي وَ أَهْلِي وَ جَمِيعَ مَا خَوَّلَنِي

که در پیش رویت بیکار کنم و جان خود و مال و فرزند و خاندان و خلاصه هر چه را

رَبِّي بَيْنَ يَدَيْكَ، وَ التَّصَرُّفَ بَيْنَ أَمْرِكَ وَ نَهْيِكَ، مَوْلَايَ فَإِنْ أَدْرَكَتْ

خدا به من داده است همه را در راهت تبار کنم و همه را در اختیار امر و نهی تو بگذارم مولای من اگر

أَيَّامَكَ الزَّاهِرَةَ، وَ أَعْلَامَكَ الْبَاهِرَةَ فَهَا أَنَا ذَا عَبْدِكَ الْمُتَصَرِّفُ

من آن دوران درخشان را درک کنم و آن پرچمهای نمایان تو را ببینم پس من همان بنده تو باشم که خود

بَيْنَ أَمْرِكَ وَ نَهْيِكَ، أَرْجُو بِهِ الشَّهَادَةَ بَيْنَ يَدَيْكَ، وَ الْفَوْزَ لَدَيْكَ

را در اختیار امر و نهی تو بگذارم تا بلکه بدان وسیله در پیش رویت بشهادت رسم و در نزد تو کامیاب گردم،

مَوْلَايَ فَإِنَّ أَدْرَكَنِي الْمَوْتُ قَبْلَ ظُهُورِكَ، فَإِنِّي أَتَوَسَّلُ بِكَ

ای مولای من و اگر پیش از زمان ظهور تو مرگم به سراغم آید من توسل جویم بوسیله تو و بوسیله

وَبِأَبَائِكَ الظَّاهِرِينَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى، وَاسْأَلُهُ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

پسدران پساک تو بسدرگاه خدای تعالی و از او خواهم که درود فرستد بر محمد

وَأَلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ يَجْعَلَ لِي كَرَّةً فِي ظُهُورِكَ، وَرَجْعَةً فِي أَيَّامِكَ

و آل محمد و مقرر فرماید بر من بازگشتن در زمان ظهورت را و دوباره آمدن در آن روزهای درخشان حکومت

لِأَبْلُغَ مِنْ طَاعَتِكَ مُرَادِي، وَأَشْفِي مِنْ أَعْدَائِكَ فُؤَادِي، مَوْلَايَ

را تا در مورد فرمانبرداری تو به مقصود خود برسم (و جراحتم) دلم را از دشمنانت شفا بخشم سرورا من

وَقَفْتُ فِي زِيَارَتِكَ مَوْقِفَ الخَاطِئِينَ النَّادِمِينَ الخَائِفِينَ، مِنْ عِقَابِ

ایستاده‌ام برای زیارت تو چون خطاکاران پشیمانی که ترسانند از کیفر

رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَقَدْ أَتَكَلْتُ عَلَى شَفَاعَتِكَ، وَرَجَوْتُ بِمُؤَالَاتِكَ

پروردگاران جهانیان و تکیه کرده‌ام بر شفاعت و وساطت تو و از دوستی

و شَفَاعَتِكَ مَحْوُ ذُنُوبِي، وَسَرَّ عُيُوبِي، وَمَغْفِرَةَ زَلَلِي، فَكُنْ لَوْلِيكَ

و شفاعت تو امید آن دارم که گناهانم محو شود و عیوبم پوشیده گردد و لغزشهایم آمرزیده شود پس تو هم

يَا مَوْلَايَ عِنْدَ تَحْقِيقِ أَمَلِي، وَاسْأَلِ اللَّهَ عُفْرَانَ زَلَلِي، فَقَدْ تَعَلَّقَ

ای مولای من کمک چاکرت کن تا آرزویم تحقق یابد و از خدا بخواه که لغزشش را بپامزد

بِحَبْلِكَ، وَتَمَسَّكَ بِوَلَايَتِكَ، وَتَبَرَّءَ مِنْ أَعْدَائِكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ

زیرا که به رشته محبت تو چنگ زده‌ام و به ولایت و دوستی تو تمسک جسته‌ام و از دشمنانت بی‌زاری جوید خدایا درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْجِزْ لَوْلِيكَ مَا وَعَدْتَهُ، اللَّهُمَّ أَظْهِرْ كَلِمَتَهُ، وَأَعْلِ

محمد و آلش و وفا کن بدان وعده‌ای که به بنده مقرب داده‌ای، خدایا آشکار کن سخن و آئینش را و بلند کن

دَعْوَتَهُ، وَأَنْصُرْهُ عَلَى عَدُوِّهِ وَعَدُوِّكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ،

دعوتش را و یاریش ده بر دشمنش و بر دشمن تو ای پروردگاران جهانیان

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَظْهِرْ كَلِمَتَكَ التَّامَّةَ، وَمُغَيَّبِكَ

خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و آشکار کن آن کلمه تامه (و حجت بالغه) خود را و آن پنهان شده

فِي أَرْضِكَ الْخَائِفِ الْمُتَرَقِّبِ، اللَّهُمَّ انصُرْهُ نَصْرًا عَزِيزًا، وَافْتَحْ لَهُ

در روی زمینست و آن هراسان نگران را خدایا یساریش ده یساری نیرومنندی و بگشا بسرایش

فَتْحًا يَسِيرًا، اللَّهُمَّ وَاعِزِّ بِهِ الدِّينَ بَعْدَ الْخُمُولِ، وَأَطْلِعْ بِهِ الْحَقَّ

گشایشی آسان خدایا نیرومند گردان بدست او دین را پس از گمنامی و طالع کن بدو (خورشید) حق (و حقیقت)

بَعْدَ الْأُفُولِ، وَأَجَلِ بِهِ الظُّلْمَةَ، وَاكْشِفْ بِهِ الغُمَّةَ، اللَّهُمَّ

را پس از غروب آن و برطرف کن بسو تاریکی را و بگشا بسو غم و اندوه را خدایا

وَآمِنْ بِهِ الْبِلَادَ، وَاهْدِ بِهِ الْعِبَادَ، اللَّهُمَّ امْلَأْهُ بِالْأَرْضِ عَدْلًا

ایمن گردان بوسیله اش شهرها را و راهنمایی کن بسو بندگانت را خدایا پر کن زمین را بسو از

وَقِسْطًا، كَمَا مِلْتَّ ظُلْمًا وَجَوْرًا، إِنَّكَ سَمِيعٌ مُجِيبٌ، السَّلَامُ

عدل و داد چنانچه پرشده از ستم و بیبندگری که برآستی تسو شنوا و پاسخ دهنده ای سلام

عَلَيْكَ يَا وَليَّ اللَّهِ، إِذْذَنْ لَوْلِيَّتِكَ فِي الدُّخُولِ إِلَى حَرَمِكَ،

بسر تسو ای ولی خدا اجازه ده بسرای دوستت که در حرمت داخل شود

صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَعَلَى آبَائِكَ الظَّاهِرِينَ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

درودهای خدا بسر تسو و بسر پسران پاکت و رحمت خدا و برکاتش بسر شما باد-

پس برو به نزد سرداب غیبت آن حضرت و میان دو در بایست

و درها را به دست خود بگیر و تَنَحُّنْ کن مانند کسیکه رخصت

داخل شدن طلبد و بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بگو و پایین رو به تائی

و حضور قلب و دو رکعت نماز

در عرصه سرداب بکن پس بگو: اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا

**** خدا بزرگتر (از توصیف) است... معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگتر است و حمد خاص خدا است،

إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَلِلَّهِ الْحَمْدُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا

سنتایش خداوندی را که ما را بسبب این راه هدایت فرمود

وَعَرَّفَنَا أَوْلِيَاءَهُ وَأَعْدَاءَهُ، وَوَفَّقَنَا لِرِيزَارَةِ أَيْمَتِنَا، وَلَمْ يَجْعَلْنَا مِنْ

و دوستان و دشمنانش را به ما معرفی کرد و ما را به زیارت امامان موقفمان داشت و قرارمان نداد از

الْمُعَانِدِينَ النَّاصِبِينَ، وَلَا مِنَ الْعُلَاةِ الْمُفَوِّضِينَ، وَلَا مِنَ

زمره دشمنان و ناصبان و نه از غالیانی (که در حق آنها غلو کردند و آنان) که معتقد به تفویض (و واگذار کردن کار بدست آنها) هستند و نه از

الْمُرْتَابِينَ الْمُقْصِرِينَ، السَّلَامُ عَلَيَّ وَكَانَ اللَّهُ وَابْنِ أَوْلِيَاءِهِ،

کسانی که شک و تردید داشتند و در حقشان کوتاهی کنند سلام بر بنده مقرب خدا و فرزند بندگان مقربش

السَّلَامُ عَلَيَّ الْمُدَّخِرِ لِكِرَامَةِ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَبَوَارِ أَعْدَائِهِ، السَّلَامُ

سلام بر آنکه ذخیره شده تا اولیاء خدا را گرمی کند و دشمنانش را نساید گرداند سلام

عَلَى النُّورِ الَّذِي أَرَادَ أَهْلُ الْكُفْرِ إِطْفَاءَهُ، فَأَبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يَمِّمَ

بر آن نور تابانی که اهل کفر آهنگ خاموش کردنش را کردند ولی خداوند نخواست جز آنکه

نُورَهُ بِكُرْهِهِمْ، وَأَيَّدَهُ بِالْحَيَاةِ حَتَّى يُظْهَرَ عَلَى يَدِهِ الْحَقُّ بِرِغْمِهِمْ،

نور خود را آشکار و کامل گرداند گرچه آنان را ناخوش آید و او را بوسیله زندگی (طولانی) نگاه داشت تا بر غم آنان حق را بدست او آشکار سازد

أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ اصْطَفَيْكَ صَغِيرًا، وَاكْمَلَ لَكَ عُلُومَهُ كَبِيرًا، وَأَنَّكَ

گواهی دهم که برستی خداوند تو را در کوچکی برگزید و علوم خود را برای تو در بزرگی کامل کرد و تو

حَيٌّ لَا تَمُوتُ حَقٌّ تَبْطُلُ الْجِبْتُ وَالطَّاغُوتُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ

زنده هستی و نخواهی مرد تا از میان برداری جبت و طاغوت (معبودهای ساختگی و باغیان) را خدا با درود فرست بر

وَعَلَى خُدَّامِهِ، وَأَعْوَانِهِ عَلَى غَيْبَتِهِ وَنَايِهِ، وَاسْتُرَّهُ سِتْرًا عَزِيزًا،

آن حضرت و بر خدمتکاران و کمک کارانش در دوران غیبت و دوریش و مستور دار در پرده عزت (و نیرومندی)

وَاجْعَلْ لَهُ مَعْقِلًا حَرِيزًا، وَاشْدُدِ اللَّهُمَّ وَطْأَتَكَ عَلَى مُعَانِدِيهِ

و او را در پناهگاه محکمی قرارش ده و پایمال کردن و سرکوبی خود را نسبت به دشمنانش سخت

وَاحْرُسْ مَوَالِيَهُ وَزَائِرِيهِ، اَللّٰهُمَّ كَمَا جَعَلْتَ قَلْبِي بِذِكْرِهِ

و شدید گردان و دوستان و زائیرینش را (از گزند روزگار) حفظ کن خدایا چنانچه دل مرا به یاد آوردی

مَعْمُوراً، فَاجْعَلْ سِلَاحِي بِنُصْرَتِهِ مَشْهُوراً، وَإِنْ حَالَ بَيْنِي وَبَيْنَ

او آباد کردی اسلحه مرا نیز در یاری او (آماده کن و) از نیام بدر آر و اگر حائل شد میان من و میان

لِقَائِهِ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَيَّ عِبَادِكَ حَتْمًا وَأَقْدَرْتَ بِهِ عَلَيَّ

دیدار آن حضرت آن مرگگی که مسلم کردی بر بندگانت و مقدر کردی آن را بر

خَلِيقَتِكَ رَغْمًا، فَابْعَثْنِي عِنْدَ خُرُوجِهِ ظَاهِراً مِنْ حُفْرَتِي.

خلق خود تا بینیشان به خاک مالیده و زیونشان کنی پس مرا

مُوْتِراً كَفَنِي، حَتَّى أَجَاهِدَ بَيْنَ يَدَيْهِ فِي الصَّفِّ الَّذِي أَتَيْتَ

هنگام ظهورش بر انگیز تا سر بر آرم از قبرم و همانطور که کفن پوشیده ام پیکار کنم در پیش رویش در آن صفی که ستایش کردی

عَلَى أَهْلِهِ فِي كِتَابِكَ، فَقُلْتُ كَأَنَّهُمْ بِنِيَانٍ مَرَّضُوصٌ، اَللّٰهُمَّ طَالَ

اهل آن صف را در قرآن و فرمودی و گویی آنها بنیانی استوارنده خدایا

الْإِنْتِظَارُ، وَشِمْتٌ مِّنَّا الْفُجَّارُ، وَصَعِبَ عَلَيْنَا الْإِنْتِصَارُ، اَللّٰهُمَّ

انتظار ما به درازا کشید و مردمان فاجر بدکار ما را شماتت کنند و انتقام (از دشمن)

أَرِنَا وَجْهَ وَرَيْكَ الْمَيِّمُونَ فِي حَيَاتِنَا وَبَعْدَ الْمُنُونِ، اَللّٰهُمَّ إِنِّي

بر ما دشوار گشت خدایانشان ده به ما روی میمون بنده مقرب و نمایندهات را در حال زندگی و پس از مرگ خدایا

أَدِينُ لَكَ بِالرَّجْعَةِ بَيْنَ يَدَيَّ صَاحِبِ هَذِهِ الْبُقْعَةِ، الْعَوْتُ

من اعتقاد دارم به رجعت در پیش روی صاحب این بقعه، فریاد،

الْعَوْتُ الْعَوْتُ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، قَطَعْتُ فِي وَصْلَتِكَ الْخِلَانَ.

فریاد، فریاد، ای صاحب الزمان برای رسیدن به تو از دوستان صمیمی بریدم

وَ هَجَرْتُ لِزِيَارَتِكَ الْأَوْطَانَ، وَأَخْفَيْتُ أَمْرِي عَنِ أَهْلِ الْبُلْدَانِ،

و برای زیارتت وطن را ترک کردم و هدف و مقصودم را از مردم شهرهای سر راه پنهان داشتم

لِتَكُونَ شَفِيعاً عِنْدَ رَبِّكَ وَرَبِّي، وَإِلَى آبَائِكَ وَمَوَالِي فِي حُسْنِ

تا تو شفیع من گردی در نزد پروردگار خود و پروردگار من و پیش پدران من و سروران من در (خواستن)

التَّوْفِيقِ لِي، وَإِسْبَاغِ النِّعْمَةِ عَلَيَّ، وَسَوْقِ الْأَحْسَانِ إِلَيَّ، اللَّهُمَّ صَلِّ

خوش توفیقی برای من و فراوانی نعمت بر من و روان شدن احسان و بخشش بسوی من خدایا درود فرست

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَصْحَابِ الْحَقِّ، وَقَادَةِ الْخَلْقِ، وَأَسْتَجِبْ مِنِّي

بر محمد و آل محمد ملازمین حق و راهبران خلق و به اجابت رسان برام

مَا دَعَوْتُكَ وَأَعْطِنِي مَا لَمْ أَنْطِقْ بِهِ فِي دُعَائِي مِنْ صَلَاحِ دِينِي

آنچه دعا کردم و عطا کن به من آنچه را به زبان نیاوردم در دعایم از آنچه به صلاح دین

وَدُنْيَايَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.

و دنیای من است که برستی تویی ستوده و بزرگوار و درود خدا بر محمد و آل پاکش بساز

پس داخل صُفّه شو و دو رکعت نماز کن و بگو:

اللَّهُمَّ عَبْدُكَ الزَّائِرُ فِي فِنَاءٍ وَلِيكَ الْمَزُورِ الَّذِي فَرَضْتَ طَاعَتَهُ

خدایا بنده زائر تو در آستان بنده مقرب تو است که به زیارتش آیند آنکه واجب کردی

عَلَى الْعَبِيدِ وَالْأَحْرَارِ، وَأَنْقَذْتَ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ مِنْ عَذَابِ النَّارِ،

فرمانبرداریش را بر هر بنده و آزاد و نجات دادی بوسیله اش دوستان خود را از عذاب دوزخ

اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا زِيَارَةً مَقْبُولَةً ذَاتَ دُعَاءٍ مُسْتَجَابٍ، مِنْ مُصَدِّقٍ

خدایا این زیارت را زیارتی پذیرفته قرار ده و زیارتی که در آن دعائی مستجاب باشد از فردی که تصدیق کرده

بِوَلِيِّكَ غَيْرِ مُرْتَابٍ اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ بِهِ وَلَا بَزِيَارَتِهِ

ولی و نماینده تو را بدون هیچگونه شک و تردیدی خدایا قرارش مده آخرین بار آمدنم به آستان این بزرگوار و زیارتش

وَلَا تَقْطَعْ أَثْرِي مِنْ مَشْهَدِهِ، وَزِيَارَةِ أَبِيهِ وَجَدِّهِ اللَّهُمَّ أَخْلِفْ

و پهای مرا از زیارتگاه او و زیارت پدر و جدش میر، خدایا آنچه در این راه خرج کردم

عَلَى نَفَقَتِي، وَانْفَعَنِي بِمَا رَزَقْتَنِي فِي دُنْيَايَ وَآخِرَتِي لِي وَ لِأَخْوَانِي

عوض آن را به من بده و سود بخش کن و آنچه را روزی من کرده‌ای در دنیا و آخرت من و برای برادرانم

وَ آبَوِيَّ وَ جَمِيعِ عِثْرَتِي، أَسْتَوْدِعُكَ اللَّهُ أَيُّهَا الْإِمَامُ الَّذِي يُفُوزُ

و پدر و مادرم و همه خاندانم تو را به خدا می سپارم ای امام بزرگسوارى كه رستگار شوند

بِهِ الْمُؤْمِنُونَ، وَيَهْلِكُ عَلَى يَدَيْهِ الْكَافِرُونَ، الْمُكَذِّبُونَ يَا مَوْلَايَ

بوسیله او مؤمنان و نابود گردند بدست او مردمان کافر و تکذیب کننده ای مولای من

يَا بَنَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ جِئْتُكَ زَائِرًا لَكَ وَ لِأَبِيكَ وَ جَدِّكَ،

ای فرزند حسن بن علی به دربارت آمده‌ام برای زیارت تو و پدر و جدت

مُتَبَيِّنًا الْفَوْزَ بِكُمْ، مُعْتَقِدًا إِمَامَتَكُمْ، اللَّهُمَّ اكْتُبْ هَذِهِ الشَّهَادَةَ

و یقین به رستگاری خویش بوسیله شما دارم و معتقد به امامت شما هستم خدایا ثبت کن این گواهی

وَ الزِّيَارَةَ لِي عِنْدَكَ فِي عِلَّتَيْنِ، وَ بَلِّغْنِي بِلَاغِ الصَّالِحِينَ، وَ انْفَعْنِي

و زیارت مرا نزد خودت در بلندترین جاها و برسانم بدانجا که رسیدند بدان مردمان شایسته و از دوستی

بِحُبِّهِمْ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

یشان به من سود ده ای پروردگار جهانیان

زیارت دیگر زیارتی است که سید بن طاوس نقل کرده و

آن چنان است که می گوئی:

السَّلَامُ عَلَيَّ الْحَقِّ الْجَدِيدِ، وَ الْعَالِمِ الَّذِي عِلْمُهُ لَا يَبِيدُ، السَّلَامُ

سلام بر آن حق تازه و جدید و آن دانشمند بزرگسوارى كه دانشش تمام ننگردم سلام

عَلَى مُحَمَّدِي الْمُؤْمِنِينَ، وَ مُبِيرِ الْكَافِرِينَ، السَّلَامُ عَلَيَّ مَهْدِي الْأُمَمِ

بر زنده کننده مؤمنان و نابود کننده کافران سلام بر مهدی همه ملل

وَ جَامِعِ الْكَلِمِ، السَّلَامُ عَلَيَّ خَلْفِ السَّلَفِ، وَ صَاحِبِ الشَّرَفِ،

و جامع کلمات (و احکام الهی) سلام بر یادگار گذشتگان و صاحب شرف (و بزرگی)



السَّلَامُ عَلَى حُجَّةِ الْمَعْبُودِ، وَكَلِمَةِ الْمَحْمُودِ، السَّلَامُ عَلَى

سلام بر حجت (از طسرف خدای) معبود و کلمه ستوده سلام بر

مُعِزِّ الْأَوْلِيَاءِ، وَمُذِلِّ الْأَعْدَاءِ، السَّلَامُ عَلَى وَارِثِ الْأَنْبِيَاءِ، وَخَاتِمِ

عزت بخش دوستان حق و خسوار کننده دشمنان او سلام بر وارث پیامبران و خاتم

الْأَوْصِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَى الْقَائِمِ الْمُنتَظَرِ، وَالْعَدْلِ الْمُشْتَهَرِ، السَّلَامُ

اوصیاء سلام بر حضرت قائم منتظر و آن (سر ناپس) عدالت مشهور سلام

عَلَى السَّيْفِ الشَّاهِرِ، وَالْقَمَرِ الزَّاهِرِ وَالنُّورِ الْبَاهِرِ، السَّلَامُ عَلَى

بر شمشیر از نیام کشیده (حق) و مساه تابان و نسوز درخشان سلام بر

شَمْسِ الظَّلَامِ وَيَدْرِ التَّمَامِ، السَّلَامُ عَلَى رَبِيعِ الْأَنَامِ، وَنَضْرَةِ الْأَيَّامِ،

خورشید تاریکی و ماه شب چهارده سلام بر بهار (شکوفان) مردمان و شادمانی و خرمی روزگار و دوران

السَّلَامُ عَلَى صَاحِبِ الصَّمَّامِ، وَفَلَّاقِ الْهَامِ، السَّلَامُ عَلَى الدِّينِ

سلام بر صاحب شمشیر بران و شسکافنده سرها سلام بر دین و آئین

الْمَأْثُورِ، وَالكِتَابِ الْمَسْطُورِ، السَّلَامُ عَلَى بَقِيَّةِ اللَّهِ فِي بِلَادِهِ،

مفسر (و رسیده از جانب خدا) و کتاب نگاشته سلام بر نماینده خدا در شهرهایش

وَ حُجَّتِهِ عَلَى عِبَادِهِ الْمُنتَهَى إِلَيْهِ مَوَارِيثُ الْأَنْبِيَاءِ، وَوَلَدِيهِ

و حجت او بر بندگانش آنکه به او رسیده میراث پیامبران و نوزاد او

مَوْجُودِ آثَارِ الْأَصْفِيَاءِ، الْمُؤْتَمَنِ عَلَى السِّرِّ وَالْوَلِيِّ لِلْأَمْرِ، السَّلَامُ

موجود است آثار برگزیدگان آذامین بر راز و سرپرست کسار (امامت) سلام

عَلَى الْمَهْدِيِّ الَّذِي وَعَدَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ الْأُمَّمَ، أَنْ يَجْمَعَ بِهِ الْكَلِمَ،

بر مهدی که وعده کرده خدای عزوجل به آمدنش ملتها را تا گرد آورد بوسیله اش گفته های همه

وَيَلْمَ بِهِ الشَّعْثَ، وَيَمْلَأَ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا وَيُمْكِنَ لَهُ

را و برطرف کند بوسیله اش پراکندگی را و پسر کند بدست او زمین را از عدل و داد

وَيُنَجِّزَ بِهِ وَعَدَ الْمُؤْمِنِينَ، أَشْهَدُ يَا مَوْلَايَ أَنَّكَ وَالْأَيْمَّةَ

و موقعیتش را محکم و پابرجا کند و با آمدنش به وعده‌ای که به مؤمنین داده وفا کند گواهی دهم ای مولای من که تو

مِنْ آبَائِكَ أَيْمَتِي، وَمَوَالِي فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا، وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ،

و پدران پیشوای تو امامان و سروران من هستید در زندگی دنیا و هم در آن روزی که گواهان (خلق) پاخیزند

أَسْأَلُكَ يَا مَوْلَايَ أَنْ تَسْأَلَ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِي صَلَاحِ شَأْنِي،

از تو خواهم ای مولای من که درخواست کنی از خدای تبارک و تعالی اصلاح کارم را

وَقَضَاءِ حَوَائِجِي، وَغُفْرَانِ ذُنُوبِي، وَالْأَخْذِ بِيَدِي فِي دِينِي

و برآوردن حاجاتم و آمرزش گناهانم را و دستگیری از من در دین

و دُنْيَايَ وَآخِرَتِي، لِي وَ لِإِخْوَانِي وَ أَخَوَاتِي الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ

و دنیا و آخرت من و هم چنین برای برادران و خواهران با ایمانم

كَافَّةً، إِنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

همگی که او خدائی است آمرزنده و مهربان.

پس بجا آور نماز زیارت را به نحوی که پیش از این ذکر

نمودیم یعنی دوازده رکعت بعد از هر دو رکعت سلام دهد و

تسبیح زهرا علیها السلام بگوید و هدیه کند بسوی آن حضرت و

چون از نماز زیارت فارغ شدی بگو :

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى حُجَّتِكَ فِي أَرْضِكَ، وَ خَلِيفَتِكَ فِي بِلَادِكَ، الدَّاعِي

خدایا درود فرست بر حجت خود در روی زمینت و جانشین خود در شهرهايت آنکه دعوت کند

إِلَى سَبِيلِكَ، وَالْقَائِمِ بِقِسْطِكَ، وَالْفَائِزِ بِأَمْرِكَ، وَلِيِّ الْمُؤْمِنِينَ،

به راه تو و پیام کند به عدل تو و کامیاب به فرمان تو سرپرست مؤمنان

و مُبِيرِ الْكَافِرِينَ، وَ مُجَلِّي الظُّلْمَةِ، وَ مُنِيرِ الْحَقِّ، وَالصَّادِعِ بِالْحِكْمَةِ

و نسا بود کتسده کافران و برطرف کننده تاریکی و روشنی بخش حق و گویای به حکمت

وَالْمَوْعِظَةُ الْحَسَنَةُ وَالصِّدْقُ، وَكَلِمَتِكَ وَعَيْبَتِكَ، وَعَيْنِكَ فِي

و پند نیکو و راستی و کلمه (و دستور) تو و گنجینه‌ها و دیسدهات در

أَرْضِكَ الْمُتَرَقِّبِ الْخَائِفِ، الْوَلِيِّ النَّاصِحِ، سَفِينَةِ النَّجَاةِ، وَعِلْمِ

دوی زمین آن نگران ترسان و آن دوستدار خیر خواه کشتی نجات و پسرجم

الْهُدَى، وَنُورِ أَبْصَارِ الْوَرَى، وَخَيْرِ مَنْ تَقَمَّصَ وَارْتَدَى وَالْوِثْرِ

هدایت و نور دیدگان مردم و بهترین کسی که پیراهن و قبای (خلافت) به بر کند و انتقام کشنده

الْمَوْثُورِ، وَمُفْرِجِ الْكَرْبِ، وَمُزِيلِ الْهَمِّ، وَكَاشِفِ الْبَلْوَى،

خسوف مظلومان و گشاینده گرفتاری و زداینده اندوه و برطرف کننده بلا

صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ الْأَيْمَةِ الْهَادِينَ وَالْقَادَةِ الْمِيَامِينَ

درودهای خدا بر او و بر پسرانش آن پیشوایان راهنما و رهبران خجسته باد

مَا طَلَعَتْ كَوَاكِبُ الْأَسْحَارِ، وَأَوْرَقَتِ الْأَشْجَارُ، وَأَيْتَعَتِ

تا هرگاه که سرزند اختران سحرگاه و برگ کند درختان و برسد

الْأَثْمَارُ، وَاخْتَلَفَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، وَغَرَّدَتِ الْأَطْيَارُ اللَّهُمَّ نَفَعْنَا

میوه‌ها و گسردش کند شب و روز و نغمه سرائی کنند پرندگان خدا یا سودمند کن ما را

بِحَبِّهِ وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِمْ وَتَحْتَ لَوَائِهِ، إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

به دوستیش و محشورمان کن در گروه او و در زیر پرچمش ای معبود به حق آمین ای پروردگار جهانیان

ذکر صلوات بر آن حضرت

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآهْلِ بَيْتِهِ، وَصَلِّ عَلَى وَلِيِّ الْحَسَنِ

خدا یا درود فرست بر محمد و خاندانش و درود فرست بر نماینده امام حسن

وَوَصِيِّهِ وَوَارِثِهِ، الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ، وَالْغَائِبِ فِي خَلْقِكَ، وَالْمُنْتَظَرِ

و وصی او و وارثش آنکه قیام کند بدستورت و آن پنهان در خلق تو و چشم برآه



صحیفه مهدی

لَا ذَنْبَكَ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَقَرِّبْ بَعْدَهُ وَاَنْجِزْ وَعْدَهُ، وَاَوْفِ

اذن تو خدا یا درود فرست بر او و نزدیک کن دوریش را و انجام ده وعده اش را و وفا کن

عَهْدَهُ، وَاكْشِفْ عَنْ بَاسِهِ حِجَابَ الْغَيْبَةِ، وَاظْهَرِ بِظُهُورِهِ

به عهد و پیمانش و برطرف کن از نیرویش پسرده غیبت را و پشت سر انداز با ظهور

صَحَائِفِ الْمَحْنَةِ، وَقَدِّمْ اَمَامَهُ الرُّعْبَ، وَثَبِّتْ بِهِ الْقَلْبَ، وَاَقِمْ بِهِ

آن حضرت اوراق محنت و اندوه را و بفرست در پیش رویش رعب و ترس را و آرامش ده به او دل را و برپا کن بدستش

الْحَرْبَ، وَاَيِّدُهُ بِجُنْدٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ، وَسَلِّطْهُ عَلَى اَعْدَاءِ

جنگ را و کمکش کن به لشکری از فرشتگان نشاندار و مسلطش کن بر دشمنان

دِينِكَ اَجْمَعِينَ، وَاَلْهَمَّهُ اَنْ لَا يَدَعَ مِنْهُمْ رُكْنًا اِلَّا هَدَّهُ، وَ

دینت همگی و به او الهام کن که پایه ای از آنها نگذارد جز آنکه فروردین

لَا هَامًا اِلَّا قَدَّهُ، وَلَا كَيْدًا اِلَّا رَدَّهُ، وَلَا فَاسِقًا اِلَّا حَدَّهُ، وَلَا فِرْعَوْنَ

و نه سری از آنها جز آنکه دونیم کند و نه نقشه شومی جز آنکه بازش گرداند و نه فاسق بد کاری جز آنکه حدش زند و نه فرعون (گردنکشی)

اِلَّا اَهْلَكَهُ، وَلَا سِرًّا اِلَّا هَتَكَهُ، وَلَا عِلْمًا اِلَّا نَكَّسَهُ، وَلَا سُلْطَانًا

جز آنکه ملامتش کند و نه پرده ای جز آنکه بدرد و نه پرچمی جز آنکه سرنگونش سازد و نه سلطنت و

اِلَّا كَسَبَهُ، وَلَا رُمْحًا اِلَّا قَصَفَهُ، وَلَا مِطْرَدًا اِلَّا خَرَقَهُ، وَلَا جُنْدًا

قدرتی جز آنکه بتصرف گیرد و نه نیزه ای جز آنکه درهم شکند و نه زویینی جز آنکه بشکند و نه لشکری

اِلَّا فَرَّقَهُ، وَلَا مِنْبَرًا اِلَّا اَحْرَقَهُ، وَلَا سَيْفًا اِلَّا كَسَرَهُ، وَلَا صَنَمًا

جز آنکه پراکنده سازد و نه منبری جز آنکه بسوزاند و نه شمشیری جز آنکه بشکند و نه بتی

اِلَّا رَضَّهٗ، وَلَا دَمًا اِلَّا اَرَاقَهُ، وَلَا جَوْرًا اِلَّا اَبَادَهُ، وَلَا حِصْنًا اِلَّا

جز آنکه خرد کند و نه خونی جز آنکه بریزد و نه ستم و پیدادگری جز آنکه از میان بردارد و نه قلعه و

هَدَمَهُ، وَلَا بَابًا اِلَّا رَدَمَهُ، وَلَا قَصْرًا اِلَّا خَرَبَهُ، وَلَا مَسْكَنًا اِلَّا

دزی جز آنکه ویران کند و نه دری جز آنکه ببندد و نه کاخ و قصری جز آنکه ویران کند و نه مسکنی جز آنکه



فَتَّشَهُ. وَلَا سَهْلًا إِلَّا أَوْطَيْتَهُ، وَلَا جَبَلًا إِلَّا صَعَدَهُ، وَلَا كَنْزًا

بازرسی کند و نه زمین همواری جز آنکه زیر پا گذارد و نه کوهی جز آنکه بالا رود و نه گنجی

إِلَّا أَخْرَجَهُ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

جز آنکه بیرون آورد به رحمتت ای مهربانترین

مؤلف گوید که شیخ مفید بعد از نقل زیارت سابق که اول آن
اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ بود فرموده که به روایت
دیگر منقول است که می گویی بعد از داخل شدن در سرداب
مقدس «السَّلَامُ عَلَى الْحَقِّ الْجَدِيدِ» پس زیارت را نقل کرده تا نماز
زیارت آنگاه فرموده پس دوازده رکعت نماز زیارت می کنی هر
دو رکعت به یک سلام و می خوانی بعد از آن دعایی را که از آن
حضرت روایت شده:

اللَّهُمَّ عَظُمَ الْبَلَاءُ، وَبَرِحَ الْخَفَاءُ، وَانْكَشَفَ الْغَطَاءُ، وَضَاقَتِ

خدا یا بزرگ شد بلا و گرفتاری و آشکار شد راز پنهانی و پسرده از روی کار برافتاد و

الْأَرْضُ وَ مَنْعَتِ السَّمَاءُ، وَالْيَتِيمَ يَا رَبِّ الْمُسْتَكِي، وَعَلَيْكَ

زمین (بر ما) تنگ شد و آسمان خودداری کرد و بدرگاه تو آوریم پروردگارا شکوه را و یتیم

الْمُعْوَلُ فِي الشَّدَّةِ وَالرَّخَاءِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، الَّذِينَ

اعتماد کنیم در سختی و آسانی خدا یا درود فرست بر محمد و آل او آن بزرگانی که

فَرَضْتَ عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ فَعَرَفْتَنَا بِذَلِكَ مَنَزِلَتِهِمْ، فَرَجِّعْنَا بِحَقِّهِمْ

واجب کردی بر ما فرمانبرداریشان را و بدینوسیله منزلت و مقامشان را به ما شناساندی

فَرَجًّا عَاجِلًا كَلِمَةِ الْبَصْرِ، أَوْ هُوَ أَقْرَبُ مِنْ ذَلِكَ، يَا مُحَمَّدُ يَا

بگشا از ما به حق ایشان گشایشی فوری چون چشم برهمزدن یا زودتر از آن ای

عَلِيَّ يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ، اُنْصُرَانِي فَاِنَّكُمْ ناصِرَايَ، وَ اَكْفِيَانِي فَاِنَّكُمْ

محمد ای علی ای علی ای محمد یاریم دهید کہ بہ حقیقت شمائید یاور من و کفایتم کنید کہ براسنی شمائید

كَافِيَايَ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، الْغَوْثَ الْغَوْثَ، الْغَوْثَ الْغَوْثَ،

کفایت کن مولا من ای صاحب الزمان ای صاحب الزمان

اَدْرِ كُنِّي اَدْرِ كُنِّي اَدْرِ كُنِّي.

بہ فریادم برس سرا در سب.

مؤلف گوید کہ این دعای شریفی است و سزاوار است خواندن آن در آنجا مکرر و در غیر آن مکان و ما در باب اول ذکر کردیم این دعا را با اختلاف جزئی.

زیارت دیگر زیارتی است کہ سید بن طاوس نقل کرده فرموده دو رکعت نماز گذارد و بگوید بعد از آن «سَلَامٌ لِلَّهِ الْكَامِلِ الشَّامِلِ الشَّامِلِ» الخ و ما این زیارت را بہ عنوان استغاثہ بہ آن حضرت از کلم طیب نقل کردیم بہ آنجا رجوع شود مؤلف گوید کہ سید بن طاوس در مصباح الزائر فصلی در اعمال سرداب مقدس ایراد کرده و در آن شش زیارت نقل کرده پس از آن فرموده و ملحق می شود بہ این فصل دعاء ندبہ و زیارتی کہ مولای ما صاحب الامر علیہ السلام ہر روز بہ آن زیارت کرده می شود بعد از نماز صبح و آن زیارت ہفتم حساب می شود و دعای عہد کہ امر شدہ بہ تلاوت آن در حال غیبت و دعایی کہ آنرا بخوانند در وقتی کہ از آن حرم شریف می خواهند برگردند پس شروع کرده بہ ذکر این چہار امر ما ہم در این کتاب مبارک متابعت آن بزرگوار نموده و

آن چهار امر را ذکر می‌نماییم اول دعاء ندبه است که مستحب است در چهار عید یعنی عید فطر و قربان و غدیر و روز جمعه بخوانند و آن دعا این است:

دعای ندبه

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ وَآلِهِ.

ستایش خاص خدا پروردگار جهانیان است و درود خدا بر آقای ما محمد پیامبرش و بر آل او

وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا، اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا جَرَى بِهِ قَضَائِكَ فِي

و سلام کاملی بر ایشان باد خدا یا از آن تو است ستایش بر آنچه جاری شد بدان قضا و قدر تو دزبانه

أَوْلِيَاءِكَ، الَّذِينَ اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَدِينِكَ، إِذِ اخْتَرْتَهُمْ لَهُمْ

بندگان مفریت آنانکه خالص گردانیدی آنان را برای خود و دین خود چون انتخاب کردی برای آنها

جَزِيلًا مَا عِنْدَكَ مِنَ النِّعَمِ الْمُقِيمِ، الَّذِي لَا زَوَالَ لَهُ وَلَا أَضْمِحْلَالَ

آن نعمت شایان و پایداری که نزد تو است آن نعمتی که زوال و نابودی برایش نیست، (و این)

بَعْدَ أَنْ شَرَطْتَ عَلَيْهِمُ الزُّهْدَ فِي دَرَجَاتِ هَذِهِ الدُّنْيَا الدَّنِيَّةِ

پس از آنی (بود که) با آنها شرط کردی تا کناره گیرند از درجات (و ریاستهای) این دنیای پست

وَزُخْرُفِهَا وَزِبْرَجِهَا، فَشَرَطُوا لَكَ ذَلِكَ، وَعَامَّتْ مِنْهُمْ الْوَفَاءَ بِهِ،

و از زینب و زبورش و آنها نیز این شرط تو را پذیرفتند و تو نیز وفای آنان را به این شرط دانستی و

فَقَبِلْتَهُمْ وَقَرَّبْتَهُمْ، وَقَدَّمْتَ لَهُمُ الذِّكْرَ الْعَلِيَّ، وَالشَّنَاءَ الْجَلِيَّ،

پذیرفتی آنها و مقرب درگاهشان کردی و مقرر داشتی از پیش برای ایشان نامی بلند و ثنائی آشکار

وَأَهْبَطْتَ عَلَيْهِمْ مَلَائِكَتَكَ، وَكَرَّمْتَهُمْ بِوَحْيِكَ، وَرَفَدْتَهُمْ

و فرستادی برایشان فرشتگانت را و گرامی داشتی آنان را به وحی خود و یاریشان کردی

بِعِلْمِكَ، وَجَعَلْتَهُمُ الذَّرِيعَةَ إِلَيْكَ، وَالْوَسِيلَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ،

به علم خود و فرارشان دادی واسطه در گاهت و وسیله‌ای بسوی خوشنودیت پس برخی را در بهشت

فَبَعْضٌ أَسَكَّنْتَهُ جَنَّاتِكَ إِلَى أَنْ أَخْرَجْتَهُ مِنْهَا، وَبَعْضٌ حَمَلْتَهُ فِي

جا دادی تا آنگاه که از آنجا بیرونش آوردی و برخی را در کشتی خود سوار کردی

فُلُوكَ وَنَجَّيْتَهُ وَمَنْ آمَنَ مَعَهُ مِنَ الْهَلَكَةِ بِرَحْمَتِكَ وَبَعْضٌ اتَّخَذْتَهُ

و او و همراهانش را که ایمان آورده بودند به مهر خود از هلاکت نجات دادی و برخی را

لِنَفْسِكَ خَلِيلاً، وَسَأَلْتَ لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ فَأَجَبْتَهُ،

برای خود خلیل گرفتی و او از تو درخواست کرد نام نیک را در اتمهای آینده و تو اجابت کردی و نام او را

وَجَعَلْتَ ذَلِكَ عَلِيًّا، وَبَعْضٌ كَلَّمْتَهُ مِنْ شَجَرَةٍ تَكْلِيمًا، وَجَعَلْتَ

بلند گردانیدی و بسا برخی از میان درخت بطور مخصوص سخن گفتی و

لَهُ مِنْ أَخِيهِرِدْءًا وَوَزِيْرًا، وَبَعْضٌ أَوْلَدْتَهُ مِنْ غَيْرِ أَبِي، وَأَتَيْتَهُ

برای او برادرش را یاور و وزیر گردانیدی و برخی را بدون پدر بوجود آوردی و

الْبَيِّنَاتِ، وَأَيَّدْتَهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ، وَكُلُّ شَرَعْتَ لَهُ شَرِيعَةً،

نشانه‌های آشکاری به او دادی به روح القدس (جبرئیل) بسیاری فرمودی و برای همه آنها دین

وَنَهَجْتَ لَهُ مِنْهَا جَاءً، وَتَخَيَّرْتَ لَهُ أَوْصِيَاءَ مُسْتَحْفِظًا بَعْدَ

و قانونی مقرر داشتی و برایش طریقه و برنامه‌ای قرار دادی و اوصیائی برای او انتخاب کردی تا یکی پس از

مُسْتَحْفِظٍ مِنْ مُدَّةٍ إِلَى مُدَّةٍ، إِقَامَةً لِدِينِكَ، وَحُجَّةً عَلَى عِبَادِكَ،

دیگری نگهبان باشد از زمانی تا زمانی تا برپا ماند دین تو و حجتی باشند بر بندگانت

وَلَيْلًا يَزُولُ الْحَقُّ عَنْ مَقَرِّهِ، وَيَغْلِبُ الْبَاطِلُ عَلَى أَهْلِهِ، وَلَا يَقُولُ

و تا زائل نگردد (دین) حق از جای خود و تا پیروز نگردد باطل بر اهل حق و کسی نگوید

أَحَدٌ لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا مُنْذِرًا، وَأَقَمْتَ لَنَا عِلْمًا هَادِيًّا،

چرا فرستادی بسوی ما پیامبری که ما را بترساند و چرا پسا نداشتی پرچمی راهنما



فَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ وَنَخْزِي، إِلَى أَنْ أَنْتَهَيْتَ بِالْأَمْرِ

تا پیروی کنیم از آیات تو پیش از آنکه خوار و رسوا گردیم تا اینکه رساندی کار را بدست حیب

إِلَى حَبِيبِكَ وَنَجِيْبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَكَانَ كَمَا

خود و برگزیده ات (حضرت) محمد صلی الله علیه و آله و او چنان بود که او را

أَنْتَجَبْتَهُ سَيِّدَ مَنْ خَلَقْتَهُ، وَصَفْوَةَ مَنْ اصْطَفَيْتَهُ، وَأَفْضَلَ

برگزیده ای بزرگ آفریده گانت و برگزیده شده برگزیده گانت و برترین

مَنْ اجْتَبَيْتَهُ، وَأَكْرَمَ مَنْ اعْتَمَدْتَهُ، قَدَّمْتَهُ عَلَى أَنْبِيَائِكَ، وَبَعَثْتَهُ إِلَى

انتخاب شد گانت و گرامی ترین معتمدین تو بود و او را بر پیمبرانت مقدم داشتی و بسوی جن و انس از

الثَّقَلَيْنِ مِنْ عِبَادِكَ، وَأَوْطَاتَهُ مَشَارِقَكَ وَمَغَارِبَكَ، وَسَخَّرْتَ

بندگان مہموت فرمودی و مشرقها و مغربهای عالم را زیر پایش گنزدادی

لَهُ الْبُرَاقَ، وَعَرَجْتَ بِرُؤُوحِهِ لِبِهَامِ إِلَى سَمَاوَاتِكَ، وَأَوْدَعْتَهُ عِلْمَ

و براق را مسخر او گردانیدی و به آسمان خود او را بسا بسردی و علم

مَا كَانَ وَ مَا يَكُونُ إِلَى انْقِضَاءِ خَلْقِكَ، ثُمَّ نَصَرْتَهُ بِالرُّعْبِ،

گذشته و آینده را تا هنگام پایان آفرینش به اوسپردی آنگاه او را بوسیله ترس و رعب (در دل دشمنش) یاری کردی

وَ حَفَفْتَهُ بِجِبْرِئِيلَ وَ مِيكَائِيلَ، وَ الْمَسْوَمِينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ، وَ

و گرداگردش جبرئیل و میکائیل و فرشتگان نشاندارت را واداشتی و به

وَ عَدَّتَهُ أَنْ تَظْهَرَ دِينَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ،

او وعده دادی که دینش را بر همه دینها پیروز گردانی اگرچه مشرکان خوش نداشته باشند،

وَ ذَلِكَ بَعْدَ أَنْ بَوَّأْتَهُ مَبْوَأَ صِدْقٍ مِنْ أَهْلِهِ، وَ جَعَلْتَ لَهُ وَلَهُمْ

و این جریان پس از آنی بود که جایگیرش کردی در جایگاه راستی از خاندانش (یعنی آنان را برای حفظ دینش معین کردی) و قرار دادی برای او و

أَوَّلَ بَيْتٍ وَضِعَ لِلنَّاسِ، لِلَّذِي بِيَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ،

خاندانش نخستین خانه ای را که برای مردم بنا شد که مکه است و مایه برکت و موجب راهنمایی جهانیان است

فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ، مَقَامُ إِبْرَاهِيمَ، وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا، وَقُلْتُ

و در آن نشانه‌های آشکاری است چون مقام ابراهیم و هر که در آن درآید ایمن است، و فرمودی:

«إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ

» جز این نیست که خدا اراده فرموده تا دور کند از شما خاندان پلیدی را و بخوبی شما را

تَطْهِيرًا»، ثُمَّ جَعَلْتَ أَجْرَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَوَدَّتَهُمْ فِي

پاک گرداند» آنگاه مزد محمد را - که درودهای تو بر او و آلش باد - در کتاب خود دوستی و مودت ایشان قراردادی

كِتَابِكَ، فَقُلْتُ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى

و فرمودی: «بگو من از شما برای رسالت مزدی نخواهم جز دوستی خویشانم»

وَقُلْتُ مَا سَأَلْتَكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ وَقُلْتُ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ

و فرمودی: «آنچه مزد از شما خواستم آن هم بسود شما است» و فرمودی: «من از شما برای رسالت مزدی نخواهم

أَجْرًا إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا، فَكَانُوا هُمُ السَّبِيلَ إِلَيْكَ.

مگر کسی که بخواهد بسوی پروردگار خویش راهی پیش گیرد و اینها بودند آن راه بسوی تو

وَالْمَسْلُوكَ إِلَىٰ رِضْوَانِكَ، فَلَمَّا انْقَضَتْ أَيَّامُهُ، أَقَامَ وَلِيُّهُ عَلِيُّ بْنُ

و طریق سلوک بسوی خوشنودیت و چون روزگار آن حضرت سپری شد برگماشت علی بن

أَبِي طَالِبٍ، صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا هَادِيًا، إِذْ كَانَ هُوَ الْمُنْذِرَ،

ابیطالب را - که درودهای تو بر هر دوی آنها و بر آلشان باد - برای راهنمایی زیرا که آن جناب بیم‌دهنده

وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ، فَقَالَ وَالْمَلَأُ أَمَامَهُ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ،

و راهنمای هر ملتی بود، و در همین باره در برابر مردمی که نزدش حاضر بودند فرمود: هر که من مولا و سرپرست اویم علی مولا و سرپرست او است

اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالِ الْإِلَهَ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَانصُرْ مَنْ نَصَرَهُ، وَاخْذُلْ

خدایا دوست دار هر که دوستش دارد و دشمن دار هر که دشمنش باشد و یاری کن هر که یاریش کند و خوار کن

مَنْ خَذَلَهُ، وَقَالَ مَنْ كُنْتُ أَنَا نَبِيَّهُ فَعَلِيٌّ أَمِيرُهُ، وَقَالَ أَنَا وَعَلِيٌّ

هر که دست از یاریش بردارد، و فرمود: هر که من پیامبر او هستم علی امیر و فرمانروای او است، و فرمود: من و علی

مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ. وَسَائِرِ النَّاسِ مِنْ شَجَرٍ شَتَّى. وَأَحَلَّهُ مَحَلًّا

هر دو از یک درخت هستیم و سایر مردم از درختهای متفاوتی هستند، و رتبه او را نسبت به خود چون رتبه

هَارُونَ مِنْ مُوسَى. فَقَالَ لَهُ أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى.

هارون نسبت به موسی قرار داد و بدو فرمود: مقام تو در پیش من مانند مقام هارون است از موسی

إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي. وَزَوْجَهُ ابْنَتُهُ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ. وَأَحَلَّ

جز اینکه پیامبری پس از من نیست و تزویج کرد به او دخترش بانوی زنان جهانیان را و حلال کرد

لَهُ مِنْ مَسْجِدِهِ مَا حَلَّ لَهُ. وَسَدَّ الْأَبْوَابَ إِلَّا بَابَهُ. ثُمَّ أَوْدَعَهُ

برای او از مسجدش آنچه برای خود او حلال بود، و بیست درهای مسجد را جز درخانه علی را، سپس

عِلْمَهُ وَحِكْمَتَهُ. فَقَالَ أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا. فَمَنْ أَرَادَ الْمَدِينَةَ

علم و حکمت خود را به او سپرد و فرمود: من شهر علمم و علی در آن شهر است پس هر که خواهد بدین شهر درآید

وَالْحِكْمَةَ فَلْيَأْتِهَا مِنْ بَابِهَا. ثُمَّ قَالَ أَنْتَ أَخِي وَوَصِيِّي وَوَارِثِي.

و حکمت خواهد باید از آن درآید، سپس فرمود: تویی برادر من و وصی من و وارث من

لَحْمِكَ مِنْ لَحْمِي. وَدَمُكَ مِنْ دَمِي. وَسِلْمُكَ سِلْمِي. وَحَرْبُكَ حَرْبِي.

گوشتت از گوشت من و خونت از خون من است صلح تو صلح من و جنگ تو جنگ من است

وَالْإِيمَانُ مُخَالِطُ لَحْمِكَ وَدَمِكَ. كَمَا خَالَطَ لَحْمِي وَدَمِي. وَأَنْتَ

و ایمان با گوشتت و خون تو آمیخته شده چنانچه با گوشتت و خون من آمیخته و تو

غَدَاً عَلَى الْحَوْضِ خَلِيفَتِي وَأَنْتَ تَقْضِي دِينِي. وَتَنْجِزُ عِدَاتِي.

در فردای محشر بر سر حوض (کوثر) جانشین منی و تو می پردازی فرض مرا و وفا می کنی به وعده های من

وَشِيعَتُكَ عَلَى مَنَابِرٍ مِنْ نُورٍ. مُبَيِّضَةٌ وَجُوهَهُمْ حَوْلِي فِي الْجَنَّةِ.

و شیعیانت بر منبرهایی از نور با روهای (سورانی و) سفید در بهشت اطراف منند

وَهُمْ جِيرَانِي، وَلَوْلَا أَنْتَ يَا عَلِيُّ لَمْ يَعْرِفِ الْمُؤْمِنُونَ بَعْدِي.

و آنها همسایگان منند و اگر تو نبودی - ای علی - مؤمنان پس از من شناخته نمی شدند، و آن جناب پس

وَ كَانَ بَعْدَهُ هُدًى مِنَ الضَّلَالِ، وَ نُوراً مِنَ الْعَمَى، وَ حَبْلَ اللَّهِ

از رسول خدا راهنمای گمراهی و روشنائی از کسوری جهالت و رشته محکم خدا

الْمَتِينِ، وَ صِرَاطَهُ الْمُسْتَقِيمِ، لَا يُسْبِقُ بِقَرَابَةٍ فِي رَحِمٍ، وَلَا

راه راست او بود، کسی پیشی نگرفت پس او در نزدیکی خویشاوندی به رسول خدا و نه

بِسَابِقَةٍ فِي دِينٍ، وَلَا يُلْحَقُ فِي مَنْقَبَةٍ مِنْ مَنْاقِبِهِ، يَحْذُو وَ حَذُو

از نظر سابقه در دین و نه کسی توانست در یکی از منقبتها به او برسد، همانند

الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَ آلهِمَا، وَ يُقَاتِلُ عَلَى التَّأْوِيلِ، وَلَا

رسول خدا بود - که درود خدا بر هر دوی ایشان باد - و او بود که بر طبق تأویل و باطن قرآن می جنگید و

تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةً لَأْتِمَ، قَدْ وَ تَرَفِيهِ صَنَادِيدَ الْعَرَبِ، وَ قَتَلَ

در باره خدا باکی از سرزنش ملامت کنندگان نداشت در راه خدا خون بزرگان عرب را به خاک ریخت

أَبْطَالَهُمْ، وَ نَاوَشَ ذُؤَبَانَهُمْ، فَأَوْدَعَ قُلُوبَهُمْ أَحْقَاداً، بَدْرِيَّةً وَ

و دلاورانشان را بکشت و با گرگانشان در افتاد و همین سبب شد در دلهای ایشان کینه ها بگذارد کینه های جنگ بدر و

خَيْبَرِيَّةً وَ حُنَيْنِيَّةً وَ غَيْرَهُنَّ، فَأَضَبَّتْ عَلَى عِدَاوَتِهِ، وَ أَكْبَتْ

خیبر و حنین و غیر آنها پس دشمنی او را به دل گرفتند و به جنگ و مخالفت

عَلَى مُنَابَذَتِهِ، حَتَّى قَتَلَ النَّاكِثِينَ وَ الْقَاسِطِينَ وَ الْمَارِقِينَ، وَ لَمَّا

با او برخاستند تا کشتار کرد با پیمان شکنان (طلحه و زبیر و همراهان) و زور گویان (معاویه و همدستانش) و از دین بیرون رفتگان

قَضَى نَحْبَهُ، وَ قَتَلَهُ أَشَقَى الْأَخْرِينَ يَتَّبِعُ أَشَقَى الْأُولِينَ، لَمْ يُمَثَّلْ

(اصحاب نهر وان) و چون در گذشت و شقی ترین مردم پسینان که پیروی کرد از شقی ترین پیشینان او را کشت امثال نشد

أَمْرَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ فِي الْهَادِينَ بَعْدَ الْهَادِينَ،

از دستور رسول خدا صلی الله علیه و آله که در باره راهنمایان دین یکی پس از دیگری فرموده بود

وَ الْأُمَّةُ مُصْرَّةٌ عَلَى مَقْتِهِ، مُجْتَمِعَةٌ عَلَى قَطِيعَةِ رَحِمِهِ، وَ أَقْصَاءِ

و امت پافشاری بر دشمنی آن حضرت کردند و گرد آمدند برای قطع رحم او و تبعید کردن (و آواره ساختن)

۱۰۰

وَلَدِهِ إِلَّا الْقَلِيلَ مَمَّنْ وَفِي لِرِ عَايَةِ الْحَقِّ فِيهِمْ، فَقُتِلَ مَنْ قُتِلَ،

فرزندانش جز اندکی از کسانی که وفا کردند در رعایت کردن حق در ایشان و در نتیجه جمعی کشته

وَسُبِّ مَنْ سُبِّ، وَأَقْصَى مَنْ أَقْصَى، وَجَرَى الْقَضَاءُ لَهُمْ بِمَا رَجَى

و گروهی اسیر و دسته‌ای از وطن آواره گشتند و قلم تقدیر و قضا طوری بر ایشان جاری شد

لَهُ حُسْنُ الْمَثُوبَةِ إِذْ كَانَتْ الْأَرْضُ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ،

که امید پاداش نیک در آن می‌رود زیرا (کره) زمین از خداست و به هر که از بندگانش که بخواهد آن را ارث دهد و بدو واگذارد

وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ وَسُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا، وَلَنْ

و سرانجام از آن پرهیزکاران است و منزّه است پروردگار ما که حتماً وعده پروردگارمان انجام شدنی است

يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ، فَعَلَى الْأَطَائِبِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ

و خدا خلف وعده نمی‌کند و او است نیرومند فرزانه پس بر پاکیزگان از خاندان

مُحَمَّدٍ وَعَلَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا فَلْيَبْكِ الْبَاكُونَ، وَإِيَاهُمْ

محمد و علی - درود خدا بر هر دو ایشان و آلشان باد - باید گریه کنندگان بگریند و بر آنها

فَلْيَنْدُبِ النَّادِبُونَ، وَلِمِثْلِهِمْ فَلْتَدْرِفِ الدُّمُوعُ، وَلْيَصْرُخْ،

باید زاری کنندگان زاری کنند و برای امثال آنها باید اشکها روان گردد و فریاد زندگان فریاد زنند

الصَّارِخُونَ وَيَضِجَ الضَّاجُونَ، وَيَعِجُ الْعَاجُونَ، آيِنَ الْحَسَنِ آيِنَ

و شیون کنندگان شیون کنند و خروش کنندگان خروش سر دهند کجاست حسن؟ و کجاست حسین؟ و کجا باشد

الْحُسَيْنِ، آيِنَ أَبْنَاءِ الْحُسَيْنِ، صَالِحٌ بَعْدَ صَالِحٍ، وَصَادِقٌ بَعْدَ

فرزندان حسین؟ شایسته‌ای پس از شایسته دیگر و راستگوی

صَادِقٍ، آيِنَ السَّبِيلِ بَعْدَ السَّبِيلِ، آيِنَ الْخَيْرَةِ بَعْدَ الْخَيْرَةِ،

پس از راستگوی دیگر کجاست آن راه حق پس از راه دیگر؟ کجا باشد برگزیندگان (خدائی)

آيِنَ الشَّمْسِ الطَّالِعَةِ، آيِنَ الْأَقْمَارِ الْمُنِيرَةِ، آيِنَ الْأَنْجُمِ

هر یک پس از دیگری؟ کجا باشد خورشیدهای تابان؟ کجا باشد ماههای نور افشان؟ کجا باشد

۱۰۱

الزَّاهِرَةُ. أَيَّنَ أَعْلَامُ الدِّينِ وَقَوَاعِدُ الْعِلْمِ. أَيَّنَ بَقِيَّةُ اللَّهِ الَّتِي لَا تَخْلُو

اختران فروزان؟ کجایند بزرگان دین و پایه‌های دانش؟ کجاست بجا مانده خدا که بیرون

مِنَ الْعِثْرَةِ الْهَادِيَةِ أَيَّنَ الْمَعْدُ لِقَطْعِ دَابِرِ الظَّلَامَةِ. أَيَّنَ الْمُنْتَظَرُ

از خاندان عشرت راهنمای (رسول خدا) نیست؟ کجاست آنکه آماده شده برای ریشه کن ساختن ستمگران؟ کجاست آنکه چشم برافش

لِإِقَامَةِ الْأُمَّتِ وَالْعَوَجِ. أَيَّنَ الْمُرْتَجَى لِإِزَالَةِ الْجُورِ وَالْعُدْوَانِ. أَيَّنَ

مستند برای راست کردن نادرستیها و کجیها؟ کجاست آن مایه امید برای از بین بردن ستم و تجاوز؟ کجاست آنکه

الْمُدَّخِرُ لِتَجْدِيدِ الْفَرَائِضِ وَالسُّنَنِ. أَيَّنَ الْمُتَّخِرُ لِإِعَادَةِ الْمِلَّةِ

ذخیره شده برای نو کردن فریضه‌ها و سنتهای دین؟ کجاست آن کس که انتخاب گشته برای برگرداندن کیش و آئین؟ کجاست

وَالشَّرِيعَةَ، أَيَّنَ الْمُؤَمَّلُ لِأَحْيَاءِ الْكِتَابِ وَحُدُودِهِ. أَيَّنَ مُحْيٍ

آنکه آرزویش داریم برای زنده کردن قرآن و حدود آن؟ کجاست زنده کننده

مَعَالِمِ الدِّينِ وَأَهْلِهِ، أَيَّنَ قَاصِمٌ شَوْكَةَ الْمُعْتَدِينَ. أَيَّنَ هَادِمٌ أَيْنِيَةَ

آثار دین و اهل دین؟ کجاست درهم شکننده شوکت زورگویان؟ کجاست ویران کننده

الشَّرِكِ وَالنِّفَاقِ. أَيَّنَ مُبِيدٌ أَهْلَ الْفُسُوقِ وَالْعِصْيَانِ وَالطُّغْيَانِ.

بناهای شرک و دورویی؟ کجاست نابود کننده اهل فسق و گناه و طغیان؟

أَيَّنَ حَاصِدٌ فُرُوعِ الْغِيِّ وَالشِّقَاقِ، أَيَّنَ طَامِسٌ آثَارِ الزَّيْغِ

کجاست آنکه شاخه‌های گمراهی و اختلاف را بیسرد؟ کجاست محو کننده آثار کجروی

وَالْأَهْوَاءِ، أَيَّنَ قَاطِعٌ حَبَائِلِ الْكِذْبِ وَالْإِفْتِرَاءِ، أَيَّنَ مُبِيدٌ الْعُتَاةَ

و هوا و هوسها؟ کجاست پاره کننده دامهای دروغ و بهتان؟ کجاست نابود کننده سرکشان

وَالْمَرَدَّةَ أَيَّنَ مُسْتَأْصِلٌ أَهْلَ الْعِنَادِ وَالتَّضْلِيلِ وَالْإِلْحَادِ، أَيَّنَ مُعْرِضٌ

و متمردان؟ کجاست ریشه کن کننده ستیزه جویان و گمراهان و بسی دینان؟ کجاست عزت بخش

الْأَوْلِيَاءِ وَمُذِلُّ الْأَعْدَاءِ، أَيَّنَ جَامِعٌ الْكَلِمَةِ عَلَى التَّقْوَى، أَيَّنَ بَابٌ

دوستان و خوار کننده دشمنان؟ کجاست گردآورنده سخنان بر پرهیزکاری؟ کجاست آن درگاه خداوند

۱۰۲

اللَّهُ الَّذِي مِنْهُ يُوتَى، أَيَّنَ وَجْهَ اللَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ يَتَوَجَّهُ الْأَوْلِيَاءُ،

که از آنجا بسوی خدا روند؟ کجاست آن آئینه خدائی که بسویش توجه کنند اولیاء؟

أَيَّنَ السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ، أَيَّنَ صَاحِبُ يَوْمِ الْفَتْحِ

کجاست آن سبب خدائی که پیوست است میان زمین و آسمان؟ کجاست آن فرمانروای روز فتح

وَ نَاشِرُ رَايَةِ الْهُدَى، أَيَّنَ مُؤَلَّفُ شَمْلِ الصَّلَاحِ وَالرِّضَا،

و پیروزی و برافرازنده پرچم هدایت و راهنمایی؟ کجاست گرد آورنده شایستگی و خوشنودی (حق)؟

أَيَّنَ الظَّالِمُ بِدُحُولِ الْأَنْبِيَاءِ وَأَبْنَاءِ الْأَنْبِيَاءِ، أَيَّنَ الظَّالِمُ بِدَمِ

کجاست خواهنده خون پیامبران و فرزندان پیامبران؟ کجاست خواهنده خون

الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَاءَ، أَيَّنَ الْمَنْصُورُ عَلَى مَنْ اعْتَدَى عَلَيْهِ وَافْتَرَى،

کشته کربلا؟ کجاست آن یاری شده و پیروزمند بر کسانی که بر او ستم کردند و دروغ بستند؟

أَيَّنَ الْمُضْطَرُّ الَّذِي يُجَابُ إِذَا دَعَى، أَيَّنَ صَدْرُ الْخَلَائِقِ ذُو الْبِرِّ

کجاست آن درمانده‌ای که چون دعا کند به اجابت رسد کجاست صدر مخلوقات عالم آن نیکوکار

وَ التَّقْوَى، أَيَّنَ ابْنُ النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى، وَ ابْنُ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى، وَ ابْنُ

با تقوی؟ کجاست فرزند پیامبر برگزیده و فرزند علی مرتضی و فرزند

خَدِيجَةَ الْغُرَّاءِ، وَ ابْنُ فَاطِمَةَ الْكُبْرَى، بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي وَ نَفْسِي لَكَ

خدیجه روشن سیمما و فرزند فاطمه کبری؟ پدر و مادرم بفسادیت و خودم

الْوِقَاءِ وَالْحَمَى، يَا بَنَ السَّادَةِ الْمُقَرَّبِينَ، يَا بَنَ النَّجَبَاءِ الْأَكْرَمِينَ،

بلاگردان و سپر پیش روی تو باشم ای فرزند بزرگان مقرب درگاه حق ای فرزند نجیبان گرامی

يَا بَنَ الْهُدَاةِ الْمَهْدِيِّينَ، يَا بَنَ الْخَيْرَةِ الْمُهَذَّبِينَ يَا بَنَ الْغَطَارِفَةِ

ای فرزند راهنمایان راه یافته ای فرزند نیکان پاکیزه ای فرزند گرامیان برگزیده ای فرزند پاکان

الْأَنْجَبِينَ، يَا بَنَ الْأَطَائِبِ الْمُطَهَّرِينَ، يَا بَنَ الْخَضَارِمَةِ الْمُنتَجَبِينَ

پساکیزه ای فرزند جوانمردان پر جود برگزیده ای فرزند دریا‌های بخشش و عطای گرامی

يَا بَنَ الْقَمَاقِمَةِ الْأَكْرَمِينَ، يَا بَنَ الْبُدُورِ الْمُنِيرَةِ، يَا بَنَ الشُّرُجِ

ای فرزند ماههای نور افشانان ای فرزند چراغهای تابان ای فرزند ستارگان

الْمُضِيئَةِ، يَا بَنَ الشُّهْبِ الثَّاقِبَةِ يَا بَنَ الْأَنْجَمِ الزَّاهِرَةِ، يَا بَنَ

فروزان ای فرزند اختران درخشان ای فرزند راههای روشن

السُّبُلِ الْوَاضِحَةِ، يَا بَنَ الْأَعْلَامِ اللَّائِحَةِ، يَا بَنَ الْعُلُومِ الْكَامِلَةِ،

ای فرزند نشانههای آشکار ای فرزند دانشهای کامل

يَا بَنَ السُّنَنِ الْمَشْهُورَةِ، يَا بَنَ الْمَعَالِمِ الْمَأْثُورَةِ، يَا بَنَ الْمُعْجَزَاتِ

ای فرزند آینههای معروف و مشهور ای فرزند آثار و معالم رسیده (از خدا و انبیاء) ای فرزند معجزات

الْمَوْجُودَةِ، يَا بَنَ الدَّلَائِلِ الْمَشْهُودَةِ، يَا بَنَ الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ،

موجود ای فرزند دلیلهای آشکار ای فرزند راه مستقیم

يَا بَنَ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ، يَا بَنَ مَنْ هُوَ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَى اللَّهِ عَلِيٌّ حَكِيمٌ،

ای فرزند آن خبر بسیار بزرگ ای فرزند کسی که در دفتر اصلی نزد خدا «علی» (والا) و فرزانه است

يَا بَنَ الْآيَاتِ وَالْبَيِّنَاتِ، يَا بَنَ الدَّلَائِلِ الظَّاهِرَاتِ، يَا بَنَ الْبَرَاهِينِ

ای فرزند آیات و نشانههای آشکار ای فرزند دلیلهای هویدا ای فرزند برهانهای

الْوَاضِحَاتِ الْبَاهِرَاتِ، يَا بَنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَاتِ، يَا بَنَ النِّعَمِ السَّابِغَاتِ،

نمایان روشن ای فرزند حجههای رسای فرزند نعمتهای شایان و فراوان

يَا بَنَ طهٍ وَالْمُحْكَمَاتِ، يَا بَنَ يَسٍ وَالذَّارِيَاتِ، يَا بَنَ الطُّورِ

ای فرزند طه و آیات محکم قرآن ای فرزند سوره یس و ذاریات ای فرزند سبوره طور

وَالْعَادِيَاتِ، يَا بَنَ مَنْ دَنَى، فَتَدَلَّى فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى،

والعادیات ای فرزند کسی که (در شب معراج) نزدیک شد و نزدیکتر شد به فاصله دو کمان یا نزدیکتر،

دُنُوًّا وَاقْتِرَابًا مِنَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى، لَيْتَ شِعْرِي، أَيْنَ اسْتَقَرَّتْ بِكَ،

در نزدیکی و قسرب نسبت به خدای والای اعلی، ای کاش می دانستم در چه جایی منزل گرفته ای و

النَّوَى بَلْ أَىُّ أَرْضٍ تُقَلِّكَ أَوْ تُرَى بِرَضْوَى أَوْ غَيْرِهَا أَمْ ذَى طَوَى ،

چه سرزمین و مکانی تو را بر خود نگهداشته آیا در کوه رضوانی یا غیر آن یا در ذی طوی،

عَزِيزٌ عَلَيَّ اَنْ اَرَى الخَلْقَ وَلَا تُرَى ، وَلَا اَسْمَعُ لَكَ حَسِيْسًا

گسران است بر من که مردم را ببینم ولى تو دیده نشوی و نشنوم از تو صدا

وَلَا نَجْوَى ، عَزِيزٌ عَلَيَّ اَنْ تُحِيْطَ بِكَ دُوْنِي الْبَلْوَى ، وَلَا يَنَالُكَ مِنِّي

و نه رازی، گسران است بر من که بی من بر تو تنها بلا احاطه کند، و

ضَجِيْحٌ وَلَا شَكْوَى ، بِنَفْسِي اَنْتَ مِنْ مُغَيَّبٍ لَمْ يَخْلُ مِنَّا بِنَفْسِي

صدای زاری و شکوه من به تو نرسد، جانم به قربانت ای پنهانی که از میان ما بیرون نیستی

اَنْتَ مِنْ نَازِحٍ مَا نَزَحَ عَنَّا ، بِنَفْسِي اَنْتَ اُمْنِيَّةٌ شَائِقِي يَتَمَنَّى ، مِنْ

جانم به قربانت ای دور از نظری که از ما دور نیست جانم به قربانت ای آرمان هر مشتاقی که آرزویت کنند

مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ ذَكَرَا فِخْتًا ، بِنَفْسِي اَنْتَ مِنْ عَقِيْدٍ عَزِيْزٍ لَا يُسَامَى ،

از مردان و زنان با ایمانی که به یاد تو ناله از دل کشند جانم به قربانت ای بسته به عزتی که کسی بر تو برتری

بِنَفْسِي اَنْتَ مِنْ اَثِيْلٍ مُجْدٍ لَا يُجَارَى ، بِنَفْسِي اَنْتَ مِنْ تِلَادٍ نِعَمٍ

نگیرد جانم به قربانت ای مجد و شوکت ریشه داری که همپراز ندارد و جانم به قربانت ای نعمت دیرینه ای

لَا تُضَاهَى ، بِنَفْسِي اَنْتَ مِنْ نَصِيْفٍ شَرَفٍ لَا يُسَاوَى ، اِلَى مَتَى اَحَارُ

که شبیه ندارد جانم به قربانت ای قسین شرف و بزرگواری که برابر ندارد، تا کی سرگردان

فِيكَ يَا مَوْلَاىَ ، وَ اِلَى مَتَى وَ اَىُّ خِطَابٍ اَصِفُ فِيكَ وَ اَىُّ نَجْوَى ،

تو باشم ای مولای من؟ و تا کی و به چه زبانی وصف تو گویم و راز دل کنم

عَزِيزٌ عَلَيَّ اَنْ اُجَابَ دُوْنَكَ وَ اُنَاغَى ، عَزِيزٌ عَلَيَّ اَنْ اَبْكِيْكَ وَ يَخْذُلَكَ

گران و ناگوار است بر من که پاسخ از دیگری جز تو بشنوم و گفتگو کنم، گران است بر من که بر تو بگریم ولى مردم تو را

الْوَرَى ، عَزِيزٌ عَلَيَّ اَنْ يَجْرِيَ عَلَيْكَ دُوْنَهُمْ مَا جَرَى ، هَلْ مِنْ مُعِيْنٍ

واگذارند، گران است بر من که بر تو بگذرد آنچه می گذرد نه بر دیگران، آیا کمک کاری هست

فَأُطِيلَ مَعَهُ الْعَوِيلَ وَالْبُكَاءَ، هَلْ مِنْ جُرُوعٍ فَأُسَاعِدَ جَزَعَهُ إِذَا خَلَا.

که با او فریاد و گریه را طولانی کنم آیا بی نایبی (چون من) هست که چون به خلوت رود در زاری و جزع کمکش کنم

هَلْ قَدِيتَ عَيْنٌ فَسَاعِدْتَهَا عَيْنِي عَلَى الْقَدَى، هَلْ إِلَيْكَ يَا بَنَ أَحْمَدَ

آیا چشمی هست که خار فراق در آن خلیده و گریان باشد تا چشم پر خار من نیز یاریش دهد، آیا ای پسر احمد

سَبِيلٌ فَتَلْقَى، هَلْ يَتَّصِلُ يَوْمَئِذٍ بِعِدَّةٍ فَتَحْظِي، مَتَى نَرِدُ مِنْهَا هَلْكَ

سویت راهی هست تا دیدارت کنم آیا روز جدائی مابه وعده تو پیوست می شود تا بهره مند گردیم؟ کی می شود که به سرچشمه های

الرَّوِيَّةَ فَتَرَوِي، مَتَى نَنْتَقِعُ مِنْ عَذْبِ مَائِكَ فَقَدْ طَالَ الصَّدَى مَتَى

برآبت درآئیم و سیراب شویم، کی می شود که سیراب گردیم از آب وصل تو که تشنگی ما بداراز کشید کی می شود

نُعَادِيكَ وَنُرَاوِحُكَ، فَنُقِرَّ عَيْنًا، مَتَى تَرَانَا وَنَرِيكَ وَقَدْ نَشَرْتِ لِي وَاءَ

که صبح و شام را با تو بسر بریم و دیده روشن کنیم، کی می شود که تو ما را ببینی و ما تو را بینیم و پرچم

النَّصْرِ تُرَى، أَتَرَانَا نَحْفُ بِكَ وَأَنْتِ تَأْمُ الْمَلَأَ، وَقَدْ مَلَأْتَ الْأَرْضَ

نصرت را برافراشته باشی و مردم آن را مشاهده کنند، آیا می شود که ما ببینیم آن روزی که ما گرداگردت را گرفته و نور هبر مردم باشی

عَدْلًا، وَأَذَقْتَ أَعْدَائِكَ هَوَانًا وَعِقَابًا، وَأَبْرَتِ الْعُتَاةَ وَجَحْدَةَ الْحَقِّ،

و زمین را پر از عدل و داد کنی و بیچشانی به دشمنان خواری و کیفر را و نابود کنی سرکشان و منکران حق را

وَقَطَعْتَ دَابِرَ الْمُتَكَبِّرِينَ، وَاجْتَشَشْتَ أَصُولَ الظَّالِمِينَ، وَنَحْنُ نَقُولُ

و بزنی ریشه گردنکشان را و برکنی اساس ستمکاران را و ما بگوئیم:

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ أَنْتَ كَشَّافُ الْكُرْبِ وَالْبَلْوَى وَإِلَيْكَ

ستایش خاص خدا پروردگار جهانیان است خدایا تویی برطرف کننده گرفتاریها و بلا و از تو

أَسْتَعْدِي فَعِنْدَكَ الْعَدْوَى، وَأَنْتَ رَبُّ الْأَخِرَةِ وَالْأُولَى

دادرسی و یاری جویم که در نزد تو است دادخواهی و یاری و تویی پروردگار آخرت و دنیا

فَاغِثْ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ، عُبَيْدَكَ الْمُبْتَلَى، وَارِهِ سَيِّدَهُ يَا

پس فریاد رسی کن ای فریادرس درماندگان از بنده خرد گرفتارت، و بنمایان به او آفایش را

شَدِيدَ الْقُوَى، وَأَزِلُّ عَنْهُ بِهِ الْأَسَى وَالْجَوَى، وَبَرَدٌ غَلِيلُهُ يَا مَنْ

ای سخت نیرو و زائل کن به دیدار آن حضرت از او اندوه و سوز دلش را و فرو نشان سوز عطشش را ای ک

عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى، وَمَنْ إِلَيْهِ الرَّجْعِي وَالْمُنْتَهَى، اللَّهُمَّ وَنَحْنُ

ه بر عرش استواری و ای که بسوی او است بازگشت و سر منزل هر چیز خدایا و ما هم

عَبِيدُكَ التَّائِقُونَ إِلَى وَلِيِّكَ الْمَذْكُورِ بِكَ وَبِنَبِيِّكَ، خَلَقْتَهُ لَنَا

بندگان تو که شیفته دیدار نماینده ات هستیم آنکه مردم را به یاد تو و به یاد پیامبرت اندازد و تو او را آفریدی

عِصْمَةً وَمَلَاذًا، وَأَقَمْتَهُ لَنَا قِوَامًا وَمَعَاذًا، وَجَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ

که نگهدار و پشتیبان ما باشد و برپایش داشتی تا قوام و پناهگاه ما باشد و او را پیشوای مؤمنین

مِنَّا إِمَامًا، فَبَلِّغْهُ مِنَّا تَحِيَّةً وَسَلَامًا، وَزِدْنَا بِذَلِكَ يَا رَبِّ إِكْرَامًا،

از ما گردانی پس برسان به آن جناب از طرف ما تحیت و سلامی و بیفزای بدینوسیله ای پروردگار ما بر کرامت

وَاجْعَلْ مُسْتَقَرَّهُ لَنَا مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا، وَآتِنَا نِعْمَتَكَ بِتَقْدِيمِكَ

و مقام ما و جایگاه او را جایگاه و اقامتگاه ما قرار ده و کامل کن نعمتت را بر ما به مقدم داشتن آن بزرگوار

إِيَّاهُ أَمَامَنَا، حَتَّى تُورِدَنَا جَنَّاتِكَ، وَمُرَافَقَةَ الشُّهَدَاءِ مِنْ خُلَصَائِكَ،

را در پیش روی ما تا ما را به بهشتهای تو در آورد و به رفاقت (و هم نشینی) شهیدان از بندگان خالصت برساند

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ جَدِّهِ وَ

خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و درود فرست بر محمد جسد بزرگوار او

رَسُولِكَ السَّيِّدِ الْأَكْبَرِ، وَعَلَى عَلِيِّ أَبِيهِ السَّيِّدِ الْأَصْغَرِ وَجَدَّتِهِ

و رسول تو آن آقای بزرگ و بر علی پدر بزرگوارش آن آقای کوچکتر و بر جسدش

الصِّدِّيقَةِ الْكُبْرَى، فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ، وَعَلَى مَنْ اصْطَفَيْتَ مِنْ

صدیقه کبری فاطمه دختر محمد و بسو برگزیدگان نیک رفتار

آبَائِهِ الْبَرَّةِ، وَعَلَيْهِ أَفْضَلُ وَأَكْمَلُ وَأَدْوَمُ وَأَكْثَرُ وَأَوْفَرُ مَا

از پدران آن حضرت و بر خود آن جناب فروزترین و کاملترین و تسماترین و مدامترین و بیشترین و فراوانترین

صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَصْفِيَاءِكَ، وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَصَلِّ عَلَيْهِ

درودی که بفرستی بر یکی از برگزیدگان و نیکان از خلق خود و درود فرست بر آن جناب

صَلْوَةً لَا غَايَةَ لِعَدَدِهَا، وَلَا نِهَايَةَ لِمَدَدِهَا، وَلَا نَفَادَ لِأَمَدِهَا، اَللّٰهُمَّ

درودی که شماره اش بی حد و مدتش بی نهایت و تمام نشدنی باشد خدایا

وَاقِمْ بِهِ الْحَقَّ، وَادْحِضْ بِهِ الْبَاطِلَ، وَادِلْ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ، وَادْلِلْ بِهِ

حق را بوسیله آن حضرت برپا دار و باطل را بدمت نابود گردان و دوستانت را بوسیله اش به دولت رسان و

أَعْدَاءَكَ، وَصَلِّ اَللّٰهُمَّ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ وَصَلَّةً تُؤَدِّي اِلَى مُرَافَقَةِ سَلْفِهِ،

دشمنانت را بدمت او خوار گردان و بیوند کن خدایا میان ما و او را به بیوندی که برساند ما را به رفاقت پدران گذشته او

وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَأْخُذُ بِحُجْرَتِهِمْ، وَيَمْكُثُ فِي ظِلِّهِمْ، وَاعِنَّا عَلَى تَادِيَةِ

و بگردان ما را از کسانی که دامن آنها را بگیرند و در سایه لطف آنها بایستند و کمکمان کن بر ادای

حُقُوقِهِ اِلَيْهِ، وَالْاِجْتِهَادِ فِي طَاعَتِهِ، وَاجْتِنَابِ مَعْصِيَتِهِ وَامْنِ عَلَيْنَا

حقوق آن حضرت و سعی و کوشش در فرمانبرداریش و دوری از نافرمانیش و منت نه بر ما

بِرِضَاهُ، وَهَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ وَرَحْمَتَهُ وَدُعَاةَهُ وَخَيْرَهُ، مَا نَنَالُ بِهِ سَعَةً

به خوشنودیش و ببخش بر ما رأفت و مهربانی و دعا و خیر آن حضرت را بدان حد که برسیم بدان وسیله

مِنْ رَحْمَتِكَ، وَفَوْزًا عِنْدَكَ، وَاجْعَلْ صَلَوَاتِنَا بِهِ مَقْبُولَةً، وَذُنُوبَنَا بِهِ

به رحمت وسیع تو و به کامیابی از نزد تو و بگردان نمازهای ما را بوسیله او پذیرفته و گناهانمان را

مَغْفُورَةً وَدُعَائِنَا بِهِ مُسْتَجَابًا، وَاجْعَلْ اَرْزَاقَنَا بِهِ مَبْسُوطَةً، وَ

آمرزیده و دعاهایمان را مستجاب شده و قسرا ده روزیهای ما را بدان حضرت گسترده و

هُمُومَنَا بِهِ مَكْفِيَةً، وَحَوَائِجَنَا بِهِ مَقْضِيَةً، وَاقْبَلْ اِلَيْنَا بِوَجْهِكَ

اندوهای ما را بوسیله اش برطرف شده و حاجت‌هایمان را روا شده و رو کن بسوی ما (پروردگارا) بدان روی

الْكَرِيمِ، وَاقْبَلْ تَقَرُّبَنَا اِلَيْكَ، وَانْظُرْ اِلَيْنَا نَظْرَةَ رَحِيْمَةٍ، نَسْتَكْمِلُ

بزرگواریت و بپذیر تقرب جوئی ما را بدرگاہت و بنگر بسوی ما به نگاهی مهربانانه تا بدان وسیله بتوانیم



بِهَا الْكِرَامَةَ عِنْدَكَ. ثُمَّ لَا تَصْرِفْهَا عَنَّا بِجُودِكَ. وَاسْقِنَا مِنْ حَوْضِ

مقام خود را در پیش تو به کمال رسانیم، و دیگر آن مقام را از ما باز نگردان به جود خودت و سیرابان کن از حوض

جَدِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِكَأْسِهِ وَيَدِيهِ. رِيًّا رَوِيًّا هَنِيئًا سَائِغًا.

جدش - که درود خدا بر او و آتش باد - از جام او و بدست آن جناب و سیر و سیراب و گوارا و خوش که

لَا ظَمًا بَعْدَهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

تنشگی پس از آن نباشد ای مهربانترین مهربانان

پس نماز زیارت بجا می آوری به نحوی که گذشت و دعا

می کنی به آنچه خواهی که به اجابت خواهد رسید ان شاء الله.

امر دوم زیارتی است که هر روز بعد از نماز صبح مولای ما

صاحب الزمان علیه السلام به آن زیارت کرده می شود و آن زیارت

این است:

زیارت حضرت بعد از نماز صبح

اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَايَ صَاحِبِ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ. عَنْ جَمِيعِ

خدایا برسان به مولای من حضرت صاحب الزمان - که درودهای تو بر او باد - از طرف همه

الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا.

مردان و زنان با ایمان که در شرقها و غربهای زمینند و در خشکی

وَسَهْلِهَا وَجَبَلِهَا، حَيِّهِمْ وَمَيِّتِهِمْ، وَعَنْ وَالِدَيْهِ وَوَلَدَيْهِ وَعَنْ

و دریا هستند و در همواری زمین و کوهند، زنده شان و مرده شان و از طرف پدر و مادر و فرزندان و خود من

مِنَ الصَّلَوَاتِ وَالتَّحِيَّاتِ زِنَةَ عَرْشِ اللَّهِ وَمِدَادَ كَلِمَاتِهِ. وَمُنْتَهَى

درودها و تحیتانی هموزن عرش خدا و به شماره کلمات و سخنان و نهایت مرتبه

رِضَاهُ. وَعَدَدَ مَا أَحْصَاهُ كِتَابُهُ وَأَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ. اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اُجِدُّ

خوشنودیش و به شماره آنچه برشمرده است آن را دفتر و کتابش و احاطه دارد بدان دانشش خدایا من نومی کنم

لَهُ فِى هٰذَا الْيَوْمِ وَفِى كُلِّ يَوْمٍ. عَهْدًا وَعَقْدًا وَبَيْعَةً فِى رَقَبَتِى. اَللّٰهُمَّ

بسرای آن جناب در این روز و در هر روز عهد و پیمان و بیعتی را در گردنم

كَمَا شَرَّفْتَنِىْ بِهٰذَا التَّشْرِيفِ. وَفَضَّلْتَنِىْ بِهٰذِهِ الْفَضِيلَةِ. وَخَصَّصْتَنِىْ

چنانچه مرا مفتخر ساختی بدین افتخار و برتریم دادی به این فضیلت و مخصوصم داشتی

بِهٰذِهِ النِّعْمَةِ. فَصَلِّ عَلٰى مَوْلَاىْ وَسَيِّدِىْ صَاحِبِ الزَّمَانِ. وَاجْعَلْنِىْ

بدین نعمت پس درود فرست بر مولا و آقایم حضرت صاحب الزمان و قرارم ده

مِنْ اَنْصَارِهِ وَاشْيَاعِهِ وَالدَّابِّينَ عَنْهُ. وَاجْعَلْنِىْ مِنَ الْمُسْتَشْهِدِينَ

از یاران و پیروان و دفاع کنندگان آن حضرت و بگردانم از شهادت یافتگان

بَيْنَ يَدَيْهِ. طَائِعًا غَيْرَ مُكْرَهٍ فِى الصَّفِّ الَّذِى نَعَتَ اَهْلَهُ فِى كِتَابِكَ.

در پیش رویش از روی میل و رغبت بدون اکراه و ناراحتی در آن صفی که اهل آن را در کتاب خود (قرآن) توصیف کرده

فَقُلْتُ صَفًّا كَانَهُمْ بِنْيَانِ مَرْصُوصٌ. عَلٰى طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُوْلِكَ

و فرمودی: «صفی که گویا بنائی استوارند» در راه فرمانبرداری تو و فرمانبرداری رسول تو

وَ اٰلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. اَللّٰهُمَّ هٰذِهِ بَيْعَةٌ لَّهٗ فِى عُنُقِىْ اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ.

و آل رسول - که بر تمامی آنها سلام باد - خدایا این بیعتی است از آن جناب در گردن من تا روز قیامت

مؤلف گوید که علامه مجلسی در بحار فرموده که من در بعض

کتب قدیمه دیده‌ام که بعد از این زیارت دست راست را به دست

چپ بزند مثل زدن در بیعت و بدان نیز که ما در اعمال سرداب

مقدس چهار زیارت نقل کردیم و این زیارت، زیارت پنجم کتاب

ما محسوب می‌شود و در باب اول در ذکر زیارات حجج طاهره در

ایام هفته زیارتی نیز برای آن حضرت نقل کردیم که در روزهای

جمعه به آن نیز زیارت کرده شود. امر سیم دعای عهد است، از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که چهل صباح این عهد را بخواند از یاوران قائم ما باشد و اگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد خدا او را از قبر بیرون آورد که در خدمت آن حضرت باشد و حق تعالی به هر کلمه هزار حسنه او را کرامت فرماید و هزار گناه از او محو کند و آن عهد این است:

دعای عهد

اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ، وَرَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ، وَرَبَّ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ،

خدایا ای پروردگار نور بزرگ و پروردگار کرسی بلند و پروردگار دریای جوشان

وَمُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ، وَرَبَّ الظِّلِّ وَالْحُرُورِ، وَمُنْزِلَ

و فرود فرستنده تورات و انجیل و زبور و پروردگار سایه و آفتاب داغ و فرو فرستنده

الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ، وَرَبَّ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَالْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ،

قرآن بزرگ و پروردگار فرشتگان مقرب و پیامبران و مرسلین

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَبِنُورِ وَجْهِكَ الْمُنِيرِ، وَمُلْكِكَ

خدایا از تو خواهم به ذات بزرگوارت و به نور جمال تابانت و فرمانروائی

الْقَدِيمِ، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ بِهِ السَّمَاوَاتُ

دیرینهات ای زنده ای پاینده از تو خواهم بدان نامت که روشن شد بدان آسمانها

وَالْأَرْضُونَ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي يَصْلَحُ بِهِ الْأَوْلُونَ وَالْآخِرُونَ، يَا حَيًّا

و زمینها و بدان نامت که صالح و شایسته گشتند بدان پیشینیان و پسینیان ای زنده

قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ وَيَا حَيًّا بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ، وَيَا حَيًّا حِينَ لَا حَيٍّ يَا مُحْيِيَ الْمَوْتَى

پیش از هر موجود، و ای زنده پس از هر موجود زنده و ای زنده در آن هنگام که

و مُمِيتَ الْأَحْيَاءِ يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ. اَللّٰهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا الْإِمَامَ

زنده‌ای وجودنداشت‌ای زنده کن مردگان و ای میراننده زندگان ای زنده‌ای که معبودی جز تو نیست خدایا برسان به مولای ما آن امام

الْهَادِي الْمَهْدِي الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ. صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ

راهنمای راه یافته و قیام کننده به فرمان تو - که درودهای خدا بر او و پدران پاکش باد -

الظَّاهِرِينَ، عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ

از طرف همه مردان و زنان ایمان در شرقهای زمین

و مَغَارِبِهَا. سَهْلِهَا وَجَبَلِهَا وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا. وَعَنْيَ وَعَنْ وَالِدَيْ

و غربهای آن هموار آن و کوهش، خشکی آن و دریایش، و از طرف من و پدر و مادرم

مِنَ الصَّلَوَاتِ زِنَةَ عَرْشِ اللَّهِ. وَمِدَادَ كَلِمَاتِهِ، وَمَا أَحْصَاهُ عِلْمُهُ وَ

درودهایی هموزن عرش خدا و شماره کلمات و سخنان او و آنچه را دانشش احصاء کرده و

أَحَاطَ بِهِ كِتَابُهُ. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أُجَدِّدُ لَهُ فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هَذَا وَمَا عِشْتُ

کتاب و دفترش بدان احاطه دارد خدایا من تازه می‌کنم در بامداد این روز و هر چه زندگی کنم

مِنْ أَيَّامِي، عَهْدًا وَعَقْدًا وَبَيْعَةً لَهُ فِي عُنُقِي، لَا أَحُولُ عَنْهَا وَلَا

از روزهای دیگر عهد و پیمان و بیعی برای آن حضرت در گردنم که هرگز از آن سر نه‌پیچم

أَزُولُ أَبَدًا، اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ، وَالذَّابِّينَ عَنْهُ.

و دست نکشم هرگز، خدایا فرار ده مرا از یاران و کمک کارانش و دفاع کنندگان از او

و الْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ، وَالْمُمْتَثِلِينَ لِأَوْامِرِهِ،

و شتابندگان بسوی او در برآوردن خواسته‌هایش و انجام دستورات و اوامرش

و الْمُحَامِلِينَ عَنْهُ، وَالسَّابِقِينَ إِلَى إِرَادَتِهِ وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ،

و مسدافین از آن حضرت و پیشی گیرندگان بسوی خواسته‌اش و شهادت یافتگان پیش رویش

اَللّٰهُمَّ إِنَّ حَالَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ حَتْمًا

خدایا اگر حائل شد میان من و او آن مرگی که قرار داده‌ای آن را بر بندگانت حتمی

مَقْضِيًّا، فَأَخْرَجَنِي مِنْ قَبْرِي مُؤْتَرًّا كَفَنِي، شَاهِرًا سَيْفِي، مُجْرِدًا قِنَاتِي.

و مقرر پس بیرونم آراز گورم کفن به خود پیچیده با شمشیر آخته و نیزه برهنه

مُلْتَبِيًّا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَالْبَادِي، اَللّٰهُمَّ اَرِنِي الظَّلْعَةَ الرَّشِيْدَةَ،

باسخ گویبان به ندای آن خواننده بزرگوار در شهر و بادیه خدایا بنمایان به من آن جمال ارجمند

وَالغُرَّةَ الْحَمِيْدَةَ، وَاكْحُلْ نَاظِرِي بِنَظْرَةٍ مِّنِّي اِلَيْهِ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُ،

و آن پیشانی نورانی پسندیده را و سرمه وصال دیدارش را به یک نگاه به دیده ام بکش و شتاب کن در ظهورش

وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ، وَاَوْسِعْ مَنَهْجَهُ، وَاَسْأَلُكَ بِمَحَبَّتِهِ وَاَنْفِذْ اَمْرَهُ،

و آسان گردان خروجش را و وسیع گردان راهش را و مرا به راه او در آور و دستورش

وَأَشِدُّ اَزْرَهُ، وَاَعْمُرِ اللّٰهُمَّ بِهٖ بِلَادَكَ، وَاَحْيِ بِهٖ عِبَادَكَ، فَاِنَّكَ

را نافذ گردان و پشتش را محکم کن و آباد گردان خدایا بدست او شهرها و بلاد را و زنده گردان بوسیله اش بندگانت را

قُلْتَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ، ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ

زیرا که تو فرمودی و گفته ات حق است (که فرمودی): آشکار شد تبه کاری در خشکی و دریا بخاطر کرده های

اَيْدِي النَّاسِ، فَاظْهَرِ اللّٰهُمَّ لَنَا وَاِلَيْكَ وَاِبْنِ بِنْتِ نَبِيِّكَ الْمُسَمَّى بِاسْمِ

مردم، پس آشکار کن برای ما خدایا نماینده ات را و فرزند دختر پیامبرت که منام

رَسُوْلِكَ، حَتَّى لَا يَظْفَرَ بِشَيْءٍ مِّنَ الْبَاطِلِ الْاَمْرَ قَهُ، وَيُحِقِّ الْحَقَّ

رسول تو است تا دست نیابد به هیچ باطلی جز آنکه از هم بدراند و پابرجا کند حق را

وَيُحَقِّقَهُ، وَاَجْعَلْهُ اللّٰهُمَّ مَفْرَزًا عَالِمِ الظُّلْمِ عِبَادِكَ، وَنَاصِرًا لِّلْمَنِ لَا يَجِدُ

و ثابت کند آن را و بگردان آن بزرگوار را خدایا پناهگاه ستم بدگان بندگانت و یاور کسی که جز تو

لَهُ نَاصِرًا غَيْرَكَ، وَمُجِدِّدًا لِّمَا عَطِلَ مِنْ اَحْكَامِ كِتَابِكَ، وَمُشِيْدًا لِّمَا

یآوری برایش یافت نشود و تازه کننده آن احکامی که از کتاب تو تعطیل مانده و محکم کننده آنچه

وَرَدَ مِنْ اَعْلَامِ دِيْنِكَ، وَسُنَنِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ، وَاَجْعَلْهُ

رسیده از نشانه های دین و آئینت و دستورات پیامبرت صلی الله علیه و آله و قسارارش ده

اللَّهُمَّ مَنِّ حَصْنَتَهُ مِنْ بَأْسِ الْمُعْتَدِينَ اللَّهُمَّ وَسِّرَ نَبِيِّكَ مُحَمَّدًا

خدایا از آنانکه نگاهش داری از صولت و حمله زورگویان خدایا شاد گردان (دل) پیامبرت محمد

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِرُؤْيَيْتِهِ، وَمَنْ تَبِعَهُ عَلَى دَعْوَتِهِ، وَارْحَمْ

الله علیه و آله را به دیدارش و هم چنین هم که در دعوتش از آن حضرت پیروی کرد و رحم کن

اسْتِكَانَتْنَا بَعْدَهُ، اللَّهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ الْغُمَّةَ عَنِ هَذِهِ الْأُمَّةِ

صلی به بیچارگی ما پس از آن حضرت، خدایا بگشا این اندوه را از این امت

بِحُضُورِهِ، وَعَجِّلْ لَنَا ظُهُورَهُ، إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا وَنَرِيهِ قَرِيبًا

به حضور امام زمان و شتاب کن برای ما در ظهور آن جناب که اینان ظهورش را دور پندارند ولی ما نزدیک می بینیم

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

به مهرت ای مهربانترین مهربانان

۱۱۴

پس سه مرتبه دست بر ران راست خود می زنی و در هر مرتبه می گویی: «الْعَجَلُ الْعَجَلُ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ». امر چهارم سید بن طاوس فرموده که چون خواستی مرخص شوی از حرم شریف آن حضرت برگرد بسوی سرداب منیف و نماز کن در آن هر چه بخواهی پس بایست رو به قبله و بگو اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَنَّا وَلِيَّكَ وَآلِكَ و این دعا را تا به آخر ذکر نموده آنگاه فرموده پس بخوان خدا را بسیار و برگرد با سعادت انشاءالله تعالی. مؤلف گوید که شیخ در مصباح این دعا را در اعمال روز جمعه از حضرت امام رضا علیه السلام نقل کرده و ما نیز این دعا را به نحویکه شیخ از آن حضرت نقل کرده نقل می نمایم. فرموده روایت کرده یونس بن عبدالرحمن که حضرت امام رضا علیه السلام امر می فرمودند به دعا کردن از برای حضرت صاحب الأمر علیه السلام به این دعا:

دعای امام رضا (ع) برای حضرت صاحب الامر (ع)

اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَنِّي وَلِيَّكَ وَخَلِيفَتِكَ. وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ. وَلِسَانِكَ

خدایا دور کن (هر بلائی را) از نماینده و خلیفه‌ات و حجت تو بر آفریدگانت و زبان گویایت

الْمُعَبَّرِ عَنكَ، النَّاطِقِ بِحُكْمَتِكَ وَعَيْنِكَ النَّاطِرَةِ بِإِذْنِكَ، وَشَاهِدِكَ

و سخن گوینده به حکمتت و دیده بینای تو به اذن خودت و گواه تو

عَلَى عِبَادِكَ، الْمُجْحَجَّاجِ الْمُجَاهِدِ، الْعَائِدِ بِكَ، الْعَابِدِ عِنْدَكَ،

بر بندگانت آن بزرگ مرد مجاهد و پناهنده به تو و پرستش کننده در نزد تو،

وَأَعِدُّهُ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ مَا خَلَقْتَ، وَبَرَأْتَ وَأَنْشَأْتَ وَصَوَّرْتَ،

پساهش ده از شر تمام آنچه آفریده و خلق کردی و پدید آوردی و صورت بخشیدی

وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ، وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ

و نگهداریش کن از پیش رویش و از پشت سرش و از طرف راستش

وَمِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ، بِحِفْظِكَ الَّذِي لَا يَضِيعُ مَنْ حَفِظْتَهُ بِهِ،

و از سمت چپش و از بالای سر و از زیر پایش به نگهداری خودت که تباہ نگردد هر که را بداند

وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَآبَاءَهُ أَيْمَتَكَ وَدَعَائِمَ دِينِكَ، وَاجْعَلْهُ

نگهداری کنی و نگهداری کن در وجود او (و بوسیله آن حضرت) پیامبرت و پدران او که پیشوایان و پایه‌های دین تو هستند و قرار ده

فِي وَدِيعَتِكَ الَّتِي لَا تَضِيعُ، وَفِي جِوَارِكَ الَّذِي لَا يُخْفَرُ، وَفِي مَنَعِكَ

آن حضرت را در سپرده خودت که چیزی در آن ضایع نگردد و در جوار تو که قرقش شکسته نشود

وَعِزِّكَ الَّذِي لَا يُقْهَرُ، وَآمِنَهُ بِأَمَانِكَ الْوَثِيقِ الَّذِي لَا يُخْذَلُ

و در حفظ و عزت خودت که مضمحل کسی نگردد و ایمن دار او را به امان محکم که هر که را بداند ایمن کردی خوار نگردد و

مَنْ آمَنَتْهُ بِهِ، وَاجْعَلْهُ فِي كَنَفِكَ الَّذِي لَا يُرَامُ مَنْ كَانَ فِيهِ، وَأَنْصُرْهُ

در کنف حمایت خودت قرارش ده که هر که در آن بود مسورد دستبرد کسی واقع نگردد

بِنَصْرِكَ الْعَزِيزِ، وَآيِدُهُ بِجُنْدِكَ الْغَالِبِ، وَقُوَّةِ بِقُوَّتِكَ، وَآرَدَفُهُ

و یاریش کن به یاری نیرومندی و کمکش کن به لشکر پیروزمندی و نیرومندیش کن به نیرویست

بِمَلَائِكَتِكَ وَوَالٍ مَنْ وَالِ الْاِلهِ، وَعَادٍ مَنْ عَادَاهُ وَالْبَيْسَهُ دِرْعَكَ

و فرشتگانت را پشت سرش بدار و دوست دار دوستدارش را و دشمن دار دشمنش را و پوشان به برش

الْحَصِيْنَةَ وَحُفَّهُ بِالْمَلَائِكَةِ حَفًّا، اَللّٰهُمَّ اشْعَبْ بِهِي الصَّدْعَ، وَارْتُقْ بِهِي

زره محکم را و گرداگردش فرشتگانت را بطور منظم بدار خدایا ترمیم کن بوسیله اش شکستگی (دین) را و پیوست کن

الْفَتْقَ، وَامْتٌ بِهِي الْجَوْرَ، وَاطْهَرْ بِهِي الْعَدْلَ، وَزَيْنٌ بِطَوْلِ بَقَائِهِ الْاَرْضَ،

بوسیله اش گسیختگی را و بمیران بدستش ستم را و نمایان کن بوسیله اش عدالت را و زینت ده به درازی عمرش زمین را

وَآيِدُهُ بِالنَّصْرِ، وَانْصُرْهُ بِالرَّعْبِ، وَقَوْنَا صِرِيهِ، وَاخْذُلْ خَاذِلِيهِ،

و کمکش کن به یاری خود و یاریش کن به ایجاد رعب (او در دل دشمنان) و نیرومند کن یاورش را و خوار گردان

وَدَمْدِمٌ مَنْ نَصَبَ لَهُ، وَدَمَّرٌ مَنْ غَشَّهٗ، وَاقْتُلْ بِهِي جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ،

خودداری کننده از یاریش را بوجه هلاکت رسان و نابود کن کسی که به او خیانت کند و بکش بدست او گردنکشان کفر و استوانه ها

وَعُمْدَهُ وَدَعَائِمَهُ وَاقْصِمْ بِهِي رُؤْسَ الضَّلَالَةِ، وَشَارِعَةَ الْبِدْعِ،

و پایه های آن را و بشکن بوسیله آن حضرت (شوکت) رؤسای گمراهی و بدعت گذاران و آنانکه

و مُمِيْتَةَ السُّنَّةِ وَمُقَوِّيَةَ الْبَاطِلِ، وَذَلِّلْ بِهِي الْجَبَّارِيْنَ، وَابْرٌ

آئین اسلام را نابود کرده و باطل را تقویت کنند و خوار کن بدستش گردنکشان را و ریشه کن ساز

بِهِي الْكَافِرِيْنَ وَجَمِيْعَ الْمُلْحِدِيْنَ، فِي مَشَارِقِ الْاَرْضِ وَمَغَارِبِهَا

بوسیله آن جناب کافران و تمام بی دینان را در شرقهای زمین و غربهای آن

وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا، وَسَهْلِهَا وَجَبَلِهَا، حَتَّى لَا تَدْعَ مِنْهُمْ دِيَّارًا،

و خشکی و دریای آن و سرزمینهای هموار و کسوه آن تا آنجا که فردی از آنها

وَلَا تُبْقَى لَهُمْ اَثَارًا، اَللّٰهُمَّ طَهِّرْ مِنْهُمْ بِلَادَكَ، وَاشْفِ مِنْهُمْ عِبَادَكَ،

باقی نگذاری و اثری از ایشان بجای نگذاری خدایا پاک کن از وجود آنها شهرها و بلاد را و شفا ده به نابودیشان دل بندگانت را

وَاعِزَّ بِهِ الْمُؤْمِنِينَ، وَأَخِي بِهَيْسَانِ الْمُرْسَلِينَ، وَدَارِسَ حُكْمِ النَّبِيِّينَ،

و عزت بخش بدان وسیله مؤمنان را و زنده کن بوسیله آن جناب آئین پیبران مرسل و احکام کهنه پیبران را

وَ جَدِّدْ بِهِ مَا امْتَحَى مِنْ دِينِكَ، وَ بَدِّلْ مِنْ حُكْمِكَ، حَتَّى تُعِيدَ دِينَكَ

و تازه کن بوسیله اش آنچه محو گشته از دینت و تغییر یافته از فرمانت تا اینکه باز گردد دین تو

بِهِ، وَ عَلَى يَدَيْهِ جَدِيدًا غَضًّا مَحْضًا صَاحِبًا لِعَوَجٍ فِيهِ، وَ لَا بَدْعَةَ

بوسیله او و بدست آن جناب تر و تازه و خالص و صحیح که اعوجاجی در آن نباشد و بدعتی

مَعَهُ، وَ حَتَّى تُنِيرَ بَعْدَلِهِ ظُلَمَ الْجَوْرِ، وَ تُطْفِئَ بِهِ نيرانَ الْكُفْرِ، وَ

میرایش نباشد و تا اینکه روشن گردد بوسیله عدالتش تاریکیهای بیدادگری و خاموش گردد بوسیله اش آتشیهای کفر و

تُوضِحَ بِهِ مَعَاقِدَ الْحَقِّ، وَ مَجْهُولَ الْعَدْلِ، فَإِنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِي

آشکارا گردد بدان جناب مشکلات و گره های حق و موارد مجهول عدل و داد زیرا که او آن بنده بزرگوار تو است

اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ، وَ اصْطَفَيْتَهُ عَلَى غَيْبِكَ وَ عَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ،

که انتخابش کردی برای خودت و برگزیدیش برای جریانات غیب (و پس برده) خود و نگاهش داشتی از گناهان

وَ بَرَّأْتَهُ مِنَ الْعُيُوبِ، وَ طَهَّرْتَهُ مِنَ الرَّجْسِ، وَ سَأَمْتَهُ مِنَ الدَّنَسِ،

و مبرایش گردانیدی از عیوب و پاکش کردی از پلیدی و سالمش داشتی از چرکی

اللَّهُمَّ فَإِنَّا نَشْهَدُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَ يَوْمَ حُلُولِ الظَّامَةِ، أَنَّهُ لَمْ يُذْنِبْ

خدایا ما برای او گواهی دهیم در روز قیامت و روز وقوع آن حادثه بزرگ که برآستی او گناهی مرتکب نشده

ذَنْبًا، وَ لَا آتَى حُوبًا، وَ لَمْ يَرْتَكِبْ مَعْصِيَةً، وَ لَمْ يُضَيِّعْ لَكَ طَاعَةً،

و دست بسته کسار زشتی نسزده و مرتکب معصیتی نشده و هیچ

وَ لَمْ يَهْتِكْ لَكَ حُرْمَةً، وَ لَمْ يُبَدِّلْ لَكَ فَرِيضَةً، وَ لَمْ يُغَيِّرْ لَكَ شَرِيعَةً،

فرمانبرداری تو را وانگذازده و حرمتی را از تو هتک نکرده و واجبی را تغییر نداده و آئینی را به هم نزده

وَ أَنَّهُ الْهَادِي الْمُهْتَدِي الظَّاهِرُ التَّقِيُّ النَّقِيُّ الرَّضِيُّ الرَّكِيُّ، اللَّهُمَّ

و او است راهنمای راه یافته پاک پرهیز کسار بساکنده و زبسن دیده و زبسنده خستدایا

أَعْطَاهُ فِي نَفْسِهِ وَأَهْلِهِ وَوَالِدِهِ، وَذُرِّيَّتِهِ وَأُمَّتِهِ، وَجَمِيعِ رَعِيَّتِهِ مَا

به او عطا کن درباره خودش و درباره خاندان و فرزندان و نژاد و ملت و تمام افراد رعیت (و فرمانبردارانش)

تُقَرِّبُهُ عَيْنَهُ، وَتَسْرُّ بِهِ نَفْسَهُ، وَتَجْمَعُ لَهُ مُلْكُ الْمَمْلَكَاتِ كُلِّهَا.

آنچه دیده‌اش را بدان روشن کنی و دلش را بدان خوشحال گردانی و گردآوری برای او فرمانروائی همه ممالک را

قَرِيبًا وَبَعِيدًا، وَعَزِيزًا وَذَلِيلًا. حَتَّى تُجْرِيَ حُكْمُهُ عَلَى كُلِّ

نزدیک و دورش را و نیرومند و خوارش را تا اینکه حکم و فرمانش را فوق همه حکمها جاری کنی و بوسیله

حُكْمٍ. وَتَغْلِبَ بِحَقِّهِ كُلَّ بَاطِلٍ، اَللّٰهُمَّ اسْأَلُكَ بِنَا عَلَى يَدَيْهِ

آنین حق او هر باطلی را مغلوب گردانی خدا یا ما را و ادا بدست آن بزرگوار به راه

مِنْهَاجِ الْهُدَى وَالْمَحَجَّةِ الْعُظْمَى، وَالطَّرِيقَةِ الْوَسْطَى الَّتِي يَرْجِعُ

روشن هدایت و جاده بزرگ (دیانت) و طریقه مستقیم که باز گردد

إِلَيْهَا الْعَالِي، وَيَلْحَقُ بِهَا التَّالِي، وَقَوْنَا عَلَى طَاعَتِهِ، وَتَبَتَّنَا عَلَى

بدان راه پیش افتاده تندرو و خود را برساند بدان عقب مانده، و نیرویمان ده برای

مُشَايَعَتِهِ، وَآمَنَّا عَلَيْهِ بِمُتَابَعَتِهِ، وَاجْعَلْنَا فِي حَرْبِهِ، الْقَوَّامِينَ بِأَمْرِهِ

فرمانبرداریش و پابرجایمان دار بر پیرویش و منت گذار بر ما به متابعت از آن حضرت و در حزب و گروه او قرارمان ده آنانکه بدستورش

الصَّابِرِينَ مَعَهُ، الطَّالِبِينَ رِضَاكَ بِمُنَاصَحَتِهِ، حَتَّى تَحْشُرَنَا يَوْمَ الْقِيَمَةِ

قیام کنند و با او صبر کنند و در خیر خواهی کردن نسبت به آن جناب طالب رضا و خوشنودی نوی باشند تا اینکه در روز قیامت ما را

فِي أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ، وَمُقَوِّيَةِ سُلْطَانِهِ، اَللّٰهُمَّ وَاجْعَلْ ذَلِكَ لَنَا خَالِصًا

جزء یاران و اعوان او و هم جزء تقویت کنندگان حکومتش محشورمان داری و این کار را بپسرای ما

مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَشُبْهَةٍ، وَرِيَاءٍ وَسُمْعَةٍ، حَتَّى لَا نَعْتَمِدَ بِهِ غَيْرَكَ، وَلَا

از هر شک و شبهه و خودنمایی و شهرت طلبی خالص و بدور گردان تا در این کار به غیر تو اعتماد نداشته

نَطْلُبُ بِهِ إِلَّا وَجْهَكَ وَحَتَّى تَحْلِنَا مَحَلَّهُ، وَتَجْعَلَنَا فِي الْجَنَّةِ مَعَهُ،

و جز رضا و خوشنودی تو چیزی نخواهیم و تا اینکه ما را به جایگاه آن حضرت وارد کنی و جایمان را در بهشت با آن بزرگوار

وَاعِدْنَا مِنَ السَّامَةِ وَالْكَسَلِ وَالْفَتْرَةِ، وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ

قرار دهی و نگاهمان داری از خستگی و کسالت و سستی و ما را از جمله کسانی قرار ده که بدست آنها

لِدِينِكَ وَتُعِزُّ بِهِ نَصْرَ وَلِيِّكَ، وَلَا تَسْتَبْدِلْ بِنَا غَيْرَنَا، فَإِنَّ اسْتِبْدَالَكَ

دینت را باری کنی و شوکتند گردانی بداناتها پیروزی ولی و نماینده خود را و این افتخار را نصیب دیگری

بِنَا غَيْرَنَا عَلَيْكَ يَسِيرٌ، وَهُوَ عَلَيْنَا كَثِيرٌ، اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وُلَاةِ عَهْدِهِ،

غیر از ما ممکن زیرا که برای تو آسان است که دیگران را جای ما بگذاری ولی این کار بر ما بسیار گران و ناگوار است خدا یاد رود فرست

وَالْأَيْمَةَ مِنْ بَعْدِهِ، وَبَلِّغْهُمْ آمَالَهُمْ وَزِدْ فِي آجَالِهِمْ، وَاعِزَّنَا نَصْرَهُمْ،

بر پیمانداران و پیشوایان پس از او و آنان را به آرزوهایشان برسان و عمرشان را طولانی گردان و شوکتند کن پیرویشان را

وَتَمِّمْ لَهُمْ مَا اسْنَدَتِ إِلَيْهِمْ مِنْ أَمْرِكَ لَهُمْ، وَثَبِّتْ دَعَائِمَهُمْ، وَاجْعَلْنَا

و کامل کن برای آنها آنچه از دستورات خود را که به آنها مستند کردی و پایه های (حکومت) آنان را پابرجا کن

لَهُمْ أَعْوَانًا وَعَلَى دِينِكَ أَنْصَارًا، فَإِنَّهُمْ مَعَادِنُ كَلِمَاتِكَ، وَخِرَانُ

و ما را از اعوان او و از یاران دین و آئینت قرار ده زیرا که آنها معادن کلمات (و فرامین) تو و خزینه دارهای

عِلْمِكَ، وَأَرْكَانُ تَوْحِيدِكَ، وَدَعَائِمُ دِينِكَ، وَوُلَاةُ أَمْرِكَ وَخَالِصَتِكَ

دانش تو اند و آنها بنده ارکان یگانه پرستیت و استوانه های دینت و سرپرستان دستورت و زبده های

مِنْ عِبَادِكَ، وَصَفْوَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَأَوْلِيَاءُؤُوكَ، وَسَلَائِلُ أَوْلِيَاءِكَ

از بنده گانت و برگزیدگان از آفریدگانت و بنده گان مقربست و نسزاد دوستانت

وَصَفْوَةُ أَوْلَادِ نَبِيِّكَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِمْ وَعَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ،

و چکیده فرزندان پیامبرت و سلام بر او و بر ایشان و رحمت خدا و برکاتش

ذکر صلوات بر ولی الامر المنتظر علیه السلام
(به نقل از امام حسن عسکری علیه السلام)

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَوَلِيِّكَ وَابْنِ أَوْلِيَاءِكَ، الَّذِينَ فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ.

خدایا درود فرست بر نماینده و فرزند نمایندگان آنانکه فرض و لازم کردی فرمانبرداریشان را

وَأَوْجَبْتَ حَقَّهُمْ، وَأَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَطَهَّرْتَ تَهُمَ تَطْهِيراً، اللَّهُمَّ

و واجب کردی حقشان را و دور کردی از ایشان پلیدی را و به خوبی پاکیزه شان کردی خدایا

انصُرُهُ وَانْتَصِرْ بِهِ لِدِينِكَ وَانصُرْ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ وَأَوْلِيَاءَهُ وَشِيعَتَهُ

یاریش کن و یاری کن به او دین و آئینت را و یاری کن بوسیله او دوستانت را و هم دوستان او و پیروان

وَأَنْصَارَهُ، وَاجْعَلْنَا مِنْهُمْ، اللَّهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ وَطَاغٍ.

و یارانش را و ما را از ایشان قرارمان ده خدایا پناه ده آن جناب را از شر

وَمِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ، وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ.

هر زورگو و سرکشی و از شر تمام آفریدگانت و نگاهش دار از پیش رو و از پشت سرش و از سمت راست و از

وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ، وَاحْرُسْهُ وَأَمْنَعَهُ أَنْ يُوْصَلَ إِلَيْهِ

سمت چپش و نگهداریش کن و جلوگیری کن آن جناب را از اینکه پیش آمد بدی برایش رخ دهد و حفظ کن در

بِسُوِّهِ، وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَآلَ رَسُولِكَ، وَأَظْهَرْ بِهِ الْعَدْلَ

و وجود او پیغامبرت و آل پیغامبرت را و آشکار کن بسود عدل و داد

وَأَيَّدَهُ بِالنَّصْرِ. وَأَنْصُرُ نَاصِرِيهِ. وَأَخَذُلُ خَاذِلِيهِ. وَأَقْصِمُ بِهِ

را و تأییدش کن به یاری (و پیروزی) خود و یاری کن یاورش را و خوار گردان هر که دست از یاریش بردارد و سرکوب کن بدست

جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ. وَأَقْتُلُ بِهِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ. وَجَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ

آن جناب گردنکشان کفر و بی دینی را و بکش بوسیله اش کفار و منافقین و تمام بی دینان

حَيْثُ كَانُوا مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا. وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا

را هر کجا که هستند در شرقهای زمین و غربهای آن و خشکی و دریا

وَأَمْلَأُ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا. وَأُظْهِرُ بِهِ دِينَ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ.

و پرکن بوسیله او زمین را از عدل و داد و آشکار کن بوسیله آن جناب آیین پیامبرت را - که بر او و آلش سلام باد

وَأَجْعَلَنِي اللَّهُمَّ مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ. وَاتَّبَاعِهِ وَشِيعَتِهِ. وَأَرِنِي فِي

و قرار ده خدایا مرا از یاران و کمک کاران و تابعان و شیعیانش و به من بنمایان در مورد خاندان محمد

آلِ مُحَمَّدٍ مَا يَأْمُلُونَ. وَفِي عَدُوِّهِمْ مَا يُحَذِّرُونَ. إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ.

آنچه آرزو دارند و در دشمنانشان آنچه بیم دارند ای معبود به حق - آمین

دعا در غیبت امام زمان علیه السلام

به سند معتبر مروی است که شیخ ابو عمرو و نائب اول امام عصر صلوات الله علیه این دعا را املا فرمود به ابو علی محمد بن همام و امر فرمود او را که آن را بخواند و سید بن طاوس در جمال الاسبوع بعد از ذکر دعاهای وارده بعد از نماز عصر جمعه و صلوات کبیره این دعا را ذکر کرده و فرموده و اگر برای تو عذری باشد از جمیع آنچه ذکر کردیم پس حذر کن از آنکه مهمل گذاری خواندن این دعا را پس بدرستی که ما شناختیم این را از فضل خداوند جل جلاله که مخصوص فرموده ما را به آن پس اعتماد کن به آن و آن دعا این است:

اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ، فَإِنَّكَ إِن لَّمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ، لَمْ أَعْرِفْ رَسُولَكَ،

خدایا خود را به من بشناسان زیرا اگر تو خود را به من نشناسانی من پیامبرت را نخواهم شناخت

اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِن لَّمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ،

خدایا پیامبرت را به من بشناسان که اگر پیامبرت را به من نشناسانی حجت تو را نخواهم شناخت

اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ، فَإِنَّكَ إِن لَّمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ، ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي

خدایا بشناسان به من حجت خود را که اگر حجت را به من نشناسانی از دینم گمراه گردم

صحیفه مهدی

اللَّهُمَّ لَا تُمِتْنِي مِيتَةً جَاهِلِيَّةً، وَلَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي

خدایا نیران مرا به مرگ دوران جاهلیت و منحرف مساز دلم را پس از اینکه هدایت کردی

اللَّهُمَّ فَكَمَا هَدَيْتَنِي لِوِلَايَةِ مَنْ فَرَضْتَ عَلَيَّ طَاعَتَهُ مِنْ وِلَايَةِ

خدایا هم چنانکه راهنمائیم کردی به فرمانبرداری کسی که اطاعتش را بر من واجب کردی

وُولاةِ أَمْرِكَ بَعْدَ رَسُولِكَ، صَلِّ وَأُتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، حَتَّى وَالْيَتِّ

از آن کارداران تو که پس از پیامبرت - که درودهای تو بر او و آلش باد - آمدند تا به راهنمایی تو من زمامداری فرمانداریت را پذیرم

وُولاةِ أَمْرِكَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ، وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ

که آنسان (عبارتتست از) امیر مؤمنان علی بن ابیطالب و حسن و حسین

وَعَلِيًّا وَمُحَمَّدًا وَجَعْفَرًا وَمُوسَى، وَعَلِيًّا وَمُحَمَّدًا، وَعَلِيًّا

و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی

وَالْحَسَنَ، وَالْحُجَّةَ الْقَائِمَ الْمَهْدِيَّ صَلِّ وَأُتِكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.

و حسن و حجت قائم مهدی - که درودهای تو بر همگی ایشان باد -

اللَّهُمَّ فَثَبِّتْنِي عَلَى دِينِكَ، وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ، وَلِيِّنْ قَلْبِي لِوَلِيِّ

خدایا مرا ثابت قدم بندار بر دین خودت و بکار فرمانبرداریت و ادا کنم و دلم را برای (فرمانبرداری) ولایت نرم گردان

أَمْرِكَ وَعَافِنِي مِمَّا امْتَحَنْتَ بِهِ خَلْقَكَ، وَثَبِّتْنِي عَلَى طَاعَةِ وَكِ

و معافم دار از آنچه خلق خود را بدان آزمودی و پابرجایم بندار بر اطاعتت زمامداریت

أَمْرِكَ الَّذِي سَتَرْتَهُ عَن خَلْقِكَ، وَبِإِذْنِكَ غَابَ عَن بَرِيَّتِكَ، وَأَمْرِكَ

آن بزرگواری که از خلق خود او را پوشانیدی و به اذن خودت او را از دیده آفریدگانت پنهان کردی و

يَنْتَظِرُ، وَأَنْتَ الْعَالِمُ غَيْرُ الْمَعْلَمِ بِالْوَقْتِ الَّذِي فِيهِ صَلَاحُ

او چشم به راه فرمان تو است و تویی دانا - بی آنکه کسی به تو خبر داده باشد - بدان وقتی که در آن صلاح

أَمْرٍ وَرَيْتِكَ، فِي الْأُذُنِ لَهُ بِإِظْهَارِ أَمْرِهِ، وَكَشَفِ سِتْرِهِ فَصَبِّرْنِي

ولی تو است که به او اجازه دهی برای آشکار ساختن کارش و کنار زدن پرده اش پس به من صبری

عَلَىٰ ذَٰلِكَ حَتَّىٰ لَا أَحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ، وَلَا تَأْخِيرَ مَا

بر این جریان عطا کن که دوست نداشته باشم پیش افتادن چیزی را که پس انداختی و پس انداختن چیزی را که

عَجَّلْتَ، وَلَا كَشْفَ مَا سَتَرْتَ، وَلَا الْبَحْثَ عَمَّا كَتَمْتَ،

پیش انداختی و نه آشکار ساختن آنچه را پوشانیدی و نه کنجکاوی از آنچه پنهان داشتی

وَلَا أَنْزِعَكَ فِي تَدْبِيرِكَ، وَلَا أَقُولَ لِمَ وَكَيْفَ، وَمَا بَالُ وَلِيِّ الْأَمْرِ

و کشمکش نکنم با تو در تدبیرت و نگویم چرا و چگونه و برای چیست که آنکس که کار بدست او است

لَا يَظْهَرُ، قَدْ امْتَلَأَتِ الْأَرْضُ مِنَ الْجَوْرِ، وَأَفْوَضُ أُمُورِي كُلَّهَا إِلَيْكَ،

آشکار نشود با اینکه زمین از ستم پسر شده و واگذارم همه کارهایم را به تو

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُرِينِي وَلِيَّ أَمْرِكَ ظَاهِرًا نَافِذَ الْأَمْرِ، مَعَ عَلَمِي

خدایا از تو خواهم که ولی امرت را آشکارا و نافذ الامر به من بنمایانی با اینکه می دانم

بِأَنَّ لَكَ السُّلْطَانَ وَالْقُدْرَةَ وَالْبُرْهَانَ، وَالْحُجَّةَ وَالْمَشِيئَةَ، وَالْحَوْلَ

تمام سلطنت و قدرت و دلیل و برهان و خواست و جنبش

وَالْقُوَّةَ، فَافْعَلْ ذَٰلِكَ بِي وَبِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ، حَتَّىٰ نَنْظُرَ إِلَىٰ وَلِيِّ أَمْرِكَ

و نیرو خاص تو است ولی این مرحمت را درباره من و همه مؤمنین بفرما تا نظر کنیم بصورت ولی امر تو

صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ، ظَاهِرَ الْمَقَالَةِ وَاضِحَ الدَّلَالَةِ، هَادِيًا مِنَ الضَّلَالَةِ،

که درودهای تو بر او باد - در حالی که با سخنی آشکار و با دلیلی واضح مردم را از گمراهی نجات دهد و از بیماری نادانی

شَافِيًا مِنَ الْجَهَالَةِ أَبْرَزِيَا رَبِّ مُشَاهَدَتُهُ، وَثَبَّتْ قَوَاعِدَهُ، وَاجْعَلْنَا

شفا بخشد پروردگارا جمال زیبایش را برای مشاهده ما از پرده برون آر و پابرجا کن بنیاد کارهایش را و بگردان

مِمَّنْ تَقَرُّ عَيْنُهُ بِرُؤْيَيْهِ، وَأَقِمْنَا بِخِدْمَتِهِ، وَتَوَفَّنَا عَلَىٰ مِلَّتِهِ، وَاحْشُرْنَا

ما را از کسانی که روشن گردد دیده شان به دیدارش و بگمارمان برای خدمتش و بمیرانمان بر کیش و آئینش و محشورمان گردان

فِي زُمْرَتِهِ، اللَّهُمَّ أَعِدْهُ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ مَا خَلَقْتَ، وَذَرَاتِ وَبِرَاتِ،

در گروهش خدایا در پناهش گیر از شر تمام آنچه خلق فرموده و آفریندی و پدید آورده

وَأَنْشَأَتْ وَصَوَّرَتْ، وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ، وَعَنْ يَمِينِهِ

و پروری سدی و صورت دادی و محافظتش کن از پیش رویش و از پشت سرش و از راست

وَعَنْ شِمَالِهِ، لَوْ مِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ، بِحِفْظِكَ الَّذِي لَا يَضِيعُ مَنْ

و چپش و از بسالای سر و از زیر پایش به نگهداری خودت که تباہ نشود هر که را بدان

حَفِظْتَهُ بِهِ، وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ، وَوَصِيَّ رَسُولِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ.

نگهداری کردی و نگهدار بوجد او (آئین) رسولت و وصی رسولت را - که بر او و آلش سلام باد -

اللَّهُمَّ وَمُدِّ فِي عُمُرِهِ، وَزِدْ فِي أَجَلِهِ، وَأَعِنُّهُ عَلَى مَا وَوَلَّيْتَهُ

خدایا طولانی گردان عمرش را و بیفزای در اجلسش و یساریش ده در آنچه بدستش سپرده‌ای

وَاسْتَرْعَيْتَهُ، وَزِدْ فِي كَرَامَتِكَ لَهُ، فَإِنَّهُ الْهَادِي الْمَهْدِي وَالْقَائِمُ

و رعایتش را از او خواسته‌ای و بیفزای در کرامتت بر او که او راهنمای راه یافته و قیام کننده

الْمُهْتَدِي، وَالظَّاهِرُ التَّقِيُّ الزَّكِيُّ، النَّقِيُّ الرَّضِيُّ الْمَرْضِيُّ، الصَّابِرُ

راهبری است و پاک و با تقوی و پاکیزه و خالص و راضی (از حق) و پسندیده و بردبار

السَّكُورُ الْمُجْتَهِدُ، اللَّهُمَّ وَلَا تَسْلُبْنَا الْيَقِينَ لِطُولِ الْأَمَدِ فِي غَيْبَتِهِ،

و سپاسگزار و کوشا است خدایا و از ما مگیر یقین بطولانی شدن زمان غیبتش را

وَانْقِطَاعِ خَبْرِهِ عَنَّا، وَلَا تُنْسِنَا ذِكْرَهُ وَانْتِظَارَهُ، وَالْإِيمَانَ بِهِ، وَقُوَّةَ

و منقطع شدن خبرش را از ما و از یاد ما مبر آن بزرگوار را و هم چنین انتظار آمدنش و ایمان به او و قوت

الْيَقِينَ فِي ظُهُورِهِ وَالدُّعَاءَ لَهُ وَالصَّلَاةَ عَلَيْهِ، حَتَّى لَا يُقَنِّنَا طَوْلُ

یقین در ظهورش را و دعای بر آن حضرت و درود بر او را تا بحدی که نومید نکند ما را طول

غَيْبَتِهِ مِنْ قِيَامِهِ، وَيَكُونَ يَقِينُنَا فِي ذَلِكَ كَيَقِينُنَا فِي قِيَامِ رَسُولِكَ،

غیبت آن حضرت از قیام و ظهورش و یقین ما در این باره مانند یقینی باشد که ما در قیام رسولت

صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَمَا جَاءَ بِهِ مِنْ وَحْيِكَ وَتَنْزِيلِكَ، فَقَوِّ قُلُوبَنَا

- که درودهای تو بر او و آلش باد - داریم و همچنین مانند یقینی باشد که به وحی و قرآن او داریم پس تقویت کن دل‌های

۱۲۶

عَلَى الْإِيمَانِ بِهِ، حَتَّى تَسْلُكَ بِنَا عَلَى يَدَيْهِ مِنْهَا جِ الْهُدَى،

ما را بر ایمان به او تا در آوری ما را بدست آن جناب در راه روشن هدایت

وَالْمَحَجَّةَ الْعُظْمَى، وَالطَّرِيقَةَ الْوَسْطَى، وَقَوْنًا عَلَى طَاعَتِهِ، وَثَبَّتْنَا

و راهنمائی، و شاهراه (دین) و جاده مستقیم و نیرومند کن ما را بر اطاعت او و پابرجایمان کن

عَلَى مُتَابَعَتِهِ، وَاجْعَلْنَا فِي حِزْبِهِ وَأَعْوَانِهِ وَأَنْصَارِهِ، وَالرَّاضِينَ بِفِعْلِهِ،

بر پیرویش و قرارمان ده در گروه او و اعوان و یارانش و کسانی که راضی به کارهای اویند

وَلَا تَسْلُبْنَا ذَلِكَ فِي حَيَاتِنَا، وَلَا عِنْدَ وَفَاتِنَا، حَتَّى تَتَوَفَّانَا وَنَحْنُ

و این عقیده را از ما مگیر نه در زندگی و نه هنگام مرگمان تا بمیرانی ما را بر این عقیده

عَلَى ذَلِكَ لَا شَاكِينَ وَلَا نَاكِثِينَ وَلَا مُرْتَابِينَ وَلَا مُكَذِّبِينَ، اَللَّهُمَّ

که نه شک داشته باشیم و نه پیمان شکن و نه شبهه‌ای داشته و نه تکذیب کننده باشیم خدایا

عَجِّلْ فَرَجَهُ، وَأَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ، وَأَنْصُرْ نَاصِرِيهِ، وَاخْذُلْ خَاذِلِيهِ،

تعمیل فرما در ظهورش و تأییدش کن به یاری خود و یاری کن یاورش را و خوار کن هر که دست از یاریش بردارد

وَدَمْدِمٌ عَلَى مَنْ نَصَبَ لَهُ وَكَذَّبَ بِهِ، وَأَظْهَرَ بِهِ الْحَقَّ، وَأَمِثَّ بِهِ

و به هلاکت رسان هر که را به دشمنیش برخیزد و او را تکذیب کند و آشکار کن به او حق را و بمیران

الْجَوْرَ وَاسْتَنْقِذْ بِهِ عِبَادَكَ الْمُؤْمِنِينَ مِنَ الذُّلِّ، وَانْعَشْ بِهِ الْبِلَادَ،

به او جور و ستم را و نجات بخش به او بندگان با ایمانت را از خواری و زنده کن به او شهرها را و بکش بدست او

وَأَقْتُلْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ، وَأَقْصِمْ بِهِ رُؤُسَ الضَّلَالَةِ، وَذَلِّلْ بِهِ

سرکشان کفر را و درهم شکن بوسیله‌اش سرکرده‌های گمراهی را و خوار گردان بوسیله‌اش گردنکشان

الْجَبَّارِينَ وَالْكَافِرِينَ، وَأَبْرِ بِهِ الْمُنَافِقِينَ وَالنَّاكِثِينَ، وَجَمِيعَ

و کسانان را و نابود کن بسو منافقان و پیمان شکنان و همه

الْمُخَالَفِينَ وَالْمُلْحِدِينَ، فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، وَبَرِّهَا

مخالفان (اسلام) و بی‌دینان را که در شرقهای زمین و غربهای آن و در خشکی

وَبَحْرِهَا، وَسَهْلِهَا وَجَبَلِهَا، حَتَّى لَا تَدَعَ مِنْهُمْ دَيَّاراً، وَلَا تُبْقِيَ

و دریا و در همسواری زمین و کوهها مانند تا آنکه بجای نگذاری از آنها احدی را

لَهُمْ آثَاراً، طَهَّرَ مِنْهُمْ بِلَادَكَ، وَاشْفَى مِنْهُمْ صُدُورَ عِبَادِكَ،

و اثری از آنها باقی نگذاری و پاک گردان از ایشان شهرها بت را و شفا بخش از نابودی آنها سینه های بندگانت را

وَجَدِّدْ بِهِ مَا امْتَحَى مِنْ دِينِكَ، وَأَصْلِحْ بِهِ مَا بَدَّلَ مِنْ حُكْمِكَ

و تازه کن بدو آنچه محو گشته از دینت و اصلاح کن بوسیله اش آنچه تبدیل شده از حکم و قانونت

و غَيْرَ مِنْ سُنَّتِكَ، حَتَّى يُعُودَ دِينُكَ بِهِ، وَعَلَى يَدَيْهِ غَضّاً جَدِيداً

و تغییر یافته از روش و سنتت تا در نتیجه باز گردد دین تو بوجود آن جناب و بدست او تو و تازه

صَاحِبِهَا، لَا عِوَجَ فِيهِ وَلَا بِدْعَةَ مَعَهُ، حَتَّى تُطْفِئَ بِعَدْلِهِ نِيرَانَ

و صحیح که هیچگونه کجی و بدعتی در آن نباشد و بدینوسیله به برکت عدل و داد او خاموش گردانی آتش

الْكَافِرِينَ، فَإِنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ، وَارْتَضَيْتَهُ

کفار را که همانا آن بزرگوار بنده تو است که او را خاص خود گردانیدی

لِنَصْرِ دِينِكَ، وَاصْطَفَيْتَهُ بِعِلْمِكَ، وَعَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ، وَبَرَّأْتَهُ

و برای یاری دینت پسندیدی و به علم خویشتن برگزیدی و از گناهان نگاهداشتی

مِنَ الْعُيُوبِ، وَأَطَّلَعْتَهُ عَلَى الْغُيُوبِ، وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ، وَطَهَّرْتَهُ

و از عیوب مبرایش ساختی و بر نادیدنیها مطلعش کردی و بر او انعام فرمودی و از پلیدی

مِنَ الرَّجْسِ، وَنَقَّيْتَهُ مِنَ الدَّنَسِ، اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ

و از چرکسی پاک و پسا کیزه اش کسردی خدایا درود فرست بر او و بر پدرانش

الْأَيُّمَةَ الظَّاهِرِينَ، وَعَلَى شَيْعَتِهِ الْمُتَجَبِّينَ، وَبَلِّغُهُمْ مِنْ آمَالِهِمْ مَا

امامان پاک و بر شیعیان برگزیده اش و برسان آنان را به هر آرزویی که

يَأْمَلُونَ، وَاجْعَلْ ذَلِكَ مِنَّا خَالِصاً مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَشُبْهَةٍ وَرِيَاءٍ

دارند و ایسن عقیده ما را خالص و پاک گردان از هر شک و شبهه و خودنمایی

وَسُمِّعَةٍ حَتَّى لَا تُرِيدَ بِهِ غَيْرَكَ، وَلَا تَطْلُبَ بِهِ إِلَّا وَجْهَكَ،

و شهرت طلبی تا نخواهیم بدان غیر تو را و نجویم بدان جز ذات تو را

اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ نَبَّيْنَا، وَغَيْبَةَ إِمَامِنَا، وَشِدَّةَ الزَّمَانِ

خدایا ما به تو شکوه کنیم از فقدان پیامبرمان و غیبت امام و رهبرمان و سختی روزگار

عَلَيْنَا وَوُقُوعَ الْفِتَنِ بِنَا، وَتَظَاهِرَ الْأَعْدَاءِ عَلَيْنَا، وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا

بر ما و در آمدن فتنه ها بر سر ما و پشت بهم دادن دشمنان بر دشمنی ما

وَ قِلَّةَ عَدَدِنَا، اللَّهُمَّ فَافْرُجْ ذَلِكَ عَنَّا بِفَتْحِ مِنْكَ تُعَجِّلُهُ، وَنَصْرِ

و بسیاری دشمنان و کمی افراد ما خدایا پس بگشا از ما این اندوه را به گشایشی از طرف خود که زود بفرستی و یاری

مِنْكَ تُعِزُّهُ، وَ إِمَامٍ عَدْلٍ تُظَهِّرُهُ، إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ، اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ

از خودت که عزت دهی و به امام عادلی که آشکارش کنی ای معبود به حق آمین خدایا از تو خواهیم که

أَنْ تَأْذِنَ لَوْلِيِّكَ فِي إِظْهَارِ عَدْلِكَ فِي عِبَادِكَ، وَقَتْلِ أَعْدَائِكَ فِي

به نمایندگی و ولیست اذن دهی برای آشکار ساختن عدالت در میان بندگان تو و کشتن دشمنانت را در

بِلَادِكَ حَتَّى لَا تَدَعَ لِلْجَوْرِ يَا رَبِّ دِعَامَةً إِلَّا قَصَمْتَهَا، وَلَا بَقِيَّةً

شهرهای تا اینکه پروردگارا ستونی برای ظلم و ستم باقی نگذاری

إِلَّا أَفْنَيْتَهَا، وَلَا قُوَّةً إِلَّا أَوْهَنْتَهَا، وَلَا رُكْنًا إِلَّا هَدَمْتَهُ، وَلَا حَدًّا

جز آنکه درهم شکنی و نه بازمانده ای جز آنکه نابودش کنی و نه نیروی جز آنکه سستش کنی و نه پایه ای جز آنکه

إِلَّا فَالَلْتَهُ، وَلَا سِلَاحًا إِلَّا أَكَلَلْتَهُ، وَلَا رَايَةً إِلَّا نَكَّسْتَهَا،

درهم فروریزی و نه تیزی جز آنکه کندش کنی و نه اسلحه ای جز آنکه از کار بیندازی و نه پرچمی جز آنکه سرنگون سازی

وَلَا شُجَاعًا إِلَّا أَقْتَلْتَهُ، وَلَا جَيْشًا إِلَّا خَذَلْتَهُ، وَ أَرْمِهِمْ يَا رَبِّ

و نه پهلوانی جز آنکه بکشی و نه سپاهی جز آنکه خوارش گردانی و سنگبارانشان کن پروردگارا

بِحَجَرِكَ الدَّامِغِ، وَ اضْرِبْهُمْ بِسَيْفِكَ الْقَاطِعِ، وَ بِأَسْكَ الَّذِي لَا تَرُدُّهُ

به سنگ کوبنده ات و بزنی آنها را به شمشیر برنده ات و بدان حمله و انتقامت که بسازش نگردانی

عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ، وَعَذَّبَ أَعْدَاكَ وَأَعْدَاءَ وَلِيِّكَ وَأَعْدَاءَ

از مردمان بدکار و عذاب کسن دشمنان خودت و دشمنان ولایت و دشمنان

رَسُولِكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، بِيَدِ وَلِيِّكَ وَأَيْدِي عِبَادِكَ

رسولت را که درودهای تو بر او و آلش باد - بدست ولایت و بدست بندگان

الْمُؤْمِنِينَ، اللَّهُمَّ اكْفِ وَلِيِّكَ وَحُجَّتَكَ فِي أَرْضِكَ هَوْلَ عَدُوِّهِ،

مؤمنست خدایا کفایت کن ولایت و حجست را در روی زمین از هراس دشمنش

وَ كَيْدَ مَنْ أَرَادَهُ، وَأَمْكُرْ بِمَنْ مَكَرَ بِهِ، وَاجْعَلْ دَائِرَةَ السُّوءِ عَلَى

و از حيله هر کس که سوء قصدش کند و مکر کن با هر کس که به او مکر کند و چرخ بد روزگار را برای

مَنْ أَرَادَ بِهِ سُوءًا، وَاقْطَعْ عَنْهُ مَادَّتَهُمْ، وَارْعَبْ لَهُ قُلُوبَهُمْ،

هر کس که سوء قصدش را دارد به گردش در آور و شر آنها را از سر آن بزرگوار بگردان و در دلهای آنها

وَزَلْزِلْ أَقْدَامَهُمْ، وَخُذْهُمْ جَهْرَةً وَبَغْتَةً، وَشَدِّدْ عَلَيْهِمْ عَذَابَكَ،

رعب او را بسفکن و پاهایشان را بلغزان و بطور آشکارا و ناگهانی آنها را بگیر و عذابت را بر ایشان

وَ أَخْرِهِمْ فِي عِبَادِكَ وَالْعَنِّهِمْ فِي بِلَادِكَ، وَأَسْكِنِهِمْ أَسْفَلَ نَارِكَ،

سخت گردان و رسواشان کن در میان بندگانت و لعنتشان کن در شهرهایت و در ته دوزخ خود جایشان ده

وَ أَحِطِّهِمْ أَشَدَّ عَذَابِكَ، وَأَصْلِهِمْ نَارًا، وَاحْشُ قُبُورَ مَوْتَاهُمْ نَارًا،

و محیط گردان بر ایشان سخت ترین عذابت را و در آتش جایشان ده و پر کن گور مردگان را از آتش

وَ أَصْلِهِمْ حَرَّ نَارِكَ فَإِنَّهُمْ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ،

و در سوز آتشت واردشان کن زیرا که اینان نماز را ضایع کردند و از شهوات

وَ أَضَلُّوا عِبَادَكَ وَ أَخْرَبُوا بِلَادَكَ، اللَّهُمَّ وَ أَحْيِ بِوَلِيِّكَ الْقُرْآنَ،

پیروی کردند و بندگانت را گمراه کردند و شهرهایت را ویران کردند خدایا زنده کن بدست ولایت قرآن را

وَ أَرِنَا نُورَهُ سَرْمَدًا لَا لَيْلَ فِيهِ، وَ أَحْيِ بِهِ الْقُلُوبَ الْمَيِّتَةَ، وَ اشْفِ

و بنمایان به مانور آن بزرگوار را همیشه که شب (و تاریکی) نداشته باشد و زنده کن بوسیله آن جناب دلهای مرده را و بهبودی بخش

۱۳۰

بِهِ الصُّدُورَ الْوَعْرَةَ، وَاجْمَعْ بِهِ الْأَهْوَاءَ الْمُخْتَلِفَةَ عَلَى الْحَقِّ وَأَقِمَّ

بسو سینه‌های سوخته را و جمع کن بوسیله او آراء مختلفه را بر حق و بر با کن

بِهِ الْحُدُودَ الْمُعْظَلَةَ، وَالْأَحْكَامَ الْمُهْمَلَةَ، حَتَّى لَا يَبْقَى حَقٌّ إِلَّا

بسو حدود تعطیل شده و احکام و اگذا رده شده را تا آنجا که حقی بجای

ظَهَرَ، وَلَا عَدْلٌ إِلَّا زَهَرَ، وَاجْعَلْنَا يَا رَبِّ مِنْ أَعْوَانِهِ، وَمُقَوِّيَةَ

نماند جز آنکه آشکار شود و نه عدل و دادی جز آنکه شکفته گردد و فرارده پروردگار امارا از گروه باران و تقویت کننده

سُلْطَانِهِ، وَالْمُؤْتَمِرِينَ لِأَمْرِهِ، وَالرَّاضِينَ بِفِعْلِهِ، وَالْمُسْلِمِينَ

سلطنتش و فرمانبرداران فرمائش و خوشنودان از کارش و تسلیم شوندگان احکام و دستوراتش

لِلْأَحْكَامِ، وَمِمَّنْ لَا حَاجَةَ بِهِ إِلَى التَّقِيَّةِ مِنْ خَلْقِكَ، وَأَنْتَ يَا

و از کسانی که احتیاج به تقیه (و محافظه کاری و اظهار خلاف عقیده) از ترس مردم نداشته باشند و تویی

رَبِّ الَّذِي تَكْشِفُ الضُّرَّ وَتُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاكَ،

پروردگسارا که برطرف کنی گرفتاری را و اجابت کنی از درمانده چون تو را بخواند

وَتُنَجِّي مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ، فَاكْشِفِ الضُّرَّ عَنِّي وَوَلِيَّكَ، وَاجْعَلْهُ

و از اندوه بزرگ نجات بخشی پس برطرف کن گرفتاری را از ولی خود و او را

خَلِيفَةً فِي أَرْضِكَ، كَمَا ضَمِنْتَ لَهُ، اَللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْنِي مِنْ خُصَمَاءِ

خليفة خود در زمینت قرار ده چنانچه تعهد کرده‌ای خدا یا قرارم مده از ستیزه جویان

آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ أَعْدَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ

آل محمد علیهم السلام و قرارم مده از دشمنان آل محمد

عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ وَالْغَيْظِ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ

علیهم السلام و قرارم مده از اهل کینه و خشم بر آل محمد

عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، فَإِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ذَلِكَ فَأَعِدْنِي، وَأَسْتَجِيرُ بِكَ فَأَجِرْنِي

علیهم السلام زیرا که من پناه به تو می برم از این جریان و تو پناه ده و از تو پناه می خواهم و تو در پناهم گیر



صحیفه مهدی

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي بِهِمْ فَائِزًا عِنْدَكَ

خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و مرا بوسیله ایشان از نزد خود رستگارم کن

فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

در دنیا و آخرت و از مقربان درگاهت قرارم ده آمین ای پروردگار جهانیان

مسجد جمکران و نماز مخصوص آن

از جمله اماکنی که همواره مورد توجه مخصوص امام زمان بوده و به برکت آن کرامات و عنایات ویژه‌ای در آن به وقوع پیوسته «مسجد مقدس جمکران» است. این مکان شریف را به جهت واقع شدن در کنار روستایی به نام جمکران، مسجد جمکران و به خاطر آن که به همت «حسن بن مثله» ساخته شده «مسجد حسن بن مثله» و به لحاظ آن که به امر مبارک حضرت امام زمان تأسیس شده است؛ «مسجد امام زمان» یا «مسجد صاحب الزمان» می‌نامند. این مسجد در زمان حسن بن مثله بنا شد و پس از آن بارها در آن تعمیراتی انجام شده است. از جمله یک بار در زمان مرحوم صدوق و بعدها چندین مرتبه در دوره حکومت سلسله صفویه و یک بار هم در زمان مرجعیت حضرت آیت الله عبدالکریم حائری - مؤسس محترم حوزه علمیه قم - توسط مجاهد گرانقدر حجة الاسلام شیخ محمدتقی بافقی و بعد از ایشان

تعمیراتی هم در آن به وسیله یکی از تجار معروف قم صورت گرفت. در سال‌های اخیر به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی به علت استقبال بی نظیر مردم از سرتاسر ایران اسلامی به کمک امت اسلامی، تحت نظارت هیأت امانا و مدیریت مسجد جمکران، طرح‌های عمرانی بسیار مهم و در عین حال لازم و ضروری نظیر سالن‌های اجتماعات و کتابخانه عمومی و نمایشگاه کتاب و درمانگاه و محل اسکان برای نمازگزاران و ... در کنار گسترش و توسعه ساختمان مسجد در دست اجراست.

امروزه این مکان مقدس به یکی از میعادگاه‌های بزرگ عاشقان ولایت و امامت تبدیل شده است که هر هفته شب‌های چهارشنبه و جمعه، به ویژه در ایام مبارک نیمه شعبان هزاران نفر در آن گرد می‌آیند و از طریق تشکیل مجالس دعا و نیایش ضمن تجدید عهد با امام زمان از خداوند تبارک و تعالی، تعجیل در فرج منجی عالم بشریت را درخواست می‌نمایند.

چگونگی دستور بنای مسجد جمکران: یکی از علمای شیعه به نام حسن به محمد بن حسین قمی در کتاب تاریخ قم در مورد چگونگی بنای مسجد مقدس جمکران از کتاب مونس الحزین فی معرفه الحق و الیقین اثر شیخ ابو جعفر محمد بن بابویه قمی (شیخ صدوق) چنین نقل می‌کند: شیخ صالح و عقیف، حسن بن مثله جمکرانی گفت: شب سه شنبه‌ای که مصادف بود با هفدهم ماه مبارک رمضان سال سیصد و نود و سه هجری قمری در خانه‌ام

خوابیده بودم در حالی که شب از نیمه گذشته بود. ناگهان صدای عده‌ای از مردم که در پشت در خانه گرد آمده مرا صدا می‌زدند به گوشم رسید. وقتی بیدار شدم خطاب به من گفتند: برخیز که حضرت مهدی تو را به نزد خود می‌خواند.

حسن می‌گوید: به آن‌ها گفتم اجازه بدهید تا آماده شوم و لباس‌هایم را بپوشم. صدایی از طرف در خانه به گوشم رسید که «آن پیراهن تو نیست» لذا از پوشیدن آن صرف نظر نمودم و بعد شلوارم را برداشتم تا بپوشم، باز هم همان صدا بلند شد که: «آن شلوار مال تو نیست، شلوار خودت را بردار». آن را به زمین انداختم و شلوار دیگری را که مال خودم بود پوشیدم و سپس به دنبال کلید در خانه می‌گشتم تا آن را باز کنم، باز از طرف در همان صدا به گوشم رسید که: «در خانه باز است» وقتی به نزدیک در آمدم با جماعتی از بزرگان مواجه شدم. به آن‌ها سلام کردم آن‌ها بعد از جواب سلام این پیشامد را به من تبریک گفتند. سپس مرا همراه خود به محلی که هم اکنون مسجد در آن بنا شده است آوردند. در آنجا وقتی خوب دقت کردم، تختی را دیدم که فرش زیبایی روی آن انداخته شده بود و جوانی در حدود سی ساله در روی آن به بالشی تکیه زده بود و پیرمردی مطلبی را از روی کتاب برای او می‌خواند و بیش از شصت مرد که بعضی از آن‌ها لباس سبز و بعضی دیگر لباس سفید به تن داشتند در گوشه و کنار آن محل مشغول خواندن نماز بودند.

آن پیرمرد که حضرت خضر بود، مرا در کنار خود جای داد. آنگاه همان جوان نورانی که بعد معلوم شد حضرت مهدی هستند بعد از تفقد و احوالپرسی اسم خودم صدا زده فرمودند: «نزد حسن بن مسلم برو و به او بگو مدت پنج سال است که تو این زمین را آماده ساخته، کشت می کنی، ولی ما آنرا خراب می کنیم و امسال قصد داری در آن زراعت نمایی در حالی که تو چنین اجازه ای نداری، باید سود این چند سال کشت را رد کنی تا در این جا مسجد بنا شود». سپس فرمودند: «به حسن بن مسلم بگو: این جا زمین شریفی است که خداوند آن را از بین سایر زمین ها برگزیده است، ولی تو آن را به زمین خود لاحق کردی خداوند به خاطر این کار خلاف دو پسر جوان تو را از دست تو گرفت، ولی باز متنبه نشدی. اگر باز هم بخواهی به این کار ادامه دهی، کیفر الهی دیگری که نمی توانی آن را تصرف کنی بر تو متوجه خواهد شد.» حسن بن مسلم می گوید: «به آن حضرت عرض کردم: مولای من برای این که مردم سخن مرا بپذیرند، نشان و علامتی در این باره برای من تعیین بفرمائید».

امام در پاسخ فرمودند: «ما در این جا نشانه ای را قرار می دهیم تا سخن شما را مردم تصدیق نمایند. تو آن چه را که بیان شد انجام بده به نزد «سید ابوالحسن» برو و به او بگو بیاید و حسن بن مسلم را حاضر کند و سود چند ساله زمین را از او بگیرد و آن را به مردم بدهد تا با آن بنای مسجد را شروع کنند و بقیه مخارج آن را از

منافع قریه «رهق» که ملک ما در ناحیه «اردهال» است، به تمام برسانند. ما نصف درآمد رهق را وقف این مسجد نموده‌ایم تا همه ساله درآمد آن را بیاورند به این جا و صرف عمارت و آبادانی و سایر مخارج این مسجد بنمایند.»

سپس حضرت افزودند: «به مردم بگو تا به این مکان روی آورند و آن را عزیز و گرامی دارند و در آن چهار رکعت نماز به جای آورند؛ دو رکعت اول را به نیت نماز تحیت (به این ترتیب که در هر رکعت، اول سوره حمد را یک بار و بعد سوره «قل هو الله احد» را هفت بار و در ادامه هر یک از ذکرهای رکوع و سجود را هم هفت بار تکرار کنند و نماز را به پایان ببرند) و دو رکعت بعد را هم به نیت نماز امام زمان به جای می آورند (به این ترتیب در هر رکعت بعد از نیت وقتی سوره حمد را شروع کردند به «ایاک نعبد و ایاک نستعین» که رسیدند، آن بخش را صد بار تکرار می نمایند و بعد در ادامه سوره حمد را می خوانند و آن گاه سوره توحید را یک بار و هر یک از ذکرهای رکوع و سجود را هفت بار تکرار می کنند و بعد نماز را تمام می کنند. سپس یک بار لا اله الا الله می گویند و در ادامه هم تسبیحات حضرت زهرا را که عبارت از سی و چهار مرتبه «الله اکبر» و سی و سه مرتبه «الحمد لله» و سی و سه مرتبه «سبحان الله» است ذکر می نمایند و آن گاه به سجده رفته، صد بار بر پیامبر و آل پیامبر درود و صلوات می فرستند.»

در ادامه حضرت اضافه کردند: «هر کس این نماز را بخواند مانند آن است که در کعبه نماز خوانده باشد.»

حسن بن مثله می گوید: «وقتی این سخنان را شنیدم با خود گفتم: گویی آن مکان مورد نظر این جاست که مسجد با شکوه امام زمان خواهد شد.» بعد حضرت به من اشاره فرمودند که: «برو.»

چون به راه افتادم و مقداری رفتم، دوباره آن حضرت مرا صدا زدند و فرمودند: «در گله جعفر کاشانی (که یک نفر چوپان بود) بزی هست که اگر مردم پول آن را دادند با پول آن‌ها و اگر ندادند با پول خودت آن را خریداری کن و آن را به این جا بیاور و ذبح کن و در روز چهارشنبه که برابر با هجدهم ماه مبارک رمضان است، گوشت آن را در شب آینده برای بیماران و کسانی که گرفتاری دارند انفاق کن. خداوند (تبارک و تعالی) همه آن‌ها را شفا می‌دهد. نشانی و علامت آن بز این است که ابلق است و موی بسیار دارد و در ضمن هفت علامت سیاه و سفید در بدن آن بز هست که سه تای از آن‌ها در یک طرف بدن و چهارتا در طرف دیگر آن است که هر یک از آن‌ها به اندازه یک درهم هستند.»

بعد وقتی مجدداً به راه افتادم، برای سومین بار مرا صدا زده فرمودند: «این جا هفت یا هفتاد روز اقامت می‌کنی. اگر هفت روز اقامت کنی آن مصادف با شب قدر؛ یعنی بیست و سوم رمضان خواهد بود و اگر هفتاد روز بمانی، مطابق با شب بیست و پنجم ذیقعد است که هر دو شب بسیار گرانبگری هستند.»



حسن بن مثله می گوید: «سپس برگشته و به خانه آمدم و تمام شب را در اندیشه آن چه واقع شده بود به سر بردم. وقتی صبح شد نماز را به جای آوردم و بعد نزد «علی بن منذر» آمده و ماجرا را به وی بازگو کردم. به همراه او به محلی که دیشب مرا به آن جا برده بودند، رفتیم. حسن بن مثله چنین ادامه می دهد: «سوگند به خدا علامت‌هایی را که حضرت فرموده بودند که از جمله آن‌ها میخ‌ها و زنجیرهایی بود که با آن‌ها حدود مسجد را مشخص نموده بودند، در آن جا مشاهده کردیم. سپس به همراه علی بن منذر به طرف منزل سید بزرگوار ابوالحسن الرضا راه افتادیم. وقتی به در منزل او رسیدیم خدمتکاران او را دیدیم که در کنار در خانه منتظر ما هستند. وقتی ما را دیدند به ما گفتند: آیا شما از اهالی جمکران هستید. گفتیم: آری. گفتند: سید ابوالحسن از اول صبح در انتظار شماست!

وارد خانه شده، ضمن اظهار تواضع خدمت سید عرض سلام کردم و او به گرمی و با احترام کامل جواب سلام را داده و مرا در کنار خود جای داد و پیش از آن که من سخنی بگویم خطاب به من گفت: ای حسن بن مثله! من خوابیده بودم. در خواب شخصی به من گفت: صبح زود مردی از اهالی جمکران که او را حسن بن مثله می‌نامند، نزد تو خواهد آمد. آن چه که او به تو گفت آن را تصدیق کن؛ چرا که سخن او سخن ماست. مبادا گفته‌های او را رد کنی. در این حال از خواب بیدار شدم و از آن وقت تا کنون منتظر

آمدن تو بودم. در ادامه حسن بن مثله جریان شب گذشته را به طور مفصل بیان می کند. سید ابوالحسن دستور می دهد تا اسبها را آماده سازند. بعد سوار می شوند و به طرف آن محل حرکت می کنند. در نزدیکی های روستای جمکران به گله جعفر کاشانی برخورد می کنند؛ حسن بن مثله برای پیدا کردن آن بز ابلق که حضرت فرموده بودند وارد گله می شود و می بیند آن بز در عقب گله است. وقتی بز متوجه حسن بن مثله می شود به سرعت خود را به او می رساند و حسن او را می گیرد و نزد جعفر کاشانی می آورد تا آن را از او بخرد. جعفر کاشانی سوگند یاد می کند که من هرگز این بز را داخل گله ندیده ام، ولی وقتی آن را در عقب گله امروز دیدم خواستم که آن را بگیرم، ولی هر چه تلاش کردم نتوانستم، اما حالا چون شما را دیدم به نزد شما آمد و این امر بسیار شگفت انگیزی است. بعد آنها بز را به محل مسجد می آورند و در آنجا ذبحش می کنند و همان طور که حضرت دستور داده بود، گوشت آن را بین مریض ها تقسیم می کنند.

سپس سید ابوالحسن، حسن بن مسلم را احضار می کند و سود چندساله زمین را از او می گیرد و سود املاک روستای را هم می آورند و مسجد جمکران را بنا می کنند و سقف آن را با چوب می پوشانند. در ضمن سید ابوالحسن الرضا زنجیرها و میخها را به منزل خود در قم می برد و از آن به بعد هر کس بیمار می شد به آنجا می رفت و به آن زنجیرها تبرک می جست و خداوند تبارک

و تعالی تفضلی نموده به واسطه آنها ایشان را شفا می داد. ابوالحسن محمد بن حیدر می گوید: شنیدم که سید ابوالحسن الرضا وقتی وفات یافت او را در محله ای که «موسویان» نامیده می شود، دفن کردند. بعدها وقتی یکی از فرزندان او مریض می شود به سراغ صندوقی که زنجیرها و میخها در آن نگهداری می شد می رود، ولی هنگامی که در صندوق را باز می کند اثری از زنجیرها و میخها در آن نمی بیند.

فضیلت و آداب مسجد جمکران: به طور کلی در مجموعه سخنان و سفارش های منسوب به حضرات معصومین درباره مسجد مقدس جمکران به دو قسم از فضائل اشاره شده است.

۱. اهمیت تکوینی: در سخنانی که حضرت علی^(ع) به پسر یمانی فرموده اند، این گونه آمده است: ... ای پسر یمانی این جا (جمکران) زمینی مقدس و پاک از همه آلودگی هاست. ... بر این زمین اثر نور حق ساطع شود و از این زمین مردم رایحه و بوی مشک استشمام می کنند ... منازل و مواضع و زمین های این جا عالی و گران بها می گردد.

علاوه بر این در ضمن فرموده های حضرت حجة بن الحسن به حسن بن مثله آمده بود، به حسن مسلم بگو: «این جا زمین شریف است خدای تعالی این زمین را از زمین های دیگر برگزیده است و به آن فضیلت و برتری داده است». از این قبیل تعبیر استفاده می شود که زمین جمکران نظیر زمین های مکه و مدینه دارای

ارزش تکوینی خاصی است.

۲- همان طور که در حکایت بنای مسجد جمکران بیان شد، در بخشی از فرموده‌های حضرت امام زمان آمده بود که ثواب اعمال عبادی نظیر اقامه نماز در این مکان شریف بسیار زیاد است. تعبیر آن حضرت این بود که: «هر کس آن دو رکعت نماز را (با شرایط خاصش) در این مکان شریف به جای آورد، مثل آن است که در کعبه این نماز را خوانده است». این امر نشان می‌دهد که از نظر معنوی این مسجد از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

آداب این مسجد نیز ابتدا خواندن دو رکعت نماز تحیت و سپس دو رکعت نماز امام زمان با شرایطی است که گفته شد. در بعضی از اقوال نیز آمده است که پس از این نماز دعای «إِلَهِی عَظْمَ الْبَلَاءِ» را تا آخر قرائت کنند.



نماز حضرت در شب جمعه

ایضاً نماز آن حضرت در شب جمعه و نیز در نجم ثاقب از کتاب کنوز النجیح شیخ طبرسی نقل کرده که بیرون آمد از ناحیه مقدسه حضرت صاحب الزمان علیه الصلوة والسلام که هر کس را بسوی حق تعالی حاجتی باشد پس باید که بعد از نصف شب جمعه غسل کند و بجای نماز خود رود و دو رکعت نماز گذارد در رکعت اول بخواند سوره حمد را و چون به **إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ** برسد صد مرتبه آن را مکرر کند و بعد از آنکه صد مرتبه تمام شود تتمه سوره حمد را بخواند و بعد از تمام شدن سوره حمد سوره **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** را یک مرتبه بخواند و رکوع و دو سجده بجا آورد و **سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ مَجْمِدِهِ** را هفت مرتبه در رکوع بگوید و **سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَ مَجْمِدِهِ** را در هر یک از دو سجده هفت مرتبه بگوید و بعد از آن رکعت دویم را نیز مانند رکعت اول بجا آورد و بعد از تمام شدن نماز این دعا را بخواند پس

بدرستی که حق تعالی البتہ حاجت او را برمی آورد هر گونه حاجتی که باشد مگر آنکه حاجت او در قطع کردن صلہ رحم باشد و دعا این است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ تَعْلَمُ سِرِّي وَأَنَّكَ غَفِيرٌ فَاصْبِرْ لِي بِحُجَّتِي

خدایا اگر فرمانبرداریت کنم پس حمد و ستایش از آن تو است و اگر نافرمانیت کنم تو حجت داری از تو است مهر و یاری و

مِنْكَ الرَّوْحُ وَمِنْكَ الْفَرْجُ سُبْحَانَ مَنْ أَنْعَمَ وَ شَكَرَ سُبْحَانَ مَنْ قَدَّرَ

از تو است گشایش منزه است آنکه نعمت داده و قدر دانی کرد منزه است آنکه مقدر کرد

وَ غَفَرَ اللَّهُمَّ إِنِّي كُنْتُ عَصِيْبَتِكَ فَإِنِّي قَدْ أَطَعْتُكَ فِي أَحَبِّ الْأَشْيَاءِ

و آمرزید خدایا اگر من تو را نافرمانی کردم ولی در عوض فرمانبرداریت کردم در محبوبترین چیزها

إِلَيْكَ وَ هُوَ الْإِيمَانُ بِكَ لَمْ أَتَّخِذْ لَكَ وَلَدًا وَ لَمْ أَدْعُ لَكَ شَرِيكًا مَنَّاءً

در نزد تو و آن ایمان به تو است که برایست فرزند ندی نگرفتم و برایست شریکی قائل نشدم

مِنْكَ بِهِ عَلَيَّ لَا مَنَّاءً مِنِّي بِهِ عَلَيْكَ وَ قَدْ عَصَيْتُكَ يَا إِلَهِي عَلَى غَيْرِ

و این من منی بسود از تو بر من نه اینکه منی باشد از من بر تو و اینکه تو را

وَ جَهِّ الْمُكَابَرَةَ وَ لَا الْخُرُوجَ عَنْ عِبُودِيَّتِكَ وَ لَا الْجُحُودَ لِرُبُوبِيَّتِكَ

نافرمانی کردم ای خدا نه از روی کبر و عناد و رزی بود و نه بخاطر اینکه از تحت بندگی بیرون رفته و پروردگاریت

و لَكِنْ أَطَعْتُ هَوَايَ وَ أَزَلَّنِي الشَّيْطَانُ فَلَكَ الْحُجَّةُ عَلَيَّ وَ الْبَيَانُ

را منکر شده باشم بلکه پیروی کردم هوای نفسم را و شیطان مرا لغزاند پس تو را بر من حجت و بیان هست و

فَإِن تَعَذَّبْتَنِي فَبِدُنُوْبِي غَيْرِ ظَالِمٍ لِي وَ إِن تَغْفِرْ لِي وَ تَرَحَّمْ عَلَيَّ فَإِنَّكَ

اگر عذابم کنی بخاطر گناهان من است و تو ستمکار بر من نیستی و اگر ببیامرزی مرا و رحمم کنی پس برآستی تو

جَوَادٌ كَرِيمٌ

بخشنده و بزرگواری

و بعد از آن تا نفس او وفا کند یا کریم یا کریم را مکرر بگوید

و بعد از ای کریم ای کریم آن بگوید:

يَا اٰمِنًا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَ كُلِّ شَيْءٍ مِنْكَ خَائِفٌ حَذِرٌ اَسْئَلُكَ بِاَمْنِكَ

ای ایمن از هر چیز و هر چیز از تو ترسان و بیمناک از تو خواهم به همان امسانی

مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَ خَوْفٍ كُلِّ شَيْءٍ مِنْكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ

که از هر چیز داری و آن ترسی که هر چیز از تو دارند که درود فرستی بر محمد و آل محمد و

مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تُعْطِيَنِي اٰمَانًا لِنَفْسِي وَ اَهْلِي وَ وَاٰلِي وَاَسَاتِرِي مَا اَنْعَمْتَ

به من امانی دهی برای خود و خانواده و فرزندان و سایر چیزهایی که به من عطا فرموده‌ای تا

بِهٖ عَلَيَّ حَتّٰى لَا اَخَافُ وَ لَا اَحْذَرُ مِنْ شَيْءٍ اَبَدًا اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ

نترسم و بیم نداشته باشم از چیزی هرگز که برستی تو بر هر چیز توانایی و

قَدِيْرٌ وَ حَسْبُنَا اللّٰهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيْلُ يَا كَافِي اِبْرٰهِيْمَ نَمْرُوْدَ وَيَا كَافِي

کافی است ما را خدا و نیکو و کیلی است ای کفایت کننده ابراهیم از نمروود و ای کفایت کننده

مُوسٰى فِرْعَوْنَ اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَكْفِيَنِي

موسی از فرعون از تو خواهم که درود فرستی بر محمد و آل محمد و کفایت کنی

شَرَّ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ

از من شر فلان پسر فلان را

بن فلان نام شخصی را که از ضرر او می ترسد و به جای فلان نام پدر او را بگوید و از حق تعالی طلب کند که ضرر او را دفع نماید و کفایت کند پس بدرستی که حق تعالی البته کفایت ضرر او خواهد کرد انشاءالله تعالی و بعد از آن به سجده رود و حاجت خود را مسئلت نماید و تضرع و زاری کند بسوی حق تعالی پس بدرستی که نیست مرد مؤمنی و نه زن مؤمنه‌ای که این نماز را بگذارد و این دعا را از روی اخلاص بخواند مگر آنکه گشوده

سجده هفتم

می شود برای او درهای آسمان برای برآمدن حاجات او و دعای او
مستجاب می گردد در همان وقت و در همان شب هرگونه حاجتی
که باشد و این به سبب فضل و انعام حق تعالی است بر ما و بر
مردمان «انتهی».